

# رساله به عبرانیان

## مقدمه

هویت واقعی نویسنده رساله به عبرانیان بر کسی معلوم نیست. برعکس پولس که همیشه در ابتدای رسالات خود، نام خویش را ذکر می‌کرد، در هیچ جای این رساله اثری از نام و نشانی نویسنده این رساله به چشم نمی‌خورد. براساس عبرانیان ۳:۲، نویسنده، پیام انجیل را از کسانی که شنیدند یعنی از شاگردان و رسولان مسیح، فرا گرفته بود. با استناد به این آیه متوجه می‌شویم که پولس نمی‌تواند نویسنده این رساله باشد، زیرا که پولس انجیل را به طور مستقیم از مسیح آموخته بود (اعمال ۹:۴-۶).

این رساله در حدود سالهای ۶۰ تا ۷۰ میلادی نوشته شده است. هر چند نویسنده، مخاطبین خود را با عنوان عبرانیان معرفی می‌کند، ولی از هویت اصلی مخاطبین رساله نیز اطلاعی در دست نیست<sup>۱</sup>. بسیاری از مفسرین کتاب مقدس بر این اعتقادند که مخاطبین این رساله، یهودیان عبری زبان و آرامی زبانند. ولی هیچ کس از شهر و منطقه سکونت این افراد اطلاعی ندارد.

هر چند که ما از هویت نویسنده رساله و مخاطبین آن بی‌اطلاع هستیم، ولی این عدم آگاهی نباید باعث شود ذهن ما از توجه به مطالب این رساله منحرف گردد. زیرا هر چند از هویت انسانی نویسنده این رساله بی‌اطلاع می‌باشیم، ولی می‌دانیم که نویسنده این رساله تحت تأثیر روح القدس این مطالب را به رشته تحریر در آورده است. نگارنده اصلی این کتاب و کتب دیگر کتاب مقدس، خداوند است و روح خدا از طریق این رساله با ما سخن می‌گوید.

دلیل نگارش این رساله چه بوده است؟ چرا نویسنده این رساله، مسیحیان یهودی نژاد را مورد خطاب قرار داده است؟ از ظاهر امر چنین مشخص می‌شود که این مسیحیان یهودی نژاد، پس از ایمان به عیسی مسیح، در خطر افتادن به دام بعضی وسوسه‌ها قرار داشتند و نویسنده این رساله، به منظور هشدار دادن به آنها و همچنین تشویق آنها به پایداری در مقابل فشار وسوسه‌ها، به نوشتن این نامه طولانی اقدام کرده است. حال ببینیم که این وسوسه‌های چه بوده‌اند. اولین وسوسه مخاطبین این رساله

---

۱- عبرانیان، یهودیان ساکن اسرائیل بودند و همچنان زبان و هویت عبری خود را نگاه داشته بودند و به زبان عبری و آرامی سخن می‌گفتند (زبان عبری و آرامی بسیار به یکدیگر نزدیک است). در قرن اول میلادی و در زمان نگارش عهدجدید، اکثریت ساکنین خاور میانه و اسرائیل به زبان آرامی تکلم می‌کردند.

تنبلی بود (عبرانیان ۱۲:۶). ایشان در جانهای خود ضعیف و خسته شده بودند (عبرانیان ۳:۱۲). آنها حرارت و محبت اولیه خود را از کف داده بودند (عبرانیان ۱۴:۳؛ ۲۳:۱۰، ۳۵). آنها در ایمان خود رشد نمی‌کردند و بالغ نشده بودند (عبرانیان ۱۲:۵-۱۴). حتی برخی از آنها از رفتن به کلیسا و جماعات ایمانداران خودداری می‌کردند (عبرانیان ۱۰:۲۵). آنها با رهبران مسیحی خود مخالفت می‌کردند (عبرانیان ۱۳:۱۷). و حتی بعضی از ایشان ایمان مسیحی خود را به کلی از کف داده بودند (عبرانیان ۱۲:۳؛ ۱۰:۲۶).

بیاید که همزمان با تفکر دربارهٔ اوضاع روحانی عبرانیان، به موقعیت روحانی خود نیز نظر کنیم. آیا ما نیز مثل ایشان شده‌ایم؟ زیرا اگر زندگی روحانی ما با موقعیت آنها مشابه باشد، این رساله برای ما حاوی درسهای مهمی خواهد بود!

خلاصه اینکه، مسیحیان عبرانی، در شرف افتادن به دام وسوسه‌های خطرناک و لغزش از پرتگاه مهلکی بودند. ایشان در شرف ترک ایمان مسیحی خود و بازگشت به دین گذشته خود (یهود) بودند.

به همین منظور نویسندهٔ رساله چهار هدف را دنبال می‌نماید. اول، نویسنده به مخاطبین خود اهمیت نجات و بخشایش گناهان آنها را اعلام کرده، ایشان را متقاعد می‌سازد که این نجات تنها به وسیلهٔ عیسی مسیح حاصل خواهد شد. سپس نظر مخاطبین خود را به برکات و نعمات روحانی بی‌شماری که به وسیلهٔ ایمان به مسیح نصیب ایمانداران خواهد شد جلب می‌کند. سومین نکته این است که ایمانداران باید جهت رسیدن به بهشت آمادهٔ تحمل سختی و رنج باشند و همانطور که مسیح رنج کشید، ایمانداران نیز باید آماده تحمل رنج و مشقت باشند. و بالاخره چهارمین نکتهٔ رساله حاضر این است که اگر عبرانیان از پیروی و ایمان به مسیح بازگشت کنند، عقوبت و داوری الهی در انتظارشان خواهد بود.

## رئوس مطالب

- الف) مسیح بالاترین و برترین است (۱:۱ - ۲۸:۷).
- ۱- مقدمه (۱:۱-۴).
  - ۲- مسیح از فرشتگان برتر می‌باشد (۱:۵-۱۴).
  - ۳- هشدار و لزوم به توجه کردن (۲:۴-۱).
  - ۴- مسیح، انسانی کامل است (۲:۵-۱۸).
  - ۵- مسیح از موسی برتر است (۳:۱-۶).
  - ۶- آرامشی که مسیح وعده داده است (۳:۷ - ۴:۱۱).

- ۷- مسیح کاهن اعظم ماست (۴:۱۲ - ۵:۱۰).
- ۸- هشدار در رابطه با ارتداد (۵:۱۱ - ۶:۲۰).
- ۹- کهنات مسیح از کهنات ملک‌یصدق برتر است (۷:۱-۲۸).
- ب) عهدی جدید و بهتر (۸:۱ - ۱۰:۱۸).
- ۱- عهد جدید (۸:۱-۱۳).
- ۲- مکان مقدس جدید و خون مسیح (۹:۱-۲۸).
- ۳- فدیۀ مسیح، یکبار و برای همیشه (۱۰:۱-۱۸).
- ج) زندگی بر اساس ایمان (۱۰:۱۹ - ۱۳:۲۵).
- ۱- خصوصیات زندگی مطابق با ایمان (۱۰:۱۹-۲۵).
- ۲- سرنوشت آنانی که از ایمان لغزش می‌خورند (۱۰:۲۶-۳۹).
- ۳- مردان ایمان (۱۱:۱-۴۰).
- ۴- مسیح نمونه‌ی مادر ایمان (۱۲:۱-۳).
- ۵- تأدیب (۱۲:۴-۱۳).
- ۶- زندگی مسیح تحت حاکمیت پیمان جدید (۱۲:۱۴-۲۹).
- ۷- زندگی روزمره مسیحی (۱۳:۱-۱۷).
- ۸- خاتمه (۱۳:۱۸-۲۵).

## باب ۱

## برتری پسر خدا (۱:۱-۴)

۱ خدا در زمانهای سلف یعنی پیش از تولد عیسی مسیح، بوساطت انبیا (در عهدعتیق) به پدران ما (قوم یهود) تکلم نمود.

۲ ولی در این ایام آخر به ما بوساطت پسر (عیسی مسیح) خود متکلم شد. منظور از این ایام آخر، زمان پس از میلاد مسیح می باشد.

نویسنده نمی گوید که پیام انبیای پیش از عیسی از ارزش کمتری برخوردار است و یا اینکه قوانین عهدعتیق منسوخ گردیده اند. باید دانست که فرق میان عهدجدید و عهدعتیق در این نکته است که انبیای عهدعتیق به سوی آینده چشم دوخته بودند و منتظر ظهور مسیح موعود بودند. ولی عهدجدید به ما اعلام می کند که عیسی مسیح با آمدن خود به این جهان، تمامی آن پیشگوییها را کامل کرده، آنها را به اتمام رسانید (دوم قرن تیان ۱:۲۵ را مشاهده کنید).

عیسی مسیح، پسر خدا، چگونه کسی است؟ اول اینکه، او وارث جمیع موجودات است. تمامی قدرت و قوت در این عالم به او سپرده شده است (متی ۱۸:۲۸). خدا به وسیله عیسی تمامی جهان را آفرید (یوحنا ۱:۳؛ کولسیان ۱:۱۶ را مشاهده کنید). او پیش از خلقت جهان و موجودات آن، با خدا بود و تمامی آفرینش و جهان هستی به واسطه عیسی مسیح آفریده شده اند.

۳ دومین نکته ای که در باره مسیح یاد می گیریم این است که او فروغ جلال خداست. همانگونه که نور خورشید بر زمین می تابد و آن را گرم و روشن می کند، به همان شکل نیز نور خدا از طریق مسیح به دلهای انسانها می تابد و دلهایشان را منور می سازد.

عیسی مسیح خاتم جوهر خدای پدر است. عیسی مسیح صورت خداست (دوم قرن تیان ۴:۴؛ کولسیان ۱:۱۵). او مظهر و مکاشفه خداست. اگر به واسطه ایمان او را ملاقات کنیم

و با چشم ایمان به او بنگریم، از طریق او خدای پدر را خواهیم شناخت (یوحنا ۱:۱۸؛ ۱۴:۷-۹ را مشاهده کنید). زیرا که در وی از جهت جسم، تمامی پُری الوهیت ساکن است (کولسیان ۲:۹). مسیح همه چیز را با کلام نیرومند خود و به کلمه قوت خود حمل کرده، جهان را به نیروی خویش محافظت می کند (کولسیان ۱:۱۷). مسیح نه تنها خالق عالم است، بلکه نگاهدارنده آن نیز هست. او ماه و خورشید و ستارگان را در جای خودشان نگاه داشته، باعث ایجاد تداوم و پیوستگی در عالم می گردد. مسیح این عمل را به وسیله کلام قوت خویش انجام می دهد. کلام مسیح، همان کلام خداست. در کتاب مقدس، کلمه خدا هم به صورت گفتار است و هم بصورت عمل. به عبارت دیگر، هر زمانی که خدا تکلم می کند، عملی به وقوع می پیوندد. مثلاً در ابتدای آفرینش، خدا گفت: روشنایی بشود، و روشنایی شد (پیدایش ۱:۳).

عیسی مسیح، با خون مقدس و پاک خود، طهارت گناهان را به اتمام رساند. او خود را برای گناهان ما فدا ساخت تا ما را از ناپاکی گناهانمان طاهر سازد. او به جای ما مجازات گناه را متحمل گردید (مرقس ۱۰:۴۵ و تفسیر آن را مشاهده کنید). او برای ما فدا شد تا با خون خود، بهای گناهان ما را بپردازد (رومان ۳:۲۴؛ ۱:۵، ۹ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

ولی عیسی مسیح، سه روز پس از مرگ خود، از قبر خویش قیام کرد و اینک بر دست راست خدا نشسته است (مزمور ۱۱۰:۱؛ لوقا ۲۲:۶۹؛ افسسیان ۱:۲۰-۲۱ را مشاهده کنید).

از این سه آیه اولیه رساله به عبرانیان چند نکته مهم فرا می گیریم. اول اینکه، عیسی مسیح از همه انبیای خدا بزرگتر و مهم تر می باشد.

خدای پدر، به وسیله عیسی کلام نهایی خود را به بشریت اعلام نمود. نه تنها عیسی از بقیه پیامبران بزرگتر و والاتر است، بلکه او از کاهنان یهود نیز بزرگتر است. او با ریختن خون خود بر

خداست (یوحنا ۱: ۱۴). و دوم اینکه او اولین کسی بود که از عالم مردگان قیام کرد. او نخست‌زاده و **نور خوابیدگان** است (رومیان ۸: ۲۹؛ اول قرنتیان ۱۵: ۲۰ را مشاهده کنید).

در این آیه، نویسنده از تثنیه ۳۲: ۳۳ و مزور ۷: ۹۷ نقل قول می‌کند. **جميع فرشتگان خدا او** (مسیح) را پرستش کنند. و از آنجا که فرشتگان، مسیح را پرستش می‌کنند، متوجه می‌شویم که عیسی مسیح دارای مقامی بالاتر از فرشتگان می‌باشد.

۷ در این قسمت، نویسنده از مزور ۴: ۱۰۴ نقل قول کرده، اظهار می‌دارد که فرشتگان، خدا را مانند **بادها و شعله آتش** خدمت و پرستش می‌کنند. یعنی اینکه، هرگاه خدا وظیفه خاصی به عهده آنها محول کند، آنها ظاهر می‌شوند و همانطور که باد و شعله آتش زمانی هست و پس از مدتی از دیدگان پنهان می‌گردند، فرشتگان خدا نیز پس از انجام کار خود، از انظار مخفی می‌گردند. فرشتگان، موجوداتی مستقل و خودرأی نیستند، ایشان **خادمان** خدایند.

۸-۹ ولی عیسی مسیح، نه تنها خادم خداست، وی در عین حال پسر خدا می‌باشد. عیسی مانند فرشتگان نیست که یک لحظه ظاهر شود و دقیقه بعد از انظار نماند. **تخت** (پادشاهی عیسی مسیح) **نا ابد الابد است** (آیه ۸). توجه کنید که در این آیه، مسیح با عنوان **ای خدا** خطاب شده است. او بر تخت ابدی خود خواهد نشست و **عصای ملکوت او عدالت** خواهد بود، یعنی او با عدالت بر ملکوت خود حکمرانی خواهد کرد. در میان تمامی پادشاهان حکمرانان، تنها عیسی مسیح است که با عدالت حکومت خواهد نمود. در آیات ۸-۹، نویسنده از مزور ۶: ۴۵-۷ نقل قول می‌کند.

صلیب، طهارت گناهان را به اتمام رسانید. اینک هر کس که به او ایمان آورد، در نزد خدا پاک و طاهر خواهد بود. از این گذشته، مسیح نه تنها پیامبر و کاهن بزرگ خداست، او همچنین پادشاه بزرگ جهان نیز می‌باشد. او پادشاه پادشاهان است که بر دست راست پدر نشسته است و بر عالم سلطنت می‌کند. این همان عیسی مسیحی است که نویسنده این رساله در باره‌اش به مخاطبین خود سخن می‌گوید.<sup>۲</sup>

۴ مسیح از **فرشتگان** برتر و افضل است. نام مسیح برتر از جمیع نامها قرار دارد (فیلیپیان ۲: ۹-۱۱ را مشاهده کنید).

### مسیح از فرشتگان برتر است (۱: ۵-۱۴)

۵ در آیات ۵-۱۳، نویسنده با ذکر آیات متعددی از عهدعتیق نشان می‌دهد که مقام و مرتبه عیسی مسیح به مراتب بالاتر از رتبه فرشتگان است. ذکر این نکته بی‌مناسبت نیست که در تمامی این آیات عهدعتیق، خدا شخصاً در حق مسیح موعود تکلم کرده است. به یاد داشته باشیم که تمامی عهدعتیق (و عهدجدید) کلام خداست و به الهام روح القدس نوشته شده است (آیه ۱) و خداوند به وسیله کتاب مقدس با ما سخن می‌گوید.

خدا هرگز به هیچ یک از فرشتگانش نگفته است: **تو پسر من هستی**. زیرا عیسی مسیح، تنها و یگانه پسر خداست. عیسی از ازل و همیشه پسر خدا بوده است (یوحنا ۱: ۱-۲، ۱۴ را مشاهده کنید).

در این آیه، نویسنده از مزور ۲: ۷ و دوم سموئیل ۷: ۱۴ نقل قول می‌کند. این آیات عهدعتیق، نبوتهایی راجع به عیسی مسیح می‌باشد.

۶ عیسی مسیح، **نخست‌زاده** خدا می‌باشد. عیسی مسیح از دو جهت نخست‌زاده خداست. اول اینکه او تنها و یگانه فرزند

۲- به منظور مطالعه بیشتر پیرامون این مبحث، مقاله عمومی: «عیسی مسیح» را مشاهده کنید.

عالم است. ایمانداران به مسیح، **وارث نجات** خواهند شد. ما که به مسیح ایمان آورده‌ایم، هم اکنون نجات یافته‌ایم. ولی تنها پس از آنکه مسیح مجدداً به این جهان مراجعت کرد، به طور مطلق و کامل نجات خواهیم یافت (مقاله عمومی: «طریق نجات» را مشاهده کنید).

## باب ۲

### هشدار و تشویق به توجه (۲:۱-۴)

۱ چرا مطالعه کتاب مقدس لازم است؟ چرا لازم است که به دقت بلیغ تر آنچه را شنیدیم گوش دهیم؟ دلیل این امر این است که اگر به آنچه که شنیده‌ایم توجه نکنیم، از آن ربوده خواهیم شد. اگر به کلام مسیح بی توجه بمانیم، از او دور خواهیم شد و از وی ربوده خواهیم شد. و اگر نسبت به او بی ایمان شویم و اگر از چنین نجاتی عظیم غافل باشیم، از مجازات غضب خدا رستگار نخواهیم شد (آیه ۳). به جز انجیل و به غیر از نجاتی که توسط ایمان به عیسی مسیح حاصل می‌گردد، هیچ راهی برای رستگاری از جزای عادل (آیه ۲) وجود ندارد. پس لازم است که به دقت بلیغ تر آنچه را شنیدیم گوش دهیم.

۲ منظور از آنچه را شنیدیم همان مژده نجات توسط ایمان به عیسی مسیح و انجیل اوست. زیرا هرگاه کلامی که بوساطت فرشتگان گفته شد (منظور عهدعتیق و قوانین مذهبی یهودیان است) آنقدر مهم است، پس انجیل عیسی مسیح (عهدجدید) به مراتب از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود. علت این امر چیست؟ علت این است که قوانین و نبوت‌های عهدعتیق توسط فرشتگان به انبیای عهدعتیق گفته شده است (اعمال ۷:۵۳)؛ ولی انجیل (عهدجدید) کلامی است که مستقیماً توسط مسیح و یا از طریق مسیح گفته شده است (عبرانیان ۲:۱). و همانطور که در باب اول

خدا عیسی مسیح را در مقامی برتر از رفقاییش (ایمانداران و فرزندان روحانی خدا) قرار داده است و او را به روغن شادمانی مسح نموده است (آیه ۹). مقصود از روغن شادمانی، شادمانی و سرور روح القدس است (عبرانیان ۲:۱۲). از این آیه مشخص می‌شود که خدای پدر، روح القدس را به طور بی قیاس و بی اندازه به پسر خود عیسی مسیح داده است (یوحنا ۳:۳۴؛ اعمال ۱۰:۳۸). ولی ما ایمانداران روح القدس را به قیاس و به اندازه خاصی دریافت نموده‌ایم (رومیان ۳:۱۲؛ افسسیان ۷:۴).

۱۰-۱۲ در این آیه، نویسنده با نقل قول از مزمور ۲۵:۱۰۲-۲۷ مسیح را با عنوان **ای خداوند** خطاب می‌کند. مسیح، خالق آسمان و زمین است. آسمان و زمین نابود و فانی خواهند شد، لکن عیسی مسیح باقی خواهد ماند (آیه ۱۱). او تغییر نخواهد کرد و **سالمی او تمام نخواهد شد** (آیه ۱۲).

۱۳ این آیه از مزمور ۱۱۰:۱ نقل گردیده است (اول قرنیتان ۱۵:۲۵؛ افسسیان ۱:۲۰-۲۲؛ عبرانیان ۱۲:۱۰-۱۳ را مشاهده کنید). خدا هرگز به هیچ فرشته‌ای نگفته است: **بنشین به دست راست من تا دشمنان تو را پای انداز تو سازم**. زیرا که هیچ کس به جز مسیح حق نشستن به دست راست خدا را ندارد. عیسی مسیح از تخت سلطنت ابدی خود که بر دست راست تخت خدای پدر است، با قوت و اقتدار تمام سلطنت می‌کند.

۱۴ در ملکوت خدا، عیسی مسیح، پسر خدا حاکم و سلطان است. فرشتگان **روحهای خدمتگزار** مسیح هستند. خدا فرشتگان خود را برای خدمت آنانی که وارث نجات خواهند شد ارسال می‌کند. فرشتگان در حضور خدا و گوش به فرمان و امر او هستند. ولی ایشان فرستادگان و پیغام رسانان مسیح می‌باشند (لوقا ۱:۱۹). حال آنکه عیسی مسیح، پسر خدا و خداوند

چگونه می‌توان از چنین نجات عظیمی غافل ماند؟

در زمان رسولان، همه از وجود عطایای روحانی رسولان و معجزاتی که از جانب آنها صادر می‌گشت، مطلع بودند. بسیاری از مردم، کارهای عظیم و معجزات خداوند را مشاهده کرده بودند. اینک سؤال مهمی مطرح می‌شود که آیا خدا در این روزها نیز همچنان معجزه کرده، عطایای روحانی روح القدس را به کلیسا می‌بخشد؟

جواب این سؤال مثبت است. امروز هم مانند گذشته، خدا به تقاضای فرزندان خود جواب می‌دهد و معجزات بسیاری به ظهور می‌رساند. بیماران شفا می‌یابند و معتادین از اسارت الكل و مواد مخدر آزاد می‌شوند. بسیاری زندگی جدید روحانی پیدا می‌کنند و به قوت روح القدس، دشمنی‌ها از بین رفته، محبت جایگزین کینه و عداوت می‌گردد. باشد که نسبت به نیروی عظیم خدا شک نکنیم. برعکس باشد که هر روزه در ایمان خود به خدا و نیروی روح القدس، قوی‌تر گردیم. **لازم است که به دقت بلیغ‌تر آنچه را شنیدیم گوش دهیم. مبادا که از آن ربوده شویم (آیه ۱).**

### مسیح مشابه برادران خود شد (۱۸-۵:۲)

۵ در حال حاضر، این جهان هستی «مطیع فرشتگان» می‌باشد. بعضی از این فرشتگان خوب و به نوبه خود مطیع اراده خدا هستند ولی گروه دیگری از فرشتگان بر علیه خدا تمرد ورزیده‌اند و در دام شرارت اسیر گردیده‌اند (دانیال ۱۰:۲۰-۲۱؛ ۱:۱۲؛ یوحنا ۱۱:۱۶؛ افسسیان ۱۲:۶ را مشاهده کنید). ولی خدا عالم آینده‌ای را که ذکر آن را می‌کنیم مطیع فرشتگان نساخت، چرا که آن جهان کاملاً مطیع عیسی مسیح خواهد بود. آن عالم آینده، همان ملکوت خدا می‌باشد که در آن مسیح بر دست راست

مشاهده کردیم، نویسنده رساله نشان داد که مسیح از فرشتگان برتر می‌باشد. به همین جهت است که عهد جدید نسبت به عهدعتیق برتری دارد. یهودیانی که از قوانین عهدعتیق تخلف کنند به **جزای عادل** می‌رسیدند. حال اگر انسانها به خاطر تخلف از قوانین عهدعتیق مورد تنبیه و جزا قرار می‌گرفتند، اگر چنانچه از انجیل مسیح و کلام راستین خدا سرپیچی کنند به طریق اولی مشمول مجازات جدی‌تری خواهند گردید.

۳ این **نجات عظیم** از سوی خداوند اعلام شد و **در ابتدا تکلم به آن از خداوند (مسیح) بود.** هر چند که انبیای عهدعتیق در مورد نجات و ظهور نجات دهنده نبوتهای فراوان نموده بودند، ولی عیسی مسیح خود، آن نبوتها را به اتمام رسانید و آنها را تکمیل نمود (مرفس ۱:۱۴-۱۵؛ لوقا ۴:۱۷-۲۱). عیسی مسیح نه تنها تکمیل آن نبوتها را اعلام نمود، بلکه خود آن نبوتها را در زندگی و مرگ و رستاخیز خود به انجام رسانید.

این نجاتی که توسط انبیا پیشگویی شده بود و عیسی مسیح آن را در خود تکمیل نموده بود، به وسیله شاگردان و رسولان مسیح، یعنی **کسانی که شنیدند، بر ما ثابت شد.** به عبارت دیگر، انجیل مسیح و مژده نجات، زاییده تخیلات افراد خیال‌باف نبود. نویسنده این رساله و مخاطبین او، کلام و شهادت رسولان مسیح را شنیده بودند. رسولان مسیح، شاهدان عینی چگونگی زندگی و مرگ و رستاخیز عیسی مسیح بودند.

۴ فقط این رسولان و شاهدان عینی مسیح نبودند که به مسیح شهادت می‌دادند، بلکه **خدا نیز با ایشان شهادت می‌داد.** خدا به وسیله **آیات و معجزات و انواع قوات و عطایای روح القدس** (که خدا) **بر حسب اراده خود** به رسولان مسیح بخشیده بود، مظهر تأیید خود را بر شهادت ایشان قرار داده بود (اعمال ۲:۲۲، ۴۳؛ اول قورنتیان ۷:۱۲-۱۱ را مشاهده کنید). پس اینک

پیروز شده است، اما هنوز اجازه می‌دهد که شیطان و یارانش در این عالم فعالیت کنند. زمانی که مسیح بار دیگر به این جهان آید، شیطان به طور کامل نابود خواهد شد. با وجود این می‌بینیم که در حال حاضر، علیرغم وجود شرارت و گناه در این جهان، مسیح بر این عالم سلطنت می‌کند. **زیرا مادامی که همه دشمنان را زیر پایهای خود نهد، می‌باید او سلطنت بنماید** (اول قرنثیان ۱۵:۲۵). تنها زمانی که تمامی دشمنان مسیح زیر پایهای او قرار گرفتند است که عیسی مسیح **ملکوت را به خدا و پدر خواهد سپرد** (اول قرنثیان ۱۵:۲۴).

**۹** در اینجا نویسنده مطلبی دیگر اضافه کرده، می‌گوید **اما او را که اندکی از فرشتگان کمتر شد می‌بینیم، یعنی عیسی را که به زحمت موت تاج جلال و اکرام بر سر وی نهاده شد تا به فیض خدا برای همه ذائقه موت را بچشد**. خدای پدر، تاج جلال را به پسر محبوب خود عیسی مسیح بخشید (فیلیپان ۲:۸-۹ و تفسیر آن را مشاهده کنید). عیسی آمد تا برای همه **ذائقه موت را بچشد**. او آمد تا با خون خود بهای گناهان انسانها را پرداخت کند. عیسی به جای ما مُرد. او به عوض ما ذائقه موت را چشید. پس به خاطر اینکه عیسی مطیع اراده پدر آسمانی خود بود و تا به مرگ بر صلیب فروتن شد و جان خود را بر صلیب فدا نمود، خدا نیز او را از مردگان برخیزانید و تاج جلال و اکرام را به او بخشید.

**۱۰** عیسی مسیح نه تنها ما را نجات داد، بلکه او **رئیس نجات** ما نیز می‌باشد. او با زحمات و مرگ خود، نجات را برای ما به ارمغان آورد و به خاطر مرگ و رستاخیز خود، **فرزندان بسیار را وارد جلال** یعنی نجات و مشارکت با خدا گرداند. عیسی پیشوا و رئیس ما در طریق نجات است. او راه نجات را به ما نمایان ساخت. از آنجا که او برای ما خود را فدا کرد، ما اینک به وسیله ایمان به او نجات خواهیم یافت و صاحب جلال خواهیم شد.

خدای پدر خواهد نشست و در آن ملکوت تا به ابد سلطنت خواهد نمود. به یک معنا، ملکوت خدا از زمان تولد عیسی مسیح شروع گردید (متی ۱۲:۲۸؛ لوقا ۱۷:۲۰-۲۱). ولی پس از آنکه مسیح مجدداً به جهان باز آید، این عالم به طور کامل تحت سلطه او قرار خواهد گرفت.

**۱-۶** هرچند که عیسی مسیح، پسر خدا و برتر از جمیع فرشتگان است، ولی خدا **او را از فرشتگان اندکی پست تر قرار داد** (آیه ۷). زمانی که عیسی مسیح برای اولین بار به جهان خاکی پا نهاد، مانند یک انسان عادی (که از فرشتگان پست تر می‌باشد) به میان ما آمد. ولی پس از آن خدا، با برخیزاندن او از مردگان **تاج جلال و اکرام را بر سر او نهاد**. و همچنین خدا **او را بر همه اعمال دستهای خود گماشت و همه چیز را زیر پایهای او نهاد** (افسیسیان ۱:۲۰-۲۲؛ عبرانیان ۱:۱۳ را مشاهده کنید).

در این قسمت، نویسنده رساله از مزموور ۴:۶-۸ نقل قول می‌کند. مخاطب اولیه این مزموور انسانهای عادی می‌باشند، ولی نویسنده رساله به این مزموور معنایی تازه بخشیده، اشاره می‌کند که مخاطب این مزموور یک انسان عادی نیست بلکه در واقع مزموور ۸ به انسانی کامل یعنی عیسی مسیح اشاره می‌نماید. از سوی دیگر، اینک تمامی کسانی که به عیسی مسیح ایمان آورده‌اند در ردیف مخاطبین این مزموور قرار دارند. زیرا که خدا **جلال و اکرام** را به خاطر ایمان به عیسی مسیح به ما بخشیده است.

در آیه ۸ حقیقتی مهم وجود دارد و آن این است که مسیح هم‌اکنون صاحب تمامی قوت و قدرت در جهان می‌باشد. عیسی مسیح، هم‌اکنون بر دست راست خدای پدر نشسته است. اینک همه چیز تحت تسلط و قدرت او قرار دارد. ولی در عین حال می‌بینیم که شیطان و نیروهای روحانی شریر در جهان وجود دارند. هنوز گناه در زندگی ما و در اطراف ما وجود دارد. علت این است که هرچند مسیح بر شیطان



**نمود.** عیسی مسیح تا لحظه آخر، حتی زمانی که بر روی صلیب جان می سپرد، به خدای پدر، امید و توکل داشت. او می دانست که خدا او را از مردگان قیام خواهد داد. اینک عیسی زنده و قیام کرده در حق ما می فرماید: **اینک من و فرزندان** که **خدا به من عطا فرمود** یعنی ایمانداران را مشاهده کنید. ما ایمانداران فرزندان عیسی هستیم و او ما را برای شراکت در جلال خود آماده می کند (آیه ۱۰).

**۱۴-۱۵ فرزندان خدا، یعنی آنانی که به عیسی مسیح ایمان آورده اند، در خون و جسم** هستند. به عبارت دیگر، ما انسانها از خون و جسم ساخته شده ایم به همین دلیل بود که مسیح به خاطر اینکه ما را نجات دهد، مجبور شد که در خون و جسم ما شراکت حاصل نماید. او برای نجات دادن ما، انسان شد و خون و جسم پوشید. او انسان شد و برای گناهان ما انسانها مصلوب گردید **تا بوساطت موت، صاحب قدرت موت یعنی ابلیس را تباہ سازد** (دوم تیموتائوس ۱:۱۰؛ مکاشفه ۱۸:۱ را مشاهده کنید). از آنجا که روز اول این شیطان بود که انسانها را به گناه و تباهی کشانید؛ او **صاحب قدرت موت** می باشد، زیرا که **مزدگناه موت است** (رومیان ۶:۲۳).

پس زمانی که عیسی مسیح به میان ما آمد و مُرد و از میان مُردگان قیام نمود، ما نیز مطمئن خواهیم شد که به وسیله ایمان به عیسی مسیح، می توانیم در رستخیز او شراکت بیابیم (دوم قرنتیان ۴:۴). مرگ و ترس از مرگ دیگر هیچ قدرتی ندارد (اول قرنتیان ۱۵:۵۵، ۵۷). اینک عیسی مسیح آنانی را که **از ترس موت، تمام عمر خود گرفتار بندگی می بودند، آزاد گرداند** (آیه ۱۵).

چرا ما دیگر از مرگ ترسی به دل راه نمی دهیم؟ زیرا برای ایمانداران به عیسی مسیح، مرگ دری است که به آزادی و جلال و حیات جاودانی گشوده می شود. حال آنکه، برای

ولی باید توجه داشته باشیم که همانطور که عیسی مسیح به وسیله رنج و زحمت نجات را برای ما خرید، ما نیز باید آماده باشیم که در راه او رنج دیده زحمت بکشیم.

چرا خدا اراده کرد که عیسی را **به دردها کامل** گرداند، مگر عیسی کامل نبود؟ در اینجا معنی کامل ساختن، این است که خدا به وسیله صلیب و از طریق درد و رنج، به عیسی شایستگی نجات دادن ما انسانها را بخشید. عیسی بدون رنج کشی و بدون تحمل دردها و بدون آنکه مطیع اراده خدا باشد، نمی توانست ما انسانها را نجات بخشد.

**۱۱ عیسی مسیح مقدس کننده ما انسانها** است. او ما را به وسیله خون پاک خود ظاهر و مقدس می سازد (عبرانیان ۱۰:۱۰). به وسیله ایمان به او فرزند خدا خواهیم شد (یوحنا ۱:۱۲). زمانی که ما فرزندان خدا شدیم، طبعاً برادران و خواهران عیسی مسیح و اعضای یک خانواده روحانی خواهیم بود. از این سبب است که او **عار ندارد که ایشان (ما) را برادر بخواند** (رومیان ۸:۲۹ را مشاهده کنید).

اگر ما از نام مسیح و نجات او عار نداشته باشیم، او نیز از ما عار نخواهد داشت. ولی اگر در مقابل دیگران از ایمان مسیحی خود خجل باشیم، او نیز ما را انکار خواهد نمود (متی ۱۰:۳۲-۳۳؛ مرقس ۸:۳۸ را مشاهده کنید).

**۱۲** این آیه، نقل قول مستقیم از مزمو ۲۲:۲۲ است. در اینجا عیسی از طریق این مزمو با ما سخن می گوید او ما را خطاب کرده می فرماید: **اسم تو (خدای پدر) را به برادران خود اعلام می کنم.** پس می بینیم که عیسی مسیح ما ایمانداران را برادران و خواهران خود می نامد.

**۱۳** در این آیه، نویسنده رساله از اشعیای نبی ۸:۱۷-۱۸ نقل قول می کند. عیسی مسیح از زبان نبی خویش اشعیاء با ما سخن گفته می فرماید: **من بروی (خدای پدر) توکل خواهم**

رئیس کهنه‌ای کامل و پاک و بی‌گناه بود. به همین دلیل بود که می‌توانست بدون هیچ مانعی به نزد خدا رفته، به خاطر ما شفاعت کند. او انسانی کامل و کاهنی **کریم** و رحیم بود، او **همدرد ضعفهای ما** شده بود (عبرانیان ۴:۱۵).

عیسی بره یا قوچ و بزی قربانی نکرد، بلکه قربانی او به جهت گناهان ما، جان خودش بود. او با خون خود یک قربانی کامل و پاک و بی‌ملامت را به پدر تقدیم نمود. و از آنجا که قربانی او بهترین و کامل‌ترین قربانی بود، خدای پدر آن را به طور کامل قبول نمود و بدین ترتیب بود که او توانست که با خون خود یک قربانی کامل و کفاره گناهان ما شود (رومیان ۳:۲۴-۲۵ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

**۱۸-۱۹** کسانی که خودرنج دیده باشند، قدرت تسلی دادن و کمک کردن و ابراز همدردی با افراد رنج‌دیده را دارا می‌باشند. پس اگر امروز رنج می‌بریم و در سختی و زحمت قرار داریم، به یاد داشته باشیم که عیسی مسیح شریک دردهای ماست. او امروز با ماست و ما را در زحمات و رنجهای ما یاری خواهد داد. او به ما کمک می‌کند که سختیها را تحمل کنیم و استقامت به خرج دهیم. او ما را یاری خواهد کرد و به ما آرامش و سلامتی روحانی و خوشی درونی عطا خواهد نمود (دوم قرنتیان ۱:۳-۵ را مشاهده کنید).

پس متوجه می‌شویم که عیسی مسیح از هر نظر نجات دهنده و رئیس کهنه کامل می‌باشد. او میان ما و خدا صلح و سلامتی برقرار کرد (رومیان ۵:۱) و گناهان ما را با خون خود کفاره نمود. به خاطر این کار عظیم اوست که ما با خدا آشتی داده شده‌ایم و در نظر او عادل کرده

کسانی که به مسیح ایمان ندارند، موت دروازه‌ای است به سوی نیستی و عذاب جاودانی در جهنم.

**۱۶** عیسی برای نجات فرشتگان به این عالم پا نگذاشت. بلکه او به این جهان آمد تا ما انسانها را نجات بخشد. اینک این سؤال مطرح می‌شود که این نجات شامل حال چه کسانی خواهد شد؟ عیسی مسیح به جهت نجات **نسل ابراهیم**<sup>۳</sup> به این جهان آمد. در اینجا، منظور نویسنده از نسل ابراهیم، فرزندان جسمانی او (قوم یهود) نیست، بلکه مقصود او از نسل ابراهیم کسانی است که مانند ابراهیم ایمان آورده باشند. زیرا هر که به عیسی مسیح ایمان آورد، فرزند روحانی ابراهیم محسوب خواهد گردید (غلاطیان ۳:۷، ۹، ۲۹ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

**۱۷** عیسی مسیح به منظور آنکه **کفاره** گناهان ما بشود، انسان شد. او **مشابه برادران خود** شد تا ایشان را نجات دهد. تنها فرق عیسی با ما این است که هرگز گناه نکرد (عبرانیان ۴:۱۵).

به جهت درک این آیه، ابتدا باید معنی کهنات و **رئیس کهنه** را در عهدعتیق جستجو کنیم. هر سال در روز مشخصی، کاهن اعظم برای رفع گناهان قوم بنی‌اسرائیل، حیوانی قربانی می‌کرد. هر سال رئیس کاهنان به عنوان نماینده قوم، پس از ذبح کردن حیوان قربانی، به حضور خدا وارد می‌شد و برای قوم بنی‌اسرائیل از خدا طلب آمرزش می‌نمود. نکته این آیه این است که همانگونه که رئیس کاهنان لازم بود فردی از افراد قوم باشد تا بتواند به عنوان نماینده آنها به حضور خدا وارد شود، به همین ترتیب هم عیسی مسیح لازم بود ابتدا انسان می‌شد تا بتواند **کفاره گناهان قوم را بکند**. زیرا فقط یک نفر انسان می‌تواند نماینده انسان دیگر باشد.

عیسی **رئیس کهنه‌ای کریم و امین** بود. او

۳- ابراهیم اولین فرد یهودی بود و از این سبب پدر قوم یهود محسوب می‌گردد. عیسی، نیز از نظر جسمانی، یک یهودی و از فرزندان ابراهیم بود (متی ۱:۱).

است، در عهدعتیق نیز وظیفه میانجیگری میان یهودیان و خدا، به موسی سپرده شده بود. چرا نویسنده رساله، موسی و عیسی را با یکدیگر مقایسه می‌کند؟ دلیل این است که عبرانیان (و مخاطبین این رساله) در شرف بازگشت از ایمان به مسیح بودند و می‌خواستند بار دیگر شریعت قدیم موسی را پیروی کنند. به همین جهت است که نویسنده رساله سعی می‌کند به ایشان یادآوری کند که عیسی مسیح به مراتب بزرگتر از موسی می‌باشد. به عبارت دیگر، به عبرانیان نشان می‌دهد که ترک کردن عیسی و پیروی مجدد از موسی عملی اشتباه و غیرمنطقی خواهد بود.

**۴-۳** موسی مانند خادمی در خانه خدا (قوم بنی اسرائیل) بود. اما از آنجا که عیسی، خداوند و خالق و بنا کننده آن خانه است، پس او نسبت به موسی، دارای ارج و ارزش بیشتری می‌باشد. صاحب و سازنده خانه به مراتب بزرگتر و با اهمیت‌تر از خادم خانه می‌باشد. عیسی مسیح **بانی ۴۵۵** (منجمله موسی) است (آیه ۴).

**۵-۶** همانطور که **موسی مثل خادم در تمام خانه او (خدا) امین بود**؛ به همین ترتیب مسیح **مثل پسر بر خانه خدا امین و وفادار بود**. به بیان دیگر، موسی از امانت و وفاداری خود به پسر یگانه خدا، شهادت می‌داد. موسی **به چیزهایی که می‌بایست بعد گفته شود شهادت داد. و خانه او ما هستیم** (آیه ۶). ما ایمانداران به عیسی مسیح، اهل خانه خدا هستیم (اول قرنتیان ۹:۳؛ افسسیان ۱۹:۲، ۲۲؛ اول پطرس ۵:۲ را مشاهده کنید).

**خانه او ما هستیم بشرطی که تا به انتها به دلیری و فخر امید خود متمسک باشیم.** در اینجا و در قسمتهای دیگر عهدجدید (آیه ۱۴ را مشاهده کنید)، متوجه می‌شویم که شرط باقی ماندن در خانه و خانواده مسیح، وفاداری و مقاومت تا به انتها می‌باشد (مقاله عمومی: «آیا ممکن است

شده‌ایم (رومان ۲۴:۳). ولی کار عظیم مسیح به اینها منحصر نمی‌شود! از آنجا که عیسی مسیح وسوسه شد و زحمت کشید و بی‌گناه ماند، اینک او قدرت دارد که ما را در وسوسه‌ها و سختی‌هایمان یاری دهد. پس بیایید این منجی عظیم و محبوب و رحیم و کریم خود را با تمام دل و جان و قدرت خود حمد و سپاس گفته او را محبت و ستایش کنیم!

## باب ۳

### عیسی از موسی والاتر است (۳:۱-۶)

**۱** با توجه با آنچه گفته شد، اینک نویسنده رساله نظر ما را به عیسی جلب می‌کند: **بنابراین، ... در رسول و رئیس کهنه اعتراف ما یعنی عیسی تأمل کنید.** بیایید هر روزه در باره عیسی مسیح تفکر و تأمل کنیم (عبرانیان ۱۲:۲-۳). در اینجا عیسی مسیح با دو عنوان **رسول و رئیس کهنه**، نامیده شده است. عیسی از سوی خدا فرستاده شد. او به عنوان رسول، نماینده خداست. همچنین عیسی به عنوان رئیس کهنه، نماینده ما انسانها در پیشگاه خداست. عیسی به عنوان رسول، فرستاده شد تا اراده خدا را به ما نشان دهد و به عنوان رئیس کهنه از ما در نزد خدا شفاعت نماید.

**۲** خدای پدر به عیسی مأموریت داد که رسول و رئیس کهنه باشد. عیسی مسیح **نزد او (خدا) که وی را معین فرمود امین بود.** در اینجا نویسنده رساله، عیسی را با موسی مقایسه کرده، می‌گوید عیسی مانند موسی در کار خدمت و اطاعت از خدا امین بود (اعداد ۷:۱۲). موسی رهبر بزرگ یهودیان بود که ایشان را از اسارت مصر آزاد ساخت و به سرزمین اسرائیل رهبری نمود. موسی قوانین عهدعتیق را از خدا دریافت کرد و شریعت خدا را به قوم بنی اسرائیل منتقل نمود. همانگونه که در عهدجدید، عیسی میانجی میان خدا و انسان

نجات خود را از دست بدهیم؟» را مشاهده کنید). اگر کسی ایمان خود را رها کند، همه چیز و همه هستی خود را از کف خواهد داد (مرقس ۴: ۵-۶، ۱۶-۱۷ را مشاهده کنید).

### هشدار علیه بی‌ایمانی (۳: ۷-۱۹)

۷-۱۱ این آیات، نقل قول مستقیم از مزمور ۷: ۹۵-۱۱ می‌باشد. **پس چنانکه روح القدس می‌گوید**. کلمات مزامیر و کلیه کتب عهدعتیق و عهدجدید، همگی کلام خدا و گفتار روح القدس می‌باشند.

موسی قوم بنی‌اسرائیل را از اسارت مصریان آزاد نمود و آنها را از طریق بیابان سینا که در میان اسرائیل و مصر واقع شده است، به سرحد ارض موعود (اسرائیل) راهنمایی کرد. سالها پیش، خدا به ابراهیم (پدر قوم بنی‌اسرائیل) سرزمین اسرائیل را وعده داده بود. قوم بنی‌اسرائیل پس از خروج از مصر، بر علیه خدا و موسی زبان به شکایت گشودند. آنها از کار خدا اظهار نارضایتی نمودند و با شکایت کردن و بهانه آوردن خود، خدا را **امتحان و آزمایش کردند** (آیه ۹). آنها صبر خدا را آزمایش می‌کردند تا ببینند تا چه اندازه صبر می‌کند (خروج ۱۷: ۱-۷، ۴). بالاخره صبر و تحمل خدا به سر رسید **از این جهت** (خدا) **به آن گروه خشم** گرفت (آیه ۱۰). در نتیجه این عمل ایشان، خدا قوم بنی‌اسرائیل را به مدت چهل سال در بیابان سینا سرگردان نمود. در آن موقع بود که خدا در خشم خود قسم خورد که ایشان **به آرامی من** (خدا) **داخل نخواهند شد** (آیه ۱۱)؛ یعنی ایشان هرگز ارض موعود را نخواهند دید (اعداد ۱۴: ۲۱-۲۳). پس از چهل سال، زمانی که تمامی شکایت کنندگان در بیابان جان سپردند، خدا به قوم خود اجازه داد که به سرزمین اسرائیل وارد شوند.

۱۲ نویسنده این رساله می‌داند که مخاطبانش در شرف افتادن به دام وسوسه و

سقوط هستند. از این جهت است که او به ایشان هشدار می‌دهد که مبادا همچون پدران خود خدا را امتحان کرده باعث خشم خدا شوند. به همین دلیل است که او در این رساله، به عبرانیان (یهودیان) گوشزد کرده می‌گوید: **ای برادران با حذر باشید مبادا در یکی از شما دل شریب و بی‌ایمان باشد**. نباشد که یکی از ما ایمانداران، از ایمان و اعتماد به خدا دست برداریم (اول قرنیتان ۱۰: ۱-۵ را مشاهده کنید).

آن دسته از یهودیانی که نسبت به وفاداری خدا شک کرده بودند و زبان به شکایت گشوده بودند، وارد سرزمین اسرائیل، زمینی که خدا به ابراهیم وعده داده بود، نشده بودند. آنها به دلیل بی‌ایمانی‌شان نتوانستند آرامی خدا را تجربه کنند. اگر ما نیز از ایمان خود دست برداریم و بر علیه مسیح مرتد شویم، ما نیز ممکن است از **آرامی خدا** (بهشت) محروم گردیم.

۱۳ پس لازم است که **هر روزه همدیگر را نصیحت کنیم** و در ایمان به مسیح پایداری نماییم. زمانی که به تنهایی از مسیح پیروی کنیم، خطر لغزش و افتادن در گودال یأس و نومیدی وجود دارد. ولی اگر با ایمانداران دیگر متحد شویم و به طور مرتب و هر روزه همدیگر را تشویق و نصیحت کنیم، از سخت‌ترین آزمایشها سر بلند و پیروز بیرون خواهیم آمد (عبرانیان ۱۰: ۲۵).

پس **هر روزه همدیگر را نصیحت کنید مادامی که «امروز» خوانده می‌شود**. امروز روح القدس با ما سخن می‌گوید. پس باشد که **امروز** تا فرصت باقی است، به صدای خدا گوش فرا دهیم. به یاد داشته باشیم که شیطان همواره می‌کوشد که ما را به وسوسه کشانده، منحرف کند. شیطان کوشش می‌کند ما را **به فریب گناه سخت دل** گرداند. **امروز** زمان مبارزه میان جسم و روح است (غلاطیان ۵: ۱۷). امروز زمان خوابیدن و استراحت نیست، بلکه زمان مبارزه و جنگ است. اگر در این مبارزه استقامت نشان دهیم، به

آرامی خدا وارد خواهیم شد.

**فریب گناه** چیست؟ فریب گناه، همان نقابی است که گناه در پس آن مخفی می‌شود. وقتی شیطان ما را وسوسه می‌کند، می‌گوید: «این عمل، گناه نیست!» کار شیطان فریب دادن است. و زمانی که فریب گناه را خوردیم، در گناه غرق شده، بیشتر و بیشتر گناه خواهیم کرد. و هر چه بیشتر گناه کنیم، نسبت به صدای روح القدس سخت‌دل‌تر خواهیم گردید. پس بیایید هر روزه همدیگر را نصیحت کنیم، مبدا احدی از ما فریب گناه را خورده نسبت به گناه و صدای روح القدس سخت‌دل گردد (دوم تیموتائوس ۲:۴ را مشاهده کنید).

**۱۴** در اینجا بار دیگر نویسنده رساله ما را به استقامت تشویق می‌کند. او از ما می‌خواهد به خدا **اعتماد** کنیم. او از ما ایمانداران می‌خواهد تا **به آنها صبر** کنیم (مرقس ۱۳:۱۳ و تفسیر آن را مشاهده کنید). اگر در ایمان خود پایدار باقی بمانیم و از خدا مرتد نشویم **در مسیح شریک** خواهیم گشت. اگر استقامت کنیم، در جلال مسیح و در ملکوت او شریک خواهیم شد (رومیان ۸:۱۷).

**۱۵-۱۶** نویسنده رساله بار دیگر از مزمور ۷:۹۵-۸ نقل قول کرده، می‌گوید که پدران قوم بنی‌اسرائیل **دل خود را سخت** ساختند. و هر چند کارهای بزرگ خدا و معجزات او را دیدند، ولی با بی‌ایمانی خود **خشم او** (خدا) را **جنش دادند** (آیه ۱۶). خدا، قوم بنی‌اسرائیل را **بواسطه موسی از مصر بیرون آورد** ولی با این وجود، یهودیان نسبت به خدا **تمرد ورزیده** او را به **خشم آوردند** (اعداد ۲۷:۱۴-۳۰).

**۱۷** بی‌ایمانی و **تمرد و عدم اطاعت** قوم یهود باعث شد که خدا نسبت به ایشان **خشم** گرفته، آنها را **مورد مجازات** قرار دهد. در نتیجه، تمام کسانی که بر علیه خدا شورش کرده بودند، در بیابان **مُردند**.

**۱۸-۱۹** یهودیان **به سبب بی‌ایمانی** خود نتوانستند به آرامی خدا و به سرزمینی که خدا به ابراهیم وعده داده بود وارد شوند (عبرانیان ۶:۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید). از این آیه درمی‌یابیم که بی‌ایمانی، ریشه گناه بشر است.<sup>۴</sup> دلیل این امر این است که به واسطه بی‌ایمانی، رابطه ما با خدا دچار خدشه خواهد شد و بدون داشتن رابطه با خدا، قدرت مبارزه با گناه و پاک زیستن را نخواهیم داشت.

باشد که به هشدار این آیات توجه کنیم. ما نیز شاهد قدرت خدا بوده‌ایم و ممکن است که ما نیز مانند یهودیان، قدرت خدا را نادیده گرفته، نسبت به او دست به عصیان بزنیم و یا مرتد شویم. ما قدرت و جلال عیسی مسیح را مشاهده و تجربه کرده‌ایم، باشد که همیشه از او پیروی کنیم. شاید امروز، در معرض وسوسه و گناه قرار داشته باشیم، بیایید که با ایمان به مسیح و به کمک روح القدس در پیروی کردن از خدا و در ایمان خود پایدار بمانیم. **ای برادران، با حذر باشید مبدا در یکی از شما دل شریک و بی‌ایمان باشد که از خدای حی مرتد شوید** (آیه ۱۲).

### باب ۴ آرامی ما (۴:۱-۱۱)

**۱-۲** خدا پسر یگانه خود عیسی مسیح را به این جهان فرستاد تا ما را به **آرامی الهی** داخل کند. زیرا برای تمامی کسانی که به عیسی مسیح ایمان آورده باشند **وعده دخول در آرامی وی باقی می‌باشد**. ولی با این همه، امکان دارد که به خاطر بی‌ایمانی، از وعده آرامی خدا، **قاصر** شویم. یعنی امکان دارد که به وعده خدا اعتماد و ایمان نداشته باشیم و به همین دلیل آرامی خدا را دریافت نکنیم. زیرا شنیدن **بشارت** به

۴- جهت مطالعه بیشتر در این مورد رومیان ۱۰:۳-۱۲ و تفسیر آن را مشاهده کنید.

خودی خود باعث نجات ما نخواهد شد، بلکه

باید به انجیل و بشارت کلام ایمان آورده در آن بمانیم (آیه ۲). قوم بنی اسرائیل پیام و وعده خدا (بشارت) را شنیده بودند، **لکن کلامی که شنیدند بدیشان نفع نبخشید، از ایسر و که با شنوندگان به ایمان متحد نشدند.**

از این جهت است که نویسنده رساله به عبرانیان می‌گوید: **پس بترسیم مبدا با آنکه وعده دخول در آرامی وی باقی می‌باشد، ظاهر شود که احدی از شما قاصر شده باشد.** مواظب باشیم مبدا با وجود داشتن وعده نجات، به خاطر بی‌ایمانی خود از نجات و دخول در آرامی خدا محروم بمانیم. بعضی از مسیحیان معتقدند که هرگز نجات خود را از کف نخواهند داد. ولی نویسنده رساله به عبرانیان هشدار می‌دهد که ما باید مواظب باشیم و **بترسیم.** لازم به یادآوری است که مسیح ما را ترک نخواهد کرد. ما باید از بی‌ایمانی خود هراس داشته باشیم و از خدا بخواهیم که ایمان ما را زیاد کند (اول قرن‌تین ۱۲:۱۰ را مشاهده کنید).

**۳** آنانی که تا به آخر در ایمان خود پایداری نمایند، به آرامی خدا داخل خواهند شد. باید دانست که خدا صاحب آرامی می‌باشد و ما توسط ایمان به آرامی خدا داخل خواهیم شد. به منظور روشن تر شدن مطلب، نویسنده رساله یکبار دیگر از مزمو ۱۱:۹۵ نقل قول می‌کند (عبرانیان ۱۱:۳). در اینجا این سؤال مطرح می‌گردد که آرامی خدا چیست؟ زیرا **اعمال او از آفرینش عالم به اتمام رسیده بود** و به یک معنی، خدا از ابتدای خلقت در آرامی و استراحت بوده است.

**۴-۵** خدا جهان را در شش روز خلق نمود و در روز هفتم از کار آفرینش، آرامی گرفت (پیدایش ۲:۲). آرامی او تا به امروز باقی است و اینک ما ایمانداران به داخل شدن در آرامی الهی دعوت شده‌ایم. ولی اگر مواظب نباشیم، به وسیله بی‌ایمانی خود ممکن است اجازه ورود

به آرامی الهی را از دست بدهیم. **۶** اینک امروز هنوز فرصت باقی است که بعضی داخل آرامی خدا شوند. ایمانداران واقعی هنوز اجازه داخل شدن به آرامی خدا را دارا می‌باشند. و آن کسانی که به عیسی مسیح ایمان نداشته باشند و یا بر علیه خدا تمرد ورزیده باشند از ورود به آرامی خدا محروم خواهند شد.

نویسنده رساله در اینجا می‌گوید که قوم بنی اسرائیل به سبب نافرمانی داخل نشدند. ولی در عبرانیان ۱۹:۳، نویسنده اظهار داشت که بنی اسرائیل به سبب بی‌ایمانی نتوانستند داخل شوند. باید به یاد داشته باشیم که بی‌ایمانی، خود نوعی نافرمانی و تمرد است (رومیان ۲۳:۱۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید). پس نتیجه می‌گیریم که این دو آیه، در حقیقت بیانگر یک حقیقت می‌باشند.

حقیقت امر این است که بی‌ایمانی و نافرمانی در واقع یک چیز می‌باشند. زیرا که بی‌ایمانی، در واقع تمرد به ضد فرمان الهی است که می‌گوید: «به من ایمان بیاورید!» از این گذشته، بی‌ایمانی نه تنها به خودی خود نافرمانی است بلکه ما را به انواع گناهان و نافرمانیهای دیگر سوق می‌دهد. به دلیل بی‌ایمانی، انسان قدرت مبارزه و پیروزی بر گناه را از دست می‌دهد. به دلیل بی‌ایمانی، انسان از خدا دور می‌گردد. پس می‌بینیم که چگونه به دلیل بی‌ایمانی و نافرمانی، امتیاز ورود به آرامی خدا از ما سلب می‌گردد (عبرانیان ۱۹:۳ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

**۷** ولی خدا به ما انسانها می‌گوید: «هنوز برای توبه کردن دیر نشده، هنوز می‌توانید به آرامی من داخل شوید. امروز خدا به کسانی که صدای او را بشنوند اجازه وارد شدن به آرامی خود را می‌دهد. **اینک الحال زمان مقبول است؛ اینک الان روز نجات است** (دوم قرن‌تین ۲:۶). بیاید تا زمان باقی است، از فرصت استفاده

۱۱ کرده، وارد آرامی خداگردیم و نجات پیدا کنیم. بیابید دل‌های خود را سخت نسازیم (مزمور ۷:۹۵-۸؛ عبرانیان ۱۳:۳، ۱۵).

### عیسی رئیس کهنه عظیم (۱۲:۴-۱۶)

۱۲ پیشتر از این، نویسنده رساله در باره شنیدن کلام خدا تذکر داده بود (آیه ۷). ولی شنیدن کلام به خودی خود کافی نیست، ما باید آن را اطاعت کنیم (متی ۲۴:۷-۲۷ را مشاهده کنید). زیرا کلام خدا زنده و مقتدر است. خداوند به زبان اشعیای نبی در باره کلام خود اینگونه فرموده است: **کلام من که از دهانم صادر گردد، نزد من بی ثمر نخواهد برگشت** (اشعیاء ۵۵:۱۱). کلام خدا مانند شمشیر دو دم و فرورونده است. کلام خدا برای ایماندار باعث نجات خواهد شد (رومیان ۱:۱۶)؛ و برای بی‌ایمان حکم و داوری به همراه خواهد داشت (یوحنا ۳:۱۸). کلام خدا مثل شمشیری تیز و بُرنده است که تا اعماق قلب و وجدان ما نفوذ می‌کند.<sup>۸</sup> کلام خدا نیت‌های

۸ خدا اسرائیل را به خاطر نافرمانی ایشان، به مدت چهل سال در بیابان سرگردان ساخت تا تمامی کسانی که در نافرمانی و تمرد اولیه شرکت داشتند، در بیابان بمیرند. پس از آن، خدا شخصی به نام **یوشع** را مأمور کرد تا قوم بنی‌اسرائیل را به سرزمینی که به ابراهیم وعده کرده بود راهنمایی کند (یوشع ۱:۱-۲). به یک معنی، یوشع قوم بنی‌اسرائیل را به آرامی خدا هدایت کرد. و به همانگونه که یوشع قوم خدا را به آرامی خدا هدایت نمود، به همان ترتیب نیز، عیسی مسیح، ما ایمانداران را به آرامی خدا هدایت کرده است.<sup>۵</sup> ولی باید به خاطر داشت که یوشع قوم بنی‌اسرائیل را به آرامی زمینی و فانی، هدایت کرد ولی عیسی مسیح، امروز ما را به آرامی آسمانی، جاودانی و ابدی دعوت می‌کند. از این جهت است که سالها پس از یوشع، داود پادشاه در باره آرامی خدا به عنوان واقعه‌ای در آینده نوشت. داود می‌دانست که آرامی یوشع موقتی و مربوط به گذشته بوده است و به همین دلیل او آرامی آسمانی و باقی و ازلی را انتظار می‌کشید. به این جهت است که نویسنده عبرانیان می‌گوید: **زیرا اگر یوشع ایشان را آرامی داده بود، بعد از آن (آرامی) دیگر را ذکر نمی‌کردند.**

۵-در زبان عبری، دو کلمه عیسی و یوشع، یکی هستند.

۶-طبق فرمان چهارم از ده فرمان موسی، یهودیان موظف هستند که در روز سبت استراحت کرده، آن روز را به پرستش خدا اختصاص دهند (خروج ۲۰:۸-۱۱).

۷-از یک نظر، خدا از کار خلقت دست کشیده، به استراحت و آرامی پرداخته بود. ولی از سوی دیگر لازم به یادآوری است که او هرگز بیکار نمی‌نشیند. او دائماً مایحتاج ما را برآورده می‌سازد و برای ما فرصت‌های بشمار فراهم می‌کند. او از ما و جهان خلقت نگاهداری می‌کند. بدون "کار" خدا، جهان نیست و نابود خواهد شد (یوحنا ۱۷:۵ را مشاهده کنید).

۸-نویسنده این رساله با اشاره به تیز و برنده بودن کلام خدا، اضافه می‌کند که تیزی و برندگی کلام خدا به این منظور است که «تا جدا کند نفس و روح و مفصل و مغز را و ممیز افکار و نیت‌های قلب است».

۹-۱۰ **پس برای قوم خدا آرامی سبت باقی می‌ماند** ما به وسیله ایمان به عیسی مسیح، قوم خدا گردیده‌ایم. در اینجا از آرامی خدا با عنوان **آرامی سبت** یاد شده است. زیرا که خدا جهان هستی را در شش روز خلق نمود و در روز هفتم از کار خلقت دست کشیده، استراحت نمود.<sup>۶</sup> به همانگونه که خدا را کار خلقت دست کشید و استراحت کرد، ما نیز باید یک روز در هفته از کار و مشغولیات خود دست کشیده به استراحت بپردازیم.<sup>۷</sup>

می‌باشیم. ولی چون عیسی مسیح، انسان شده بود، او همه دردها و رنجها و وسوسه‌ها و تجربیات ما را درک می‌کند. **زیرا رئیس کهنه‌ای نداریم که نتواند همدرد ضعفهای ما بشود.** از آنجا که عیسی مسیح **خود عذاب کشیده، تجربه دید استطاعت دارد که تجربه شدگان را اعانت فرماید** (عبرانیان ۲:۱۸). به همین دلیل است که ما می‌توانیم مانند یک دوست با او گفتگو و درد دل کنیم. او تمامی دردها و ضعفهای ما را درک می‌کند.

نجات دهنده ما عیسی مسیح، در هر چیز آزموده شد. **او در هر امری مشابه برادران خود** شد (عبرانیان ۲:۱۷). ولی از تمام آزمایشها، بدون گناه و سربلند و پیروز بیرون آمد. و از آنجا که از تمامی آزمایشها پیروز و بی‌گناه بیرون آمد، قادر می‌باشد که مانند رئیس کهنه عظیم، موجبات نجات ما را فراهم آورده، برای ما نزد خدا شفاعت کند (عبرانیان ۵:۸-۹).

**۱۶** حال که از داشتن این چنین رئیس کهنه کریم و عظیمی بهره‌مند می‌باشیم، اینک قادر

یعنی اینکه کلام خدا تا اعماق جان و قلب و وجدان ما نفوذ کرده، تمامی نیتهای خوب و بد ما را بر ما آشکار می‌سازد و به ما نشان می‌دهد که آیا افکار و نیتهایمان روحانی هستند یا اینکه از جسم و گناه سرچشمه می‌گیرند؟ چه بسا که فکر می‌کنیم که در پی اجرا و انجام اراده خدا هستیم، حال آنکه ممکن است به دنبال ارضای هوسها و امیال شخصی خود باشیم. آنچه مُسَلِّم است این حقیقت می‌باشد که نفس و قلب ما دائماً در پی راضی ساختن خود است. حال آنکه، روح‌القدس، همواره در پی راضی ساختن خدا است. مُشکل اصلی ما این است که اغلب مواقع، ما قادر به تشخیص انگیزه‌های خود نمی‌باشیم، در اینجا است که کلام خدا به یاری ما شتافته، ما را در درک اراده خدا یاری کرده، انگیزه‌های انسانی و غیرالهی ما را به ما نشان می‌دهد. از این جهت است که نویسنده رساله می‌گوید کلام خدا جدا کننده نیتهای قلب است.

قلب ما را امتحان می‌کند. کلام خدا، همان کلام مسیح است. ولی در عین حال، مسیح کلمه خدا می‌باشد (یوحنا ۱:۱۴). آن کلامی که در قلب ما نفوذ کرده، نیتهای درون ما را آشکار می‌سازد و ما را تحت داوری خود قرار می‌دهد، عیسی مسیح خداوند است (اول قرنتیان ۴:۵).

**۱۳** عیسی از افکار درون قلب ما باخبر است. هیچ چیز از دیدگان او مخفی نمی‌باشد. ما شاید بتوانیم افکار و نیتهای دل خود را از همسایگان و افراد خانواده و حتی همسرمان مخفی نگاه داریم. ما حتی قدرت داریم که انگیزه‌های خود را از خویشتن مخفی کرده، خود را فریب دهیم! ولی ما هرگز قادر نخواهیم بود که افکار و تمایلات دل خود را از خدا پنهان نماییم، خدا را نمی‌توان فریب داد. روزی خواهد رسید که همه افراد بشر در مقابل خدا خواهند ایستاد و جواب اعمال خود را پس خواهند داد. در آن روز **همه چیز در چشمان او که کار ما با وی است، برهنه و متکشف خواهد بود.**

امروز عیسی مسیح از ما دعوت کرده می‌فرماید: **از عقب من آیید** (مرقس ۱:۱۷). در روز داوری به او چه جوابی خواهیم داد؟

**۱۴** عیسی مسیح **رئیس کهنه عظیم** ما می‌باشد. در عبرانیان ۲:۷، نویسنده رساله، عیسی مسیح را **رئیس کهنه‌ای کریم و امین** نامیده بود. در اینجا نویسنده رساله به ما می‌گوید که عیسی مسیح، **رئیس کهنه عظیم ما از آسمانها در گذشته است.** عیسی به آسمان به نزد پدر صعود فرموده است. اینک او بر دست راست پدر نشسته است. او پیش پدر رفته تا برای ما منزل در نزد او فراهم سازد (یوحنا ۱۴:۲). پس به منظور رسیدن به آن مکانی که عیسی برایمان فراهم کرده است، بیایید با جدیت هرچه تمامتر **اعتراف خود را محکم بداریم.**

**۱۵** عیسی به خوبی از ضعفهای ما آگاه است. او می‌داند که ما با چه مشکلات و وسوسه‌هایی روبرو و دست به گریبان



رئیس کاهنان برای گناهان خود قربانی گذرانید و پاک شد، قادر بود که برای گناهان قوم خود شفاعت کند.

۴ رئیس کهنه خودشان را به ریاست کاهنان انتخاب نمی‌کردند، بلکه ایشان از سوی خدا به مقام کهنات منصوب می‌گردیدند. **هارون**، برادر موسی، اولین کاهن اعظم قوم بنی‌اسرائیل بود (خروج ۲۸:۱-۲).

۵ به همین ترتیب، عیسی مسیح نیز خود را به مقام ریاست کهنه منصوب نکرده بود. خدای پدر، او را به رتبه کهنات اعظم منصوب نموده بود. خدای پدر نه تنها عیسی را به مقام کهنات اعظم **جلال** داد، بلکه او را **پسر** خود نیز خواند. در اینجا، نویسنده رساله از مزمو ۷:۲ نقل قول می‌کند.

۶ خدای پدر، به عیسی فرمود: **تو تا به ابد کاهن هستی**. ولی در اینجا یک مسئله پیش می‌آید، و آن این است که تمامی کاهنان یهودی از نسل هارون (اولین کاهن قوم بنی‌اسرائیل) بودند. ولی عیسی مسیح، از نسل هارون نبود، بلکه به طایفه داود پادشاه تعلق داشت. پس چگونه ممکن است که عیسی مسیح، کاهن اعظم اسرائیل باشد؟

در اینجا، نویسنده رساله از مزمو ۴:۱۱۰ نقل قول کرده می‌گوید که عیسی مسیح کاهن اعظم قوم یهود است، ولی کهنات عیسی به رتبه هارون نبوده، بلکه خدا به عیسی فرمود: **تو تا به ابد کاهن هستی بر رتبه ملک‌یصداق**.

ملک‌یصداق که بود؟ او سالها پیش از آنکه هارون به کهنات منصوب شود، کاهن خداوند بود. او **پادشاه سالیم** یا اورشلیم<sup>۹</sup> بود (پیدایش ۱۴:۱۸). پس ملک‌یصداق هم پادشاه و هم کاهن خدا بود. از آنجا که بعدها داود، پادشاه اورشلیم

۹- اورشلیم در نزد یهودیان از جایگاه خاصی برخوردار است. اورشلیم پایتخت بسیاری از پادشاهان یهود، منجمله داود و سلیمان پادشاه بود.

هستیم که **با دلیری نزدیک به تخت فیض بیاییم تا رحمت بیاییم**. ما مطمئنیم که به واسطه رحمت و فیض عیسی مسیح، اجازه داریم که به پیش خدا رفته تقاضاهای خود را به پیش او ابراز کنیم. زیرا که هم‌اکنون، عیسی مسیح بر دست راست پدر نشسته است و برای ما دائماً شفاعت می‌کند (رومیان ۳۴:۸؛ عبرانیان ۲۵:۷-۲۶). پس بیایید به خاطر داشته باشیم که در زمان سختی و تنگی و ضعف، به پیش آن خدایی برویم که همدرد ما شده است و چون خود از تمام آزمایشها پیروز و سربلند بیرون آمده است، اینک قادر است ما را در هر سختی و تنگی و زحمت مدد فرماید.

## باب ۵

### رئیس کهنه اعظم ما (۵:۱-۱۰)

۱ در میان یهودیان، مقام کهنات به هر کسی محول نمی‌شد. زیرا که به منظور رسیدن به مقام کهنات، دو شرط مهم وجود داشت، اول اینکه **هر رئیس کهنه از میان آدمیان گرفته می‌شد**، یعنی اینکه رئیس کاهنان باید انسان باشد. شرط دوم این بود که رئیس کهنه از سوی خدا **مقرر می‌شد**. رئیس کاهنان موظف بود که **هدایا و قربانی‌ها برای گناهان بگذراند** و از سوی قوم بنی‌اسرائیل در حضور خدا شفاعت نمایند.

۲ ولی از آنجا که کاهنان قوم یهود، خود انسان بودند، نتیجتاً نمی‌توانستند از گناه و لغزش مصون باشند. از این جهت بود که ایشان **با جاهلان و گمراهان با ملایمت** برخورد می‌نمودند. ولی باید دانست که طرز برخورد کاهنان قوم بنی‌اسرائیل با افرادی که به طور عمدی و دانسته گناه می‌کردند، بسیار جدی و قاطع بود (اعداد ۲۷:۱۵-۳۱؛ عبرانیان ۷:۹).

۳ از آنجا که کاهنان یهودی، خود گناه می‌کردند، موظف بودند که پیش از تقدیم قربانی برای قوم، ابتدا برای گناهان خود قربانی بگذرانند (لاویان ۶:۱۶). زیرا تنها پس از آنکه

در تنهایی مطلق جان داد، در زمانی که او گناه ما را بر خود گرفته بود و به جای ما مجازات می‌شد، همه حتی پدر آسمانش او را ترک کرده بودند (مرقس ۱۵: ۳۴).

عیسی رنج بسیار کشید و در حین سختی‌ها به عوض شکایت و شکوه، **تضرع و دعای بسیار کرد**. او دعا کرد که از رنج صلیب معاف شود (مرقس ۱۴: ۳۵-۳۶)، ولی خدا دعای او را مستجاب نکرد. هر چند که خدا به **رهانیدنش از موت قادر بود**، ولی اراده خدا بر این بود که عیسی مسیح مأموریت خود را تا به آخر به پایان برساند. در تمام این ایام رنج و زحمت، عیسی مسیح به اراده خدا وفادار ماند و مطیع فرمان پدر آسمانی خود بود. سه روز پس از مرگ عیسی بر روی صلیب، خدا پسر یگانه خود را از میان مردگان برخیزاند و بدین ترتیب دعای او را اجابت نمود. از این جهت است که نویسنده رساله می‌نویسد که عیسی مسیح به سبب رنجها و **تقوای خویش مستجاب شد**.

۸ هر چند که عیسی مسیح، پسر خدا بود، با این وجود به **مصیبت‌هایی که کشید، اطاعت را آموخت**. معنی این جمله چیست؟ ما انسانها معمولاً زمانی به اهمیت اطاعت پی می‌بریم که به سبب نافرمانی خود دچار سختی و تنگی و زحمت شده باشیم. ولی عیسی هرگز از فرمان خدا و از راههای او سرپیچی و انحراف نورزیده بود. برعکس، به خاطر اطاعت و فرمانبرداری او از خدا بود که عیسی آن همه زحمت کشید. با تأمل کردن در زندگی و شخصیت عیسی یاد می‌گیریم که اطاعت کامل از خدا چقدر مشکل می‌باشد. او تمامی مصیبت‌های مربوط به اطاعت کامل از خدا را برای ما تحمل نمود.

مسیحیان یهودی تباری که مخاطبین این رساله را تشکیل می‌دهند، در تجربیات سخت قرار داشتند. ایشان به خاطر اطاعت کردن از فرمان عیسی مسیح متحمل سختی‌های بسیاری گردیده بودند. اینک احتمال می‌رفت که آنها از

گردید، می‌توان در حق او ادعا کرد که داود پادشاهی است به رتبه ملک‌یصدق. و چون عیسی مسیح از نسل داود بود، پس او نه تنها کاهنی بالاتر از هارون بود، بلکه او در عین حال پادشاه قوم خدا محسوب می‌گردید و از این جهت او کاهن و پادشاهی است به رتبه ملک‌یصدق (آیه ۱۰).

۷ در آیه ۱، خواندیم که کاهنان از میان افراد عادی انتخاب می‌شدند و طبعاً بشر بودند. پس اگر عیسی می‌خواست مانند کاهنی برای ما شفاعت کند، می‌باید به صورت یک انسان در میان ما ظاهر می‌شد. به همین منظور است که نویسنده رساله، در این آیه بر حقیقت انسان بودن مسیح تأکید می‌کند (مرقس ۱۴: ۳۲-۳۶) را مشاهده کنید).

عیسی انسانی همانند ما بود. او تمامی ضعفها و تجربیات ما را تجربه کرده بود. هر چند که فرزند حقیقی خدا بود، ولی مانند ما انسانها، هر گونه سختی و رنجی را متحمل شد. مثلاً زمانی که او گرسنه شده بود، می‌توانست سنگها را به نان تبدیل کرده، با کمک قدرت الهی خود گرسنگی خویش را برطرف نماید، ولی این کار را نکرد (متی ۴: ۲-۴). یا زمانی که دستگیر شد، می‌توانست **زیاده از دوازده فوج از ملائکه** را برای کمک احضار کند، ولی این کار را نکرد (متی ۲۶: ۵۳). همانطور که ما انسانهای عادی خستگی و گرسنگی و غم را تحمل می‌کنیم، عیسی مسیح هم همه سختی‌ها و رنجهای ما را با ما متحمل گردید. به همین جهت است که او می‌تواند تمامی نیازها و ضعفهای ما را درک کند (عبرانیان ۲: ۱۸؛ ۴: ۱۵).

ولی با کمی دقت متوجه می‌شویم که سختی‌های عیسی مسیح در مقایسه با رنجهای ما به مراتب بیشتر بود. زیرا که هرگاه سختی کشیده رنج ببریم، مطمئن هستیم که او در کنار ماست و با ما رنج می‌برد. ما هرگز تنها نیستیم. ولی زمانی که عیسی برای ما جان می‌سپرد، او

طفولیت و شیرخوارگی به بلوغ نرسیده بودند. آنها در ابتدای ایمان خویش کمی رشد کرده بودند و اکنون رشد ایشان متوقف شده بود. آنها نمی‌خواستند شیرخوارگی را ترک کرده، رشد کنند.

همانطور که کودکان به وسیله غذای قوت رشد می‌کنند. ما ایمانداران نیز باید به جهت رشد روحانی از غذای قوت تغذیه کنیم. غذای روحانی ما **کلام عدالت** است. نویسنده می‌گوید که ما به غذایی نیاز داریم که ما را برای انجام اعمال عدالت و داشتن زندگی پاک و حتی رنج کشیدن به خاطر عدالت، آماده کرده، قوت بخشد. (متی ۵:۱۰؛ دوم تیموتائوس ۳:۱۲). متأسفانه عبرانیان آمادگی کافی جهت رنج دیدن

۱۰- درک این نکته ضروری است که مهم‌ترین عامل در اطاعت ما، وجود ایمان می‌باشد (عبرانیان ۴:۶ و تفسیر آن را مشاهده کنید). و پس از آنکه در زندگی یک شخص، ایمان واقعی به عیسی مسیح بوجود آمد، آنگاه ثمره آن ایمان اطاعت از مسیح خواهد بود. ایمان و اطاعت را نمی‌توان از یکدیگر جدا ساخت. به یک معنی، ایمان و اطاعت دو تیغه یک قیچی می‌باشند. پس گفتن اینکه: «ما به وسیله اطاعت از مسیح نجات یافته‌ایم» (اطاعتی که از ایمان حاصل می‌گردد)، و گفتن اینکه: «ما به وسیله ایمان به عیسی مسیح نجات پیدا کرده‌ایم» یکی است زیرا که ایمان اطاعت را به همراه خواهد آورد و اطاعت بدون ایمان واقعی امکان‌پذیر نخواهد بود.

ولی باید به یاد داشت که ما به جهت انجام اعمال نیکو و اطاعت از قوانین مذهبی نجات پیدا نکرده‌ایم. ما به خاطر ایمان به عیسی مسیح نجات پیدا کرده‌ایم، ایمانی که به داشتن زندگی پاک و همراه با اطاعت از مسیح منتهی و منجر خواهد گردید (غلاطیان ۵:۱۶؛ افسسیان ۲:۸-۱۰؛ یعقوب ۲:۱۴-۲۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید). از این گذشته، ایمان، هدیه خدا و ثمره فیض خدا می‌باشد. جهت مطالعه بیشتر در این مورد، مقاله عمومی: «طریق نجات» را مشاهده کنید.

اطاعت و ایمان خود دست برداشته، دچار لغزش شوند. آنها در شرف انکار کردن مسیح بودند. به همین دلیل است که نویسنده رساله به ایشان یادآوری می‌کند که عیسی مسیح برای آنها چه زحماتی را تحمل نموده بود.

**۹** عیسی به خاطر سختی‌ها و اطاعت‌های خود **کامل شده** بود (عبرانیان ۲:۱۰). او در همه چیز مطیع اراده پدر خود بود. او گناه نکرد. اینک او عالی‌ترین کاهن اعظم می‌باشد. و به همین دلیل او **جمیع مطیعان خود را سبب نجات جاودانی گشت**. حال با اطاعت از او، ما صاحب حیات و نجات جاودانی خواهیم شد.<sup>۱۱</sup>

عیسی مسیح برای تمامی کسانی که به او ایمان آورده، او را اطاعت کنند، سرچشمه نجات می‌باشد. ایمان پیش از اطاعت می‌آید، بدون ایمان، اطاعت نامفهوم خواهد بود. از سوی دیگر، اطاعت از خدا، سنگ محک ایمان واقعی ماست (یعقوب ۲:۱۴-۱۷ و تفسیر آن را مشاهده کنید). پس نتیجه می‌گیریم که هم ایمان و هم اطاعت برای نجات ما کاملاً ضروری می‌باشند.

**۱۰** آیه ۶ و تفسیر آن را مشاهده کنید.

### شیر و غذای قوت (۵:۱۱-۱۴)

**۱۱-۱۲** مخاطبین این رساله، از رشد روحانی کافی برخوردار نشده بودند. هر چند که عبرانیان سالها تعلیم یافته بودند ولی با اینهمه به نظر می‌رسید که آنها هنوز به مرحله بلوغ روحانی نرسیده‌اند (اول قرنتیان ۳:۱-۲). ایشان هنوز محتاج بودند که **کسی اصول و مبادی الهامات خدا را** به آنها بیاموزاند (آیه ۱۲).

کلام خدا هم به صورت **شیر** و هم به صورت **غذای قوت می‌باشد** (متی ۴:۴ را مشاهده کنید). شیر روحانی برای تغذیه اطفال است و **غذای قوت** خوراک ایمانداران بالغ‌تر می‌باشد (پطرس ۲:۲).

**۱۳** این عبرانیان سالها بود که از مرحله

می‌باشد. این دو، شالوده زندگی مسیحی ما را تشکیل می‌دهند (مرقس ۱:۱۵؛ اعمال ۲۱:۲۰ را مشاهده کنید). اگر یکبار این شالوده و بنیاد را بنا کردیم، دیگر نیازی به بنای مجدد آن نمی‌باشد.

منظور از **اعمال مرده** همان گناهایی می‌باشد که به موت روحانی منجر می‌گردند (رومان ۶:۲۱-۲۳). در اینجا، غرض از «توبه»، صرفاً تقاضای بخشش به خاطر آن گناهان نمی‌باشد، بلکه توبه واقعی، بازگشت کامل و ترک کامل آن کارها است.

پیشتر، نویسنده رساله بر لزوم ایمان به خدا به جهت دریافت نجات اشاره کرده بود. ایمان به خدا، یعنی ایمان به عیسی مسیح، زیرا که به وسیله ایمان به عیسی مسیح، نجات خواهیم یافت (عبرانیان ۹:۵).

۲ در آیه ۱، نویسنده رساله به دو بخش شالوده مسیحیت یعنی توبه و ایمان، اشاره کرد. اینک در آیه ۲، او به چهار قسمت مهم دیگر بنیاد مسیحی اشاره می‌کند. زمانی که راجع به این چهار چیز **تعلیم** یافتیم، دیگر لزومی به تکرار آن تعالیم نخواهد بود.

چهار بخش دیگر بنیاد مسیحی به قرار زیر است: اول **تعمید**؛ دوم **نهادن دستها**؛ سوم **قیامت مردگان**؛ و چهارم **داوری جاودانی** یا داوری نهایی می‌باشد. این چهار تعلیم، به اضافه دو تعلیم آیه ۱، مهم‌ترین آموزه‌های ایمان مسیحی می‌باشند. این شش آموزه، بنیاد و شالوده ایمان مسیحی و زندگی ما را تشکیل می‌دهند. و زمانی که شالوده گذاشته شد، دیگر نیازی به پی‌ریزی مجدد نمی‌باشد.

**نهادن دستها**، یکی از رسوم کلیسای مسیح می‌باشد که از زمان عهدجدید تا به امروز ادامه دارد. به وسیله نهادن دستها، ایمانداران روح‌القدس را دریافت می‌کنند، یا اینکه افراد را به خدمت مهمی منصوب می‌کنند و یا با نهادن دستها، بیماران شفا می‌یابند (اعمال ۶:۶؛

و زحمت کشیدن در راه ایمان را نداشتند. ایشان هنوز نمی‌دانستند عدالت واقعی چیست.

۱۴ در اینجا مقصود از **غذای قوی** تعالیم مشکل عیسی مسیح است. زمانی که از کلام خدا تغذیه کنیم، در مسیح رشد خواهیم کرد. هرچه بیشتر در مسیح رشد کنیم، بیشتر توانایی درک و تشخیص **نیک و بد** را خواهیم داشت. ما قدرت شناسایی گناه در زندگی خود را خواهیم داشت و به نیکویی مسیح هرچه بیشتر پی خواهیم بُرد. هرچه بیشتر در مسیح رشد کنیم، بیشتر متوجه عدالت و پاکی مسیح خواهیم گردید و با جدیت بیشتری از او پیروی خواهیم نمود. ولی به جهت داشتن چنین رشدی نیازمند غذای قوی خواهیم بود. هیچ کس هرگز با خوردن شیر، به بلوغ کامل نخواهد رسید!

## باب ۶

### هشدار در مورد لغزش (۱:۶-۱۲)

۱ هرچند که عبرانیان هنوز شیر می‌خواستند، ولی نویسنده رساله به ایشان غذای قوی (یعنی تعالیم مشکل مسیحیت) را می‌دهد. زیرا که نویسنده رساله می‌داند که فقط به وسیله غذای قوی است که آنها در ایمان خود رشد خواهند نمود (عبرانیان ۵:۱۴). به همین دلیل است که او می‌گوید: **بنابراین، از کلام ابتدای مسیح در گذشته، به سوی کمال سبقت بجوییم**. در زندگی روحانی مسیحی، ما باید همواره پیش رویم وگرنه لغزش خورده، عقب خواهیم رفت. در مسیر زندگی مسیحی جایی برای درجا زدن وجود ندارد. هیچ کس نمی‌تواند برای مدت طولانی در یک جا توقف کند. یا رشد می‌کنیم و یا پژمرده می‌شویم.

زمانی که **بنیاد** ایمان ما نهاده شد، دیگر نیازی به ایجاد بنیاد دیگری نیست. در اینجا نویسنده رساله، به دو بخش «بنیاد» مسیحی اشاره می‌کند. اول **توبه از اعمال مرده است** و دومین بخش **بنیاد مسیحی ما ایمان به خدا**

---

DO NOT COUNT THIS PAGE

است، ولی نویسنده رساله اظهار می‌دارد که این گونه افراد ممکن است به طور عمدی و خودآگاهانه، ایمان مسیحی خود را ترک نمایند. و اگر کسی ایمان خود را اینگونه رها کرده، **یافتند، محال است که ایشان را بار دیگر برای توبه تازه سازند (آیه ۶).**

حال باید دید که منظور از «افتادن از ایمان» چیست؟ البته مقصود نویسنده از افتادن، ارتکاب گناهان کوچک و سرگردانی و انحراف موقتی از اراده خدا نیست. زیرا که همه ما ایمانداران، گه‌گاه مرتکب خلاف و خطا می‌گردیم. بلکه نویسنده رساله در اینجا در باره بزرگ‌ترین و مخوف‌ترین گناه ممکن سخن می‌گوید. بزرگ‌ترین و ترسناک‌ترین گناه بشر، این است که نور خدا را پس از دیدن و تجربه کردن آن، انکار نماید. بزرگ‌ترین و هولناک‌ترین گناه بشر این است که نیکویی و رحمت مسیح را پس از تجربه نمودن فیض مسیح انکار کرده، نیکویی و خوبی مسیح را زیر سؤال ببرد. زیرا آن کسانی که این چنین مسیح را انکار کنند، **پسر خدا را برای خود باز مصلوب می‌کنند و او را بی حرمت می‌سازند (آیه ۶).** این افراد دیگر میل و رغبت توبه کردن را ندارند. قلب آنها سخت شده است و فیض خدا دیگر قادر به نرم ساختن دل‌های ایشان نخواهد بود.<sup>۱۱</sup> این افراد مرتکب گناهی نابخشودنی، یعنی کفر به روح‌القدس گردیده‌اند (مرقس ۳: ۲۸-۲۹). یوحنا رسول، این گناه را **گناهی منتهی به موت** نامیده است (اول یوحنا ۵: ۱۶). کسانی که نجات را از خدا

باید دانست که نهادن دستها، به خودی خود صاحب قدرت خارق‌العاده و جادویی نمی‌باشد؛ بلکه نهادن دستها، در واقع نشانه ایمان ما به قدرت خدا و نیروی روح‌القدس است. زیرا این روح‌القدس است که در ما کار می‌کند و کارهای بزرگ را به انجام می‌رساند.

**۳** در آیه ۱ خواندیم که نویسنده رساله به ما نصیحت نمود که: **از کلام ابتدای مسیح (شش اصل اولیه مسیحیت یاد شده در آیات ۱-۲) در گذشته، به سوی کمال سبقت بجوییم.** اگر بنای ایمان ما بر پایه صحیح قرار گرفته باشد، دیگر نیازی به پی‌ریزی مجدد و دوباره نمی‌باشد، بلکه اینک زمان بنا کردن ایمان خود و تکمیل آن عمارت ایمان است. به همین سبب، نویسنده می‌گوید: **و این را بجا خواهیم آورد هرگاه خدا اجازت دهد.** هر کاری که ما انجام می‌دهیم بایستی با اجازه و تأیید خدا باشد.

**۴-۶** در اینجا نویسنده رساله اظهار می‌دارد که بنیاد نهادن تعالیم اولیه برای بار دوم، امری بیهوده و بی‌جا می‌باشد. دلیل این امر این است که پس از آنکه یک نفر مبانی اولیه ایمان یعنی **توبه و ایمان (آیه ۱)** را فراگرفت و سپس اعمال سابق را تکرار نمود، دیگر **محال است که ایشان را بار دیگر برای توبه تازه ساخت (آیه ۶).** محال است که بار دیگر، بنای یک ساختمان را پی‌ریزی کرد.

در آیات ۴-۶، یک تعلیم بسیار مهم را مشاهده می‌کنیم. روی سخن نویسنده رساله با افرادی است که **یک بار منور گشتند** (یعنی نور انجیل و ایمان را دیده‌اند)؛ و **لذت عطایای سماوی را چشیدند** (یعنی از برکات روحانی مسیح مستفیض شده‌اند)؛ و **شریک روح‌القدس گردیدند (آیه ۴)؛ و لذت کلام نیکوی خدا و قوای عالم آینده را چشیدند (آیه ۵).** در این آیات، منظور نویسنده کسانی است که ایمان مسیحی‌شان از هر نظر واقعی و حقیقی بوده

۱۱- البته خدا قادر است که بار دیگر ایشان را مشمول فیض بیکران خود سازد و آنها را بار دیگر برای توبه آماده کند، زیرا خدا به هر کاری قادر است (مرقس ۱۰: ۲۷). ولی خدا دیگر آن افراد را لمس نخواهد کرد. او کسانی را که لذت عطایای سماوی را چشیده باشند و بار دیگر به طور آگاهانه و با میل و رغبت خود، به خدا پشت کرده باشند برای توبه آماده نخواهد ساخت.

دریافت کرده باشند و سپس مسیح را نفی کنند، دیگر به هیچ وجه نجات نخواهند یافت (عبرانیان ۱۰:۲۶-۲۷؛ دوم پطرس ۲:۲۰-۲۱ را مشاهده کنید). مسیح به تمام افتادگان مژده نجات می‌دهد، ولی او برای کسانی که پس از دریافت هدیه نجات بیفتند، هیچ هدیه دیگر نخواهد داشت.

در اینجا یک سؤال دیگر مطرح می‌شود: آیا ممکن است یک مسیحی واقعی از ایمان خود بیفتد و نجات خود را از دست بدهد؟ بعضی از مسیحیان به این سؤال جوابی مثبت می‌دهند. ایشان معتقدند که افرادی که در آیه ۴ گفته شده **یک بار منور گشتند و لذت عطاى سماوى را چشیدند و شریک روح القدس گردیدند**، مسیحی واقعی بوده‌اند. زیرا که روح القدس، تنها در زندگی مسیحیان واقعی و ایمانداران حقیقی وجود خواهد داشت.

ولی گروهی دیگر از مسیحیان معتقدند که محال است که مسیحیان واقعی ایمان و نجات خود را از دست بدهند. پیروان این طرز تفکر می‌گویند که در اینجا نویسنده رساله صرفاً به ایمانداران هشدار می‌دهد و نمی‌گوید که ایمانداران واقعی ایمان خود را از دست خواهند داد. از نظر این افراد، نویسنده رساله به ایماندارانی که در گناه افتاده‌اند هشدار داده ایشان را از لغزش و افتادن کامل به دام گناه آگاه می‌کند. ولی سؤال دیگر همچنان باقی می‌ماند و آن اینست که چگونه می‌توان تفاوت میان مسیحی حقیقی و متظاهر را تشخیص داد؟ باید دانست که در ابتدای امر، تشخیص ایمانداران واقعی و غیرواقعی از یکدیگر محال می‌باشد. برای مثال فرض کنید دو نفر به مسیح ایمان آورده باشند. در ابتدای امر ممکن است که هر دوی آنها ایماندارانی واقعی به نظر برسند. ولی پس از مدتی، یکی از آن دو، دچار لغزش و سقوط گردد. هیچ کس قادر به تشخیص واقعی بودن ایمان افراد نمی‌باشد. عیسی مسیح در مثل

برزگر خاطر نشان نمود که بعضی از بذرها در میان خار و سنگلاخ افتادند و ثمر نیاورند. در ابتدای امر، آن بذرها مانند بذرهایی که در خاک خوب افتاده بودند، سبز شدند (مرقس ۴:۵-۷). ولی پس از آنکه در معرض تابش آفتاب (جفا) و خاراها (وسوسه‌های دنیا) قرار گرفتند، تفاوت میان آن بذرها و دانه‌هایی که در زمین نیکو کاشته شده بودند، مشخص گردید. گذشت زمان، تفاوت میان زمین نیکو (قلب آماده) و زمین سنگلاخی و پُر از خار را مشخص می‌کند. به همین ترتیب، تنها پس از جفا و وسوسه‌های این زندگی است که خلوص ایمان افراد پدیدار می‌گردد. تنها پس از قرار گرفتن در بوته آزمایش و افتادن کامل است که می‌توان در مورد واقعی بودن ایمان یک نفر نظر داد. زمانی که یک نفر در معرض حملات و وسوسه‌ها قرار گرفت و از پیروی مسیح دست کشید، می‌توان گفت که ایمان آن فرد واقعی نبوده است. ما اجازه نداریم در مورد ایمان دیگران عجولانه قضاوت کنیم. ما نباید هرگز به ایمان دیگران شک کنیم. ولی اگر شخصی به خاطر سختیها و وسوسه‌ها، مسیح را انکار کند، ایمان او واقعی نیست. زیرا افرادی که از ایمان حقیقی برخوردارند، در برابر سختیها مقاومت خواهند کرد و مانند بذری که در زمین نیکو افتاده شده باشد، در موقع مناسب ثمرات بی‌شماری خواهند آورد (متی ۷:۲۴-۲۷؛ ۱۳:۲۴-۳۰ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

در اینجا ذکر یک نکته مهم دیگر لازم است. بعضی از مسیحیان ممکن است به طور موقت دچار لغزش شوند و به طور موقتی در گناه بیفتند. ممکن است ایمان آنها دچار پژمردگی و ضعف گردد ولی علیرغم آن لغزش و گناه، ایشان کاملاً از مسیح جدا نشده باشند. امکان دارد که شخصی در گناه بسر ببرد ولی هنوز قلبش در سیاهی مطلق نبوده و نور مسیح ذهن و قلب او را برای توبه و بازگشت آماده نماید. برای این

گونه افراد، هنوز بارقه امید و وجود دارد. ایشان هنوز به طور مطلق از مسیح جدا نشده‌اند. اینگونه اشخاص در موقعیت بسیار خطرناکی به سر می‌برند و اگر هرچه زودتر توبه و بازگشت نمایند، چه بسا که ایمان خود را به طور کامل از دست بدهند.

پس هرگز نگویم: «محال است که من دچار لغزش شوم! غیرممکن است که من بیفتم!» بیاید سخنان پولس رسول را به خاطر بیاوریم: **پس آنکه گمان بزد که قایم است، با خبر باشد که بیفتد** (اول قرنیتان ۱۰:۱۲). امکان از دست دادن نجات خود و رد کردن فیض و محبت خدا و انکار نمودن عیسی مسیح وجود دارد. ولی به یاد داشته باشیم که تنها خدا قدرت قضاوت کردن را دارد و تنها او می‌داند که چه کسی نجات خود را از دست خواهد داد.<sup>۱۲</sup>

**۷-۱** طریقه تشخیص مسیحیان حقیقی از افراد متظاهر، توجه به ثمرات روحانی زندگی ایشان است (متی ۷:۱۷-۲۰ را مشاهده کنید). اگر روح القدس در قلب کسی باشد، ثمرات روحانی روح القدس را در زندگی آن شخص مشاهده خواهیم نمود (غلاطیان ۵:۲۲-۲۳). عیسی مسیح ما را برگزید تا میوه آوریم. او از ما می‌خواهد که میوه‌های روحانی ما ماندنی باشد (یوحنا ۱۵:۱۶). او ما را به منظور آوردن خار و خاشاک و داشتن شاخه‌های خشک و بی‌جان انتخاب نموده است (آیه ۸).

بعضیها ممکن است گمان کنند که میوه آوردن فقط به موعظه کردن و نبوت و انجام معجزات ختم می‌شود و انجام این اعمال خاص دلیل داشتن ایمان مستحکم و واقعی می‌باشد. ولی این باور خالی از حقیقت می‌باشد. زیرا شیطان و ارواح خبیث او نیز از قدرت انجام اعمال خارق‌العاده برخوردارند (مرقس ۱۳:۲۲). زمانی که روح القدس در ما زندگی کند، ثمرات حقیقی و روحانی روح القدس را در ما بار بار خواهد آورد (متی ۷:۲۲-۲۳ و تفسیر آن را

مشاهده کنید).

**۹** در آیات ۱-۸، نویسنده رساله به خوانندگان خود هشدارهای محکمی داد. اینک پس از آن سخنان سخت و سنگین، لحن کلام خود را آرام‌تر ساخته، به خوانندگان رساله، اطمینان می‌دهد که خطرات و مصیبت‌های مذکور شامل حال ایشان نخواهد گردید.

**۱۰** خدا هرگز کارهای خوب را که به او تقدیم می‌کنیم بی‌ارزش نخواهد شمرد و کارهایی را که برای او و دیگران انجام داده‌ایم، فراموش نخواهد کرد.

عبرانیان چگونه محبت خود را به خدا ثابت می‌کردند؟ با نشان دادن محبت و خدمت نسبت به برادران و خواهران مسیحی خود. زمانی که به خاطر محبت خدا، دیگران را خدمت کنیم، در حقیقت مثل این است که خدا و عیسی مسیح را مورد خدمت و محبت قرار داده‌ایم (متی ۲۵:۳۴-۴۰ را مشاهده کنید).

**۱۱-۱۲** نویسنده رساله از عبرانیان تقاضا می‌کند که هر یک از ایشان **همین جد و جهد را برای یقین کامل امید تا به انتها ظاهر** نمایند. از آنها می‌خواهد که در محبت به خدا (که در آیه ۱۰ ذکر گردید) پایداری و استقامت نمایند. چرا لازم است که عبرانیان (و ما) تا به انتها استقامت نمایند؟ زیرا که در سایه پایداری و مقاومت است که آنها **وارث وعده‌های خدا** خواهند گردید (آیه ۱۲). اگر ایشان به محبت نمودن به خدا و اطاعت از دستورات او ادامه دهند، امید آنها در جهت دریافت میراث نهایی در بهشت به تحقق خواهد رسید (مرقس ۱۳:۱۳؛ غلاطیان ۹:۶؛ دوم پطرس ۱:۱۰-۱۱ را مشاهده کنید). تنها به وسیله **ایمان و صبر** ما قادر به دریافت میراث **وعده‌ها** یعنی حیات جاودانی

۱۲- برای مطالعه بیشتر در این مورد مقاله عمومی:

«آیا ممکن است نجات خود را از دست بدهیم؟» را مشاهده کنید.



در ملکوت خدا خواهیم بود. به گفته پولس رسول باید نجات خود را به ترس و لرز بعمل آورید (فیلیپان ۲: ۱۲).

### اعتماد به وعده پایدار خدا (۱۳:۶-۲۰)

۱۳-۱۵ خدا به ابراهیم وعده داد و گفت: از تو امتی عظیم پیداکنم و تو را برکت دهم (پیدایش ۱۲: ۲). ولی در آن هنگام ابراهیم هفتاد و پنج ساله بود و صاحب فرزندی نبود. چگونه ابراهیم بدون فرزندی می توانست صاحب امتی عظیم گردد؟

ابراهیم بیست و پنج سال دیگر صبر کرد. زمانی که ابراهیم صد ساله شده بود، همسرش سارا که بیش از نود سال سن داشت آبستن شده، پسری زائید. به این ترتیب، وعده خدا به ابراهیم عملی گردید. اینک با تولد اسحاق، وعده خدا به ابراهیم تحقق پذیرفت (پیدایش ۱۷: ۱۵-۱۷؛ ۲۱: ۱-۳). بدین ترتیب بود که ابراهیم چون صبر کرد، آن وعده را یافت (آیه ۱۵).

سپس خدا یکبار دیگر ابراهیم را مورد امتحان قرار داد. خدا به ابراهیم دستور داد که اسحاق را برای او قربانی کند. به عبارت دیگر، خدا به ابراهیم گفت که پسر عزیز و جگرگوشه خود را که پس از سالها انتظار دریافت کرده بود، برای خدا قربانی کند! ولی ابراهیم از دستور خدا سرپیچی نکرد و مقدمات قربانی کردن پسرش را آماده ساخته، به جهت انجام وظیفه به سوی قربانگاه حرکت نمود. ولی خدا با مشاهده ایمان و اطاعت ابراهیم، او را از کشتن پسرش منع نمود (پیدایش ۲۲: ۱-۱۴ را مشاهده کنید). در آن هنگام خدا وعده‌ای را که پیشاپیش به ابراهیم داده بود، تکرار نمود (پیدایش ۲۲: ۱۵-۱۸). اما در اینجا وقتی خدا به ابراهیم وعده می دهد، می گوید: هر آینه من تو را برکت عظیمی خواهم داد و تو را بی نهایت کثیر خواهم گردانید (آیه ۱۴). در اینجا نویسنده رساله از پیدایش

۲۲: ۱۶-۱۷ نقل قول می کند.

۱۶-۱۷ کلام خدا راست است و قطعاً تحقق خواهد پذیرفت. ولی در اینجا، خدا کلام خود را با قسم تحکیم فرموده است (آیه ۱۷). پس نتیجه می گیریم که پیمان خدا با ابراهیم، از هر نظر قطعی و شدنی می باشد. چرا خدا لازم دید که قول خود را با قسم تحکیم نماید؟ نویسنده رساله به این سؤال این چنین جواب می دهد: از اینرو، چون خدا خواست که عدم اراده خود را به وارثان وعده به تأکید بی شمار ظاهر سازد، قسم در میان آورد. «وارثان وعده» چه کسانی هستند؟ ما که به عیسی مسیح ایمان آورده ایم، وارثان وعده های الهی می باشیم. ما از نظر روحانی و ایمانی فرزندان و وارثان روحانی ابراهیم می باشیم (غلاطیان ۳: ۷-۹). وعده ای که خدا به ابراهیم داده بود، اینک شامل حال ما ایمانداران می شود. ما که به عیسی مسیح ایمان آورده ایم، فرزندان روحانی خدا، اعضای خانواده روحانی خدا و قوم خاص خدا گردیده ایم. آنچه هم اکنون دریافت کرده ایم، بیعانه آن میراث عظیمی است که در ملکوت آسمان یا بهشت نصیب ما خواهد گردید.

۱۸ ما که (از دست شریر و شیطان، به خدا) پناه بردیم، اینک قادر هستیم که به آن امیدی که در پیش ما گذارده شده است تمسک جویم. این امید، همان امید دریافت میراث جاودانی در ملکوت خدا می باشد. اینک می توانیم به آن امید روحانی نزدیک شده، به آن امید بهشتی «تسمک جویم». از آنجا که امید ما با کلام تغییر ناپذیر و سوگند ناشکستنی خدا تضمین شده است، یقین داریم که آن امید ثابت و پایدار است (آیه ۱۹)، و این برای ما موجب تسلی قوی می باشد.

۱۹ به هنگام سختی و غم، حتی در زمانی که مرگ نزدیک است، می توان به این امید و وعده الهی چنگ زده، در موقع مشکلات امید و تسلی حاصل نماییم. امید خود یعنی عیسی

نویسنده رساله با استفاده از سفر پیدایش به شرح خصوصیات ملک‌یصدق می‌پردازد (عبرانیان ۵:۶ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۳ در کتاب مقدس هیچ اثری از نام و نشان و خانواده و پدر و مادر ملک‌یصدق به چشم نمی‌خورد. به گفته نویسنده رساله، ملک‌یصدق بدون ابتدای ایام و انتهای حیات بود، بلکه به شبیه پسر خدا می‌باشد. همان گونه که عیسی مسیح تولد نیافته و تا ابد زنده است، ملک‌یصدق نیز دارای ابتدا و انتها نبود.

۴ ملک‌یصدق بزرگتر از ابراهیم بود. به همین دلیل ابراهیم پس از جنگ با پادشاهان، ۵۵ یک غنایم خود را به ملک‌یصدق ارزانی داشت (آیات ۱-۲).

۵ لاوی، یکی از دوازده فرزند یعقوب بود و از نوادگان ابراهیم به شمار می‌آمد. کاهنان اسرائیل منجمله هارون اولین کاهن بزرگ بنی‌اسرائیل، از نسل لاوی بودند. بر اساس قانون یهودیان، تمام یهودیان موظف بودند که ده یک اموال خود را به کاهنان یعنی فرزندان لاوی تقدیم کنند. کاهنان قوم بنی‌اسرائیل از طریق این ده یک‌ها امرار معاش می‌کردند. لاویان، افراد یکی از قبایل دوازده‌گانه اسرائیل بوده، بخشی از برادران بنی‌اسرائیل محسوب می‌گردیدند.

۶-۷ هر چند ملک‌یصدق، پادشاه سالیبم و کاهن خدای تعالی (آیه ۱)، از اولاد لاوی و از فرزندان ابراهیم نبود؛ ولی با این وجود، ابراهیم پدر قوم بنی‌اسرائیل یک دهم غنایم خود را به

مسیح را مثل لنگری برای جان خود ثابت و پایدار داریم. عیسی مسیح، مثل لنگری است که در هنگام طوفانهای زندگی، کشتی نجات ما را ثابت نگاه می‌دارد.

نویسنده رساله، اضافه می‌کند که امید ما، عیسی مسیح، در درون حجاب (حضور خدای پدر) داخل شده است. درون حجاب، همان مکان مقدس خیمه پرستش گاه یهودیان<sup>۱۳</sup> است (عبرانیان ۹:۱-۳). یهودیان معتقد بودند که خدا در پس آن پرده یا حجاب حضور دارد. هر سال یک بار، کاهن اعظم به درون پرده داخل می‌شد و برای گناهان قوم بنی‌اسرائیل شفاعت می‌کرد (عبرانیان ۹:۷). پس منظور نویسنده رساله از گفتن اینکه امید ما در درون حجاب داخل شده است، این است که عیسی مسیح، کاهن اعظم ما به نزد خدای پدر رفته است و برای ما شفاعت می‌کند.

۲۰ عیسی مسیح پیش از ما به درون حجاب (بهشت و در حضور پدر) داخل شده است. او به آسمان بالا رفته است و گناهان ما را کفاره نموده است. او کاهن واقعی و دائمی مادر نزد پدر است. او بر رتبه ملک‌یصدق، رئیس کهنه گردید (عبرانیان ۵:۶، ۱۰). عیسی مسیح، کاهن اعظم و امید ثابت ما می‌باشد. عیسی، پسر خدا، پادشاه ابدی و کاهن اعظم ماست و به وسیله ایمان به او ما فرزندان واقعی ابراهیم محسوب خواهیم شد و در میراثی که به ابراهیم وعده داده شده بود، شریک خواهیم گردید. او با ورود خود به درون حجاب، راه را برای رفتن به حضور پدر آسمانی خود خدا، فراهم نموده است (عبرانیان ۱۹-۲۲ را مشاهده کنید).

## باب ۷

### ملک‌یصدق (۷:۱-۱۰)

۱-۲ به جز در این رساله، تنها در سفر پیدایش ۱۴:۱۸-۲۰ و مزمو ۱۱۰:۴ نام ملک‌یصدق به چشم می‌خورد. در اینجا،

۱۳- پیش از آنکه معبد اورشلیم ساخته شود، یهودیان خیمه پرستشی برای عبادت خدا بنا کرده بودند. در درون آن خیمه، و همچنین بعدها در معبد اورشلیم، پرده‌ای وجود داشت که مکان مقدس را از قدس‌الاقدس جدا می‌نمود (عبرانیان ۹:۳). این پرده، همان «حجابی» است که نویسنده در اینجا بدان اشاره می‌کند.

نوادگان لاوی)، اولین کاهن اعظم یهودیان بود. به همین دلیل است که در اینجا نویسنده رساله از **کهنات لاوی** نام می‌برد. پس می‌بینیم که شریعت یهود بر مبنای کهنات لاوی و فرزندان او استوار گردیده بود.

ولی نویسنده رساله در اینجا خاطر نشان می‌کند که **از کهنات لاوی کمال حاصل** نمی‌شود. یهودیان نمی‌توانند با تکیه بر کهنات لاویان، نزد خدا عادل خوانده شوند. نویسنده رساله می‌پرسد: **اگر از کهنات لاوی کمال حاصل می‌شد، باز چه احتیاج می‌بود که کاهنی دیگر بر رتبه ملکيصدق (عیسی مسیح) مبعوث شود؟**

**۱۲** از این گذشته، اگر کهنات لاویان دچار تغییر شود، قوانین یهود نیز دستخوش دگرگونی خواهد شد، زیرا که تمامی قوانین شریعت یهود بر پایه کهنات لاویان بنا نهاده شده بود.

**۱۳-۱۴** **زیرا او که این سخنان در حق وی گفته می‌شود (یعنی عیسی مسیح) از سبط دیگر (سبط یهودا) ظاهر شده است.** عیسی مسیح از خاندان یهودا بود (متی ۱: ۲؛ ۳: ۳۳). یهودا چهارمین فرزند یعقوب و برادر کهنتر لاوی بود و نوادگان او سبط یهودا را تشکیل می‌داند. زمانی که شریعت را به موسی ابلاغ فرمود، ذکری از کهنات یهودا به میان نیاورد. لذا با توجه به این حقایق معلوم می‌شود که کهنات عیسی مسیح کاملاً یگانه و منحصر به فرد است و با کهنات کاهنان عهدعتیق تفاوت کلی و بنیادی دارد.

**۱۵-۱۶** **کهنات عیسی مسیح بر اساس شریعت و احکام جسمی استوار نبود.** کهنات عیسی مسیح بر اساس قوانین مذهبی یهود که کهنات را متعلق به لاویان می‌دانست، بنا نشده است. بلکه کهنات عیسی مسیح بر پایه **قوت حیات غیرفانی** بنیاد نهاده شده است (آیه ۱۶). کاهنان لاوی هر یک به نوبه خود زندگی می‌کردند و پس از مدتی رحلت می‌نمودند، حال آنکه مسیح تا ابد زنده است. از جانب دیگر، کهنات لاویان مبتنی بر قوانین جسمانی و

ملکيصدق تقدیم داشت. از این گذشته، ابراهیم از ملکيصدق برکت دریافت نمود. با توجه به این مطلب نتیجه می‌گیریم که ملکيصدق صاحب مقامی بالاتر از ابراهیم بوده است. و به توجه به این حقیقت، مشخص می‌شود که ملکيصدق دارای مقام و ارزشی بالاتر از تمام کاهنان اسرائیل می‌باشد.

**۸** تمامی کاهنان قوم یهود با گذشت زمان، می‌مُردند ولی کلام خدا **بر زنده بودن وی** (ملکيصدق) **شهادت** می‌دهد.

**۹-۱۰** با این ترتیب می‌توان گفت که لاویان که خود از قوم یهود ده یک می‌گرفتند، زمانی که هنوز در صُلب پدر خود ابراهیم بودند، به ملکيصدق ده یک دادند! زیرا زمانی که ابراهیم ده یک اموال خود را به ملکيصدق تقدیم نمود، لاویان و کاهنان قوم یهود، هنوز به دنیا نیامده بودند ولی به یک معنا، ایشان پیش از تولد خود، ده یک اموال خود را به ملکيصدق هدیه کردند.

### عیسی کاهنی به رتبه ملکيصدق (۷: ۱۱-۲۸)

**۱۱** در اینجا لازم است که به طور اجمالی نظری به تاریخ قوم یهود بیندازیم. ابراهیم پدر اسحاق بود و اسحاق پدر یعقوب بود. یعقوب که بعدها به اسرائیل ملقب گردید، صاحب دوازده پسر گشت و بدین ترتیب، قبایل دوازده گانه بنی اسرائیل، فرزندان و نوادگان این دوازده فرزند یعقوب می‌باشند.

لاوی سومین پسر یعقوب بود. حدود چهار صد سال پس از مرگ لاوی، یکی از نوادگان او با نام موسی، از جانب خدا مأموریت یافت که قوم یهود را رهبری کند. خدا شریعت را به موسی داد و او به نوبه خود، شریعت خدا را به قوم یهود بازگو نمود. در آن زمان، خدا به موسی فرمود که فرزندان لاوی باید کاهنان قوم بنی اسرائیل باشند. هارون، برادر کوچک‌تر موسی (یکی از

مقام کهنات اعظم منصوب کرد، **خداوند قسم خورد و تغیر اراده نخواهد داد**. در اینجا، نویسنده رساله از مزمو ۴:۱۱۰ نقل قول می‌نماید.

**۲۲** به خاطر این قول و قسم خداوند است که ما مطمئن هستیم که کهنات عیسی مسیح از کهنات لایوان بهتر و والاتر است. **به همین قدر نیکوتر است آن عهدی (عهد جدید) که عیسی ضامن آن گردید** (عبرانیان ۶:۸ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

**۲۳-۲۴** از زمان اولین کاهن اعظم (هارون) تا زمان نگارش این رساله، هشتاد و سه کاهن اعظم یکی پس از دیگر به خدمت خیمه خدا پرداخته بودند. ایشان هرکدام پس از مدتی مُردند و جای خود را به جانشین دیگری دادند. ولی عیسی **چون تا به ابد باقی است، کهنات بی‌زوال دارد**.

**۲۵** عیسی مسیح زنده است و دائماً از ما شفاعت می‌کند (رومیان ۳:۴ را مشاهده کنید). عیسی نه تنها شفیع ما است، بلکه وکیل مدافع ما نزد تخت قضاوت پدر آسمانی است. و از آنجا که او کهنات بی‌زوال و نیکوتری دارد، خدا به شفاعت وی توجه می‌کند. علاوه بر این، عیسی مسیح خود را برای گناهان ما فدیة نمود (عبرانیان ۲:۱۷). خدا دیگر ما را ملامت و محکوم نمی‌کند. از این گذشته، عیسی مسیح ما را **در وقت ضرورت اعانت** می‌کند (عبرانیان ۴:۱۶). کهنات عیسی بی‌زوال و ابدی است و به همین دلیل او هرگز از شفاعت کردن و دفاع از ما دست بر نخواهد داشت. او بر دست راست خدا نشسته است و همیشه دعاهای ما را به نزد پدر آسمانی برمی‌افزاید. با توجه به دلایل فوق مشخص می‌شد که عیسی مسیح قدرت دارد که ما را **نجات بی‌نهایت بخشد**. باشد که هرگز از ستودن این چنین منجی پُر محبتی خسته نشویم!

**۲۶** نویسنده رساله، از ستودن مزایای

وراثت و قومیت بود، در صورتی که کهنات عیسی مسیح به قوت خدای لایزال است.

**۱۷** نویسنده رساله بار دیگر از مزمو ۴:۱۱۰ نقل قول کرده، نشان می‌دهد که کهنات مسیح، فناپذیر است.

**۱۸ حکم سابق بعلت ضعف و عدم فایده آن** نسخ شده است. منظور از حکم سابق، همان احکام شریعت و قوانین مذهبی نظیر قربانی و مراسم و اعیاد مذهبی و یهودیان و کهنات لایوان می‌باشد. زمانی که عیسی مسیح به این جهان آمد، تمامی این قوانین و شریعت و مراسم مذهبی، **نسخ گردید** (متی ۵:۱۷-۱۸؛ کولسیان ۲:۱۳-۱۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

**۱۹** چرا شریعت سابق یهودیان، کهنه، **ضعیف و بی‌فایده بود؟** (آیه ۱۸). دلیل این امر این است که **شریعت هیچ چیز را کامل نمی‌گرداند**. اجرای مراسم مذهبی و اعمال دینی، فقط جسم و بدن و ظاهر افراد را پاک و کامل می‌گرداند، و از پاک ساختن درون و قلب و وجدان انسانها عاجز می‌باشد. اجرای قوانین شریعت هرگز توانایی عادل گرداندن انسانها را نداشته، برعکس قدرت شریعت در محکوم کردن افراد می‌باشد (رومیان ۱:۸-۳ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

عیسی مسیح، **آن امید نیکوتر** و آن کاهن ابدی و شفیع جاودان ما است که به وسیله آن **تقرب به خدا می‌جوییم**.

افراد ناپاک توان نزدیک شدن به خدا را ندارند. ولی به وسیله ایمان به عیسی مسیح، عدالت و پاکی مسیح، از آن ما خواهد شد و به خاطر عدالت عیسی مسیح، ما عادل و پاک خوانده خواهیم شد و قدرت تقرب جستن به خدا را خواهیم داشت. به همین علت است که در مقایسه با شریعت، عیسی مسیح، امید نیکوتر به جهت نجات می‌باشد.

**۲۰-۲۱** زمانی که خدا عیسی مسیح را به

کاهن اعظم ما عیسی مسیح است که به وسیله خدا معین شده است و خدا به حقانیتش قسم خورده است (آیه ۲۱). از این گذشته، او عیسی مسیح پسر خداست و تا ابد الابد کامل شده است.

### باب ۸

#### کاهن اعظم عهد جدید (۱:۸-۱۳)

۲-۱ کاهنان یهودی در خیمه‌های ساخته شده به دست بشر خدمت می‌کردند. ولی مکان خدمت عیسی مسیح در آن خیمه حقیقی است که خداوند آن را برپا نمود نه انسان. عیسی مسیح اینک بر دست راست خدا نشسته است و در آنجا از ما شفاعت می‌کند. کهنات یهودیان زمینی بود، حال آنکه عیسی در آسمانها به دست راست تخت کبریا نشسته است. کهنات عیسی مسیح، روحانی و آسمانی می‌باشد.

۳ کاهنان قوم یهود مجبور بودند پیش از حضور یافتن به نزد خدا، برای بخشایش گناهان خود هدایا و قربانی‌ها بگذرانند. ولی عیسی بی‌گناه و پاک بود و هیچ نیازی به گذرانیدن قربانی برای خود نداشت. پس از آنکه کاهن برای گناه خود قربانی به خدا تقدیم کرد، آنگاه به جهت بخشایش گناهان قوم، هدایا و قربانی‌ها را می‌گذرانند. بنابراین، نجات دهنده ما عیسی برای مغفرت گناهان ما انسانها، خویشتن را به حضور خدا قربانی کرد و بدین وسیله قوم خود را فدیة نمود.

۴ بر اساس شریعت یهود، از آنجا که عیسی از سبط لاویان نبود، اجازه کهنات نداشت. زیرا که براساس قوانین شریعت یهودیان، کاهنان قوم از قبیله لاوی (نوادگان هارون) برگزیده می‌شدند. ولی کهنات عیسی به این جهان تعلق نداشت و بنابراین مشمول قوانین این جهان نمی‌شد.

۵ کاهنان یهودی در خیمه ۱۴ خدمت

بی‌شمار عیسی مسیح دست بر نمی‌دارد و خصایص او را بر می‌شمارد. عیسی، نه تنها رئیس کهنه شایسته ما است؛ بلکه قدوس و بی‌آزار و بی‌عیب و از گناهکاران جدا شده و از آسمانها بلندتر گردیده است. عیسی مسیح کامل و شایسته است، و به همین دلیل کهنات او کامل و شایسته می‌باشد (عبرانیان ۳:۱؛ ۴:۱۵-۱۶ را مشاهده کنید).

۲۷ کاهنان یهودی مجبور بودند که ابتدا برای گناهان خودشان قربانی تقدیم کنند، ولی از آنجا که عیسی هرگز گناه نکرده بود، نیازمند گذراندن قربانی به جهت گناهان خود نبود (لاویان ۳:۴؛ ۱۶:۶؛ عبرانیان ۵:۱-۳).

از این گذشته، عیسی مسیح نیازی به تکرار قربانی خود بر صلیب ندارد، چنانکه کاهنان یهودی هر ساله این کار را می‌کردند (لاویان ۱۶:۳۴). زیرا عیسی مسیح خود را بر صلیب قربانی کرد و فدیة او بر صلیب یکبار و برای همیشه می‌باشد. قربانی مسیح کامل و پاک است و دیگر نیازی به تکرار آن نمی‌باشد.

چه قربانی عظیمی! عیسی مسیح جان پاک خود را برای نجات گناهان بشریت گمشده قربانی کرد. عیسی به این جهان نیامد تا مخدوم شود بلکه تا خدمت کند و تا جان خود را فدای بسیاری کند (مرقس ۱۰:۴۵). در شب آخر عمر خویش، پیش از آنکه او را به مرگ تسلیم کنند به شاگردان خود چنین فرمود: این است خون من از عهد جدید که در راه بسیاری ریخته می‌شود (مرقس ۱۴:۲۴). به همین علت است که ما شهادت می‌دهیم که به وسیله مرگ عیسی و به خاطر خون پاک وی، نجات یافته‌ایم.

۲۸ در اینجا نویسنده رساله یک مطلب دیگر را اضافه کرده، اعلام می‌کند که عیسی، پسر خدای تعالی است. بر اساس قوانین شریعت یهود، کاهنان اعظم انسانهایی معمولی (و به طور طبیعی ضعیف و گناهکار) بودند. ولی

۱۴- از آنجا که در ابتدا، قوم بنی‌اسرائیل در بیابان

خدا بود. از طرف دیگر، وظیفه قوم بنی اسرائیل این بود که قوانین خدا را اجرا کرده، نسبت به او وفادار بمانند (خروج ۱۹:۵؛ ارمیاء ۲۳:۷). اگر یهودیان از اطاعت خدا دست بردارند، آنگاه عهد باطل خواهد شد.

متأسفانه چون یهودیان از قوانین خدا سرپیچی کردند، عهد قدیمی با شکست مواجه شد (ارمیاء ۲۴:۷-۲۶). یهودیان نسبت به خدا و قوانین او وفادار نماندند به همین دلیل **خداوند می‌گوید من ایشان را واگذاردم** (آیه ۹). در عهدعتیق، یهودیان نه قدرت و نه اراده و میل اطاعت از قوانین خدا را داشتند. ایشان قادر به رها ساختن خود از بند و اسارت گناه نبودند. هرچند کاهنان قوم بنی اسرائیل هر سال به خاطر گناهان قوم خود قربانی می‌گذراندند، ولی یهودیان توانایی پاک زیستن و عدالت باطنی را نداشتند. و به خاطر ناپاکی و گناه باطنی‌شان، آنها قدرت حاضر شدن در حضور خدا را نداشتند.

ولی عهدجدید میان انسان و خدا، عهدجدید عیسی مسیح است. به همین دلیل است که نویسنده رساله، عیسی مسیح را متوسط این عهدجدید قلمداد می‌نماید. عیسی مسیح در بین انسانها و خدا ایستاده است. به وسیله این عهدجدید است که ما وعده‌های عهدجدید میان خدا و بشریت را دریافت می‌کنیم. خدا به ما می‌گوید: «اگر به پسر من عیسی مسیح ایمان آورید، من به شما نجات و حیات جاودانی هدیه خواهم نمود» (یوحنا ۱۶:۳). خدا به ما قول داده است که ما را نجات دهد و حیات جاودانی بخشد. او به ما قول داده

می‌کردند. ولی آن خیمه زمینی، مکان اصلی پرستش خدا نبود، بلکه **شیبه و سایه چیزهای آسمانی** بود.

موسی اولین مکان پرستش قوم یهود را بر اساس نمونه‌ای که خدا به وی نشان داده بود، ساخته بود. خدا به موسی فرمود: **آگاه باش که همه چیز را به آن نمونه‌ای که در کوه به تو نشان داده شد بسازی**. موسی خیمه پرستش یهودیان را بر اساس نمونه خیمه آسمانی بنا نموده بود. در اینجا، نویسنده رساله از خروج ۴۰:۲۵ نقل قول می‌کند.

بعضیها فکر می‌کنند که فقط چیزهایی که می‌شود دید و لمس کرد، واقعیت دارند. آنها فکر می‌کنند که چیزهای آسمانی و نادیدنی واقعیت ندارند. ولی کسی که روحانی باشد، می‌داند که در این جهان واقعیت‌های روحانی و نامرئی وجود دارند. به همین دلیل است که نویسنده رساله می‌گوید، خیمه زمینی مطابق نمونه آسمانی و روحانی آن بناگردیده بود.

همچنانکه در پنج آیه ابتدایی باب ۷ مشاهده کردیم، نویسنده رساله ثابت کرد که کهنات عیسی مسیح از کهنات تمامی کاهنان یهودی برتر و بالاتر می‌باشد. در اینجا نویسنده رساله یک نکته دیگر به گفته‌های قبلی خود اضافه می‌کند. او می‌گوید عیسی مسیح **متوسط عهدجدید** است. عهدی که از عهد قدیمی **نیکوتر نیز هست**. زیرا همانطور که کهنات عیسی مسیح به مراتب برتر از کهنات کاهنان یهودی می‌باشد، به همان ترتیب، عهدجدیدی که عیسی متوسط آن می‌باشد، به مراتب بهتر و برتر از عهد قدیمی است.

عهد قدیم چه بود؟ «عهد» عبارت از موافقت نامه و قرارداد میان دو نفر می‌باشد. براساس عهدعتیق، خدا به ابراهیم قول داده بود که فرزندان او (قوم بنی اسرائیل) را به عنوان قوم خاص خود، به طور مخصوصی برکت دهد (۱۲:۱-۳). اجرای این قسمت قرار داد به عهده

سینا در حرکت بودند، اولین مکان مقدس و قربانگاه ایشان، از خیمه‌ای مخصوص تشکیل شده بود. پس از آنکه بنی اسرائیل به سرزمین موعود رسیدند، سلیمان، پادشاه بزرگ یهودیان، مکانی در شهر اورشلیم به جهت پرستش قوم بنی اسرائیل بنا کرد.

محبت کردن و اطاعت از خداوند را خواهد بخشید. تنها یک شرط وجود دارد و آن ایمان داشتن به عیسی مسیح می‌باشد. پس می‌بینیم که این عهدجدید به مراتب برتر و بهتر از عهد قدیمی می‌باشد!

۷ اگر عهد اولیه بی‌عیب و خالی از اشکال بود، هیچ نیازی به عهدجدید وجود نمی‌داشت. ۸ ولی عهد قدیمی دارای یک اشکال بزرگ بود<sup>۱۵</sup>. اشکال عهد قدیمی در این بود که یهودیان نسبت به قرارداد خود وفادار نماندند.

نویسنده رساله در آیات ۸-۱۲ از ارمیای نبی ۳۱:۳۱-۳۴ نقل قول می‌کند. در این آیات خدا می‌فرماید: «ایبنک ایامی می‌آید که با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهدی تازه استوار خواهیم نمود». در زمان ارمیای نبی، قوم یهود به دو بخش اسرائیل (در شمال) و یهودا (در جنوب) تقسیم شده بودند. از این آیه فرا می‌گیریم که عهدجدید خدا، شامل همه فرزندان ابراهیم می‌گردد. هر کس که به عیسی مسیح ایمان آورد، از نظر روحانی فرزند ابراهیم محسوب می‌گردد (غلاطیان ۳:۷-۹ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

۹-۱۰ عهدجدید مانند آن عهد گذشته نمی‌باشد. زیرا عهد اولیه بر روی دو لوح سنگی نوشته شده بود (خروج ۳۱:۱۸). ولی اینک عهدجدید بر دل‌های ما نوشته شده است. در گذشته، انسانها قدرت پیروی کامل از عهد خدا را دارا نبودند. ولی در این عهدجدید، روح‌القدس به ما انسانها عطا شده است. با کمک نیروی روح‌القدس، ما قادر خواهیم بود که از خدا و احکام او پیروی کنیم. او نه تنها ما را قادر به پیروی از احکام الهی می‌گرداند، بلکه در

است که به ما روح‌القدس را خواهد داد. او ما را به عنوان فرزندخوانده خود به خانواده روحانی خود راه داده است. تنها کاری که ما باید انجام دهیم این است که به یگانه پسر او نجات دهنده خود عیسی مسیح ایمان بیاوریم.

در اینجا نویسنده رساله اعلام می‌کند که عهدجدید بر وعده‌های نیکوتر مرتب است. این وعده‌ها همان قولهایی هستند که در بالا ذکر کردیم. در آیات ۱۰-۱۲، نویسنده سه فقره از آن وعده‌های نیکوتر را ذکر می‌کند. اولین قول نیکوی خدا را از زبان ارمیای نبی می‌شنویم: «این است آن عهدی که بعد از آن ایام با خاندان اسرائیل استوار خواهیم داشت. که احکام خود را در خاطر ایشان خواهیم نهاد و بر دل ایشان مرقوم خواهیم داشت» (آیه ۱۰). قول دوم خدا این است که: «همه از خورد و بزرگ مرا خواهند شناخت» (آیه ۱۱). و سومین قول نیکوی خدا این است: «زیرا بر تقصیرهای ایشان ترجم خواهیم فرمود و گناهانشان را دیگر به یاد نخواهم آورد» (آیه ۱۲). این سه وعده خدا را به گونه زیر می‌توان خلاصه کرد که هرکسی که به مسیح ایمان آورد، خلقتی نو و فردی جدید خواهد شد (دوم قرنیتان ۵:۱۷). روح‌القدس او در درون ما زندگی خواهد نمود. خداوند فرموده است: «ایشان را یکدل خواهیم داد و در اندرون ایشان روح تازه خواهیم نهاد و دل سنگی را از جسد ایشان دور کرده، دل گوشتی به ایشان خواهیم بخشید تا در فرایض من سلوک نمایند و احکام مرا نگاه داشته، آنها را بجا آورند و ایشان قوم من خواهند بود و من خدای ایشان خواهم بود» (حزقیال ۱۱:۱۹-۲۰).

پس می‌بینیم که عهدجدید خدا با انسان به قرار زیر می‌باشد: «خدا به ما وعده حیات جاودان داده است. وی علاوه بر آن، به ما قول داده است که روح‌القدس را به ما خواهد بخشید تا در امر پیروی از احکام الهی و در مبارزه با گناه، ما را یاری کند. او به ما قدرت و اشتیاق

۱۵- باید توجه داشت که عهد قدیمی به خودی خود دارای هیچ عیبی نبود. این انسانها بودند که پُر از عیب بودند. در آیه ۸ می‌خوانیم که خدا قوم بنی‌اسرائیل را مورد ملامت قرار داد.

اطراف نورافشانی می‌کند، ولی زمانی که خورشید بیرون آمد و روز شد، دیگر به نور شمع نیازی نخواهد بود.

عهد اول، به وسیله ریختن خون حیوانات قربانی، تحکیم می‌شد (خروج ۲۴:۸). به همین ترتیب، در عهدجدید، به وسیله ریخته شدن خون عیسی مسیح، پیمان تازه خدا تحکیم گردید. به همین دلیل بود که عیسی مسیح در شام آخر پیاله را گرفت و فرمود: **این است خون من از عهدجدید که در راه بسیاری ریخته می‌شود** (مرقس ۱۴:۲۴؛ لوقا ۲۲:۲۰).

### باب ۹

**پرستش در خیمه زمینی (۹:۱-۱۰)**

**۱-۳** زمانی که خدا، قوم بنی اسرائیل را از سرزمین مصر بیرون آورد، با آنها پیمان نخستین خود را بست (خروج ۲۴:۷-۸). سپس به قوم بنی اسرائیل فرمود تا برای انجام مراسم پرستشی خیمه‌ای بنا کنند (خروج ۲۵:۸-۹). این خیمه، چادر بزرگی بود که شامل دو قسمت می‌گردید که توسط پرده‌ای از یکدیگر جدا می‌شدند. یکی از آن دو اتاق به **قدس مستمی گردید و در پشت، پرده دوم بود، آن خیمه‌ای که به قدس الاقداس مستمی است** (خروج ۲۶:۳۳) در میان قدس، **چراغدان** (خروج ۲۵:۳۱)، **میز** (خروج ۲۵:۲۳)، و **نان تقدّمه** (خروج ۲۵:۳۰) بود.

**۴-۵** در این آیات، نویسنده رساله به تشریح محتویات اتاق دوم یعنی **قدس الاقداس** می‌پردازد. در این اتاق **مَجْمَر زَرّین** بخور (خروج ۳۰:۱) و **تابوت شهادت که همه اطرافش به طلا آراسته بود**، (خروج ۲۵:۱۰) قرار داشت. محتویات تابوت شهادت عبارت بودند از **حَقّه طلا که پر از مَن بود** (خروج ۳۱:۱۶-۳۳)، **عصای هارون که شکوفه آورده بود** (اعداد ۱۷:۱-۵؛ ۸، ۱۰-۱۱)، و **دو لوح عهد که بر روی آنها خدا ده فرمان را نوشته بود** (خروج ۲۴:۱۲؛ ۲۵:۱۶؛

ما میل پیروی از آنها را نیز ایجاد می‌کند. به کمک روح القدس قادر خواهیم بود که همصدا با داود بگوییم: **در بجا آوردن اراده تو ای خدای من رغبت می‌دارم و شریعت تو در اندرون دل من است** (مزمو ۴۰:۸).

**۱۱** یهودیان رسوم و شریعت خدا را به یکدیگر تعلیم می‌دادند. ولی در عهدجدید، دیگر به این کار نیازی نیست، زیرا خدا شخصاً به وسیله روح القدس در درون قلب‌های تک‌تک ایمانداران حاضر می‌باشد. و همانگونه که کودکان پدر خود را می‌شناسند، ما ایمانداران نیز قادر به شناختن خداوند خواهیم بود. عیسی مسیح فرمود که اینگونه شناختن خدا، حیات جاودانی منجر به داشتن حیات جاودانی خواهد گردید (یوحنا ۳:۱۷).

**۱۲** به خاطر عهدجدید گناهان ما بخشیده شده است. به خاطر قربانی کامل عیسی، ما پاک و کامل گردیده‌ایم. تنها به وسیله خون عیسی مسیح می‌شود آمرزش گناهان را به دست آورد. تنها به وسیله عیسی مسیح، می‌توان به نزد خدا حضور یافت. فقط به کمک مسیح نیروی پاک زیستن و تقدس را به دست خواهیم آورد. به همین جهت است که عیسی مسیح، **متوسط** عهدجدید لقب گرفته است (عبرانیان ۹:۱۵).

**۱۳** با توجه به آنچه که در آیات ۸-۱۲ خواندیم، متوجه ابعاد عظیم عهدجدید می‌شویم. عهدجدید، قانون خدا است که به توسط روح القدس بر قلبهای انسانها نوشته شده است. به همین جهت است که پولس رسول، خود و دیگر رسولان مسیح را با عنوان **خادمین عهدجدید معرفی کرده می‌گوید: او ما را کفایت داد تا عهدجدید را خادم شویم، نه حرف را بلکه روح را** (دوم قرنتیان ۳:۶). پس اگر عهدجدید و تازه آمده است، عهد قدیمی **کهنه** محسوب می‌شود و آنچه **کهنه و پیر شده است، مشرف بر زوال است**. پیمان قدیمی مانند شعله شمع می‌باشد. تا وقتی شب است، شعله شمع به



**مکان اقدس ظاهر نمی‌شود.** ولی زمانی که عیسی مسیح به این جهان آمد، او با قربانی کردن بدن مقدس خود، راه حضور به نزد خدا را با خون پاک خویش باز نمود (آیه ۱۲). عیسی مسیح با این عمل خود، گناهان همه کسانی را که به او ایمان آورند فدیة خواهد کرد و راه درگاه خدا را بروی ایمانداران باز نمود.

**۹-۱۰** قربانی‌ها و مراسم مذهبی عهدعتیق قدرت پاک ساختن وجدان افراد را دارا نمی‌باشد. زیرا که بدون داشتن وجدان پاک و سالم، هیچ کس توانایی راه یافتن به درگاه خدا را نخواهد داشت. تنها به وسیله خون عیسی مسیح است که وجدان مقصر ما پاک خواهد شد. و به خاطر فدیة عیسی مسیح است که روح القدس در درون ما زندگی خواهد نمود و تنها به وسیله کمک او **عبادت کننده از جهت ضمیر** (وجدان) کامل خواهد گردید.

پس نتیجه می‌گیریم که **فرايض جسدی** عهدعتیق فقط **تازمان اصلاح** یعنی تا زمان ظهور عیسی مسیح، متوسط عهدجدید، **مقرر شده است** (آیه ۱۰). پس از آمدن عهدجدید، عهدعتیق **مشرف به زوال است** (عبرانیان ۸: ۱۳).

### خون مسیح (۹: ۱۱-۲۲)

**۱۱** عیسی مسیح به این جهان آمد **تاریس کهنه نعمتهای آینده باشد.** او رئیس کهنه عهدجدید است (عبرانیان ۸: ۱، ۶ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

خدا در معدهای ساخته شده به دست بشر زندگی نمی‌کند (اعمال ۷: ۴۸؛ ۱۷: ۲۴). بلکه مکان اقامت او در آسمان است. او در **خیمه بزرگتر و کامل تر و ناساخته شده به دست یعنی که از این خلقت نیست**، ساکن است. و عیسی مسیح، رئیس کهنه آن خیمه آسمانی است. زمانی که عیسی مسیح به این جهان آمد، آن خیمه زمینی را نابود ساخته، خیمه آسمانی را جایگزین آن نمود. اکنون، دیگر همه انسانها قادر هستند که به

(۱۸: ۳۱). بر فراز تابوت شهادت **کروویان جلال که بر تخت رحمت سایه گستر می‌بودند**، قرار داشت (خروج ۱۸: ۲۵). کروویان جلال، سمبل و نشانه جلال خدا بودند. **تخت رحمت** یا مکان فدیة، در واقع در تابوت شهادت بود که هر سال کاهن اعظم خون قربانی را بر روی آن می‌پاشید تا به خاطر رحمت خدا، قوم فدیة گناهان را دریافت کنند (خروج ۱۷: ۲۵، ۲۲).

**۶-۷** خدا هر سال یکبار در مکان مقدس ظاهر می‌شد تا با قوم خویش به طور مخصوصی ملاقات کند (لاویان ۲: ۱۶). در آن زمان، تنها کاهن اعظم، آنها پس از آنکه برای گناهان خود قربانی می‌گذراند، اجازه حضور در قدس الاقداس و ملاقات با خداوند را داشت (لاویان ۶: ۱۶). پس از آنکه کاهن اعظم برای گناهان خود قربانی تقدیم کرد، آنگاه می‌توانست برای قوم شفاعت کند (لاویان ۹: ۱۶). پس می‌بینیم که هرگاه کاهن اعظم وارد قدس الاقداس می‌شد، با خود خون حیوانات قربانی را به همراه می‌آورد (لاویان ۱۴: ۱۶-۱۵). ولی قربانی و هدایای کاهن اعظم کافی و ماندگار نبودند زیرا که کاهن اعظم مجبور بود که هر سال آن مراسم را تکرار کند.

کاهن اعظم فقط برای گناهی که قوم بنی اسرائیل به خاطر **جهالت** و نادانی مرتکب شده بودند کفاره می‌کرد (آیه ۷). براساس شریعت عهدعتیق، هیچ قربانی و بخششی برای کسی که به طور عمدی مرتکب گناه می‌شد، وجود نداشت (عبرانیان ۱۰: ۲۶ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

**۸** براساس آنچه گفته شد، مشاهده می‌کنیم که تنها یک نفر اجازه حاضر شدن به نزد خدا را دارا بود. فقط کاهن اعظم آنها سالی یک بار می‌توانست به نزد خدا حضور یابد و راه ورود به پیشگاه خدا برای دیگر یهودیان بسته بود. **مادامی که خیمه اول بر پاست** یعنی تا زمانی که عهد قدیمی هنوز به قوت خود باقی است، **راه**

**خواننده شدگان وعده میراث ابدی را دریافت** خواهند نمود. آن «میراث ابدی» عبارت است از بخشایش گناهان، نجات و حیات ابدی (عبرانیان ۲۷:۷؛ ۶:۸ و تفسیر آن را مشاهده کنید). عهد قدیمی قادر نبود که انسانها را از اسارت روحانی ایشان آزاد سازد. ولی اکنون به واسطه عیسی مسیح، ما آزاد شده‌ایم (رومیان ۱:۸-۲ را مشاهده کنید).

**۱۶-۱۷** به جهت اجرای هر **وصیتی** ۱۶ ابتدا باید صاحب وصیت بمیرد. به همین طریق، تنها پس از مرگ عیسی مسیح، وصیت جدید یا عهد جدید به موقع اجراء خواهد آمد. **۱۸-۲۰** به همین ترتیب، وصیت اول (عهد قدیم) نیز با موت حیوانات قربانی رسمیت پیدا می‌کرد (خروج ۸:۲۴ را مشاهده کنید).

در عهدعتیق **پشم قرمز و زوفا** ۱۷ از اسباب و لوازم پرستش و تقدیم قربانی محسوب می‌گردید (سفر اعداد ۶:۱۹ را مشاهده کنید).

**۲۱-۲۲** کاهن عهدعتیق، تنها به وسیله تقدیم قربانی به جهت گناهان خود و بقیه قوم، می‌توانست خود و مردمش را فدیة دهد. به همین جهت بود که خدا به یهودیان امر فرموده بود که خون حیوان قربانی را بر هر چه در درون خیمه وجود دارد، بپاشند (لاویان ۱۶:۱۴-۱۹).

به همین ترتیب نیز در عهد جدید، انسانها فقط به وسیله ریخته شدن خون یک قربانی بی‌عیب و کامل، پاک خواهند شد. به همین جهت بود که عیسی مسیح خون پاک خود را ریخت تا ما را از گناهانمان پاک سازد.

۱۶- در زبان یونانی، برای وصیت و عهد، از یک کلمه استفاده می‌شود.

۱۷- زوفا یک نوع بوته‌ای است مانند بوته جارو که به جهت پاشیدن خون و یا آب مورد استفاده قرار می‌گرفت.

عوض رفتن به یک مکان مقدس، خدا را در هر جا به روح و راستی پرستش کنند (مرقس ۱۴:۵۸؛ یوحنا ۴:۲۱، ۲۳-۲۴).

**۱۲** گفتیم که کاهنان عهد قدیم، به جهت وارد شدن به حضور خدا با خون **بزها و گوساله‌ها** خویشان را فدیة نموده، پاک می‌ساختند. زیرا فقط به وسیله ریختن خون، آمرزش گناهان و اجازه حاضر شدن به نزد خدا حاصل خواهد گردید (آیه ۷). ولی عیسی مسیح **به خون خود، یک مرتبه فقط به مکان اقدس داخل شد و فدیة ابدی را یافت.**

**۱۳** **خون بزها و گاوان** تنها ظاهر و بیرون افراد را پاک می‌سازد. در این آیه **خاکستر گوساله**، اشاره به لاویان ۹:۱۹ است.

قوم یهود بر مسائل ظاهری تأکید بسیاری داشتند. ولی عیسی مسیح تعلیم می‌داد که پاک ساختن درون انسان از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد (مرقس ۷:۲۰-۲۳ را مشاهده کنید). خون بزها و گاوان، هرگز قادر به پاک‌سازی درون ما نخواهند بود.

**۱۴** نویسنده رساله می‌گوید که خون حیوانات قربانی **ضمیر شما را از اعمال مرده ظاهر نخواهد ساخت تا خدای زنده را خدمت نمایند.** اما خون مسیح قدرت پاک‌سازی درون و مقدس‌سازی وجدان ما را دارا می‌باشد. مسیح وجدان مقصر و بیمار ما را پاک گردانده شفا می‌دهد و با بخشش گناهانمان، ما را برای خدمت خدا آماده می‌سازد.

در عهدعتیق، خدا به یهودیان امر فرموده بود که گوسفند «بی‌عیب» را قربانی کنند. اینک در عهد جدید، عیسی مسیح **به روح ازلی خویشان را بی‌عیب به خدا گذراند.**

**۱۵** به وسیله مرگ عیسی مسیح بر روی صلیب، گناهان ایمانداران بخشیده می‌گردد و ایشان از بندگی گناهان خود آزاد می‌شوند. عیسی مسیح با مرگ خود بر صلیب، **متوسط عهد تازه‌ای گردید، عهدی که به خاطر آن**

## فدیه غیر قابل قیاس مسیح (۲۳:۹-۲۸)

**۲۳** مثل‌های چیزهای آسمانی یعنی خیمه‌های زمینی، با خون حیوانات قربانی **ظاهر می‌شود**. ولی خیمه‌های سماوی با **قربانی نیکوتر از اینها**، یعنی خون عیسی مسیح طاهر و مقدس می‌گردید.

از یک جهت، ما ایمانداران خیمه‌های سماوی خداوند می‌باشیم (افسیان ۲:۲۲؛ اول پطرس ۵:۲ را مشاهده کنید). و از آنجا که ما خیمه‌های روحانی خدا هستیم و روح القدس در ما سکونت دارد، پس باید خود را به **قربانی‌های نیکوتر** یعنی خون عیسی مسیح، پاک و طاهر سازیم. ما ایمانداران با قربانی کامل عیسی مسیح، پاک و طاهر گردیده‌ایم. به خاطر عیسی مسیح، ما از بندگی گناه آزاد شده‌ایم، ما به **خون گرانبها چون خون بزّه بی‌عیب و بی‌داغ یعنی خون مسیح** خریداری شده‌ایم (اول پطرس ۱:۱۸-۱۹).

**۲۴** در اینجا نویسنده همان مطالب عبرانیان ۱:۸-۲ را تکرار می‌کند.

**۲۵-۲۶** فدیۀ مسیح یکبار و برای همیشه بوده است و دیگر نیازی به تکرار کردن آن نمی‌باشد. عیسی مسیح به وسیله مرگ خود، همه گناهان ما را به طور کامل فدیۀ نموده است (آیه ۲۶).

**۲۷-۲۸** از آنجا که انسانها یک بار بیشتر نخواهند مُرد پس قربانی ساختن مکرر عیسی مسیح محال خواهد بود. قربانی عیسی مسیح، یک بار و برای همیشه، به جهت برداشتن گناه جهان کافی بود (یوحنا ۱:۲۹ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

مرگ، **جزا یافتن** و ایستادن در برابر تخت داوری خدا را به همراه خواهد داشت. ولی مرگ عیسی مسیح، نه تنها مجازات و داوری را در پی نداشت، بلکه **برای کسانی که منتظر او می‌باشند**

نجات و رستگاری را به ارمغان آورده است. عیسی مسیح بار دیگر باز خواهد گشت. در آن زمان ما نجات و میراث کامل خود را دریافت خواهیم نمود. پس با توجه به امیدی که در مسیح داریم، خسته خاطر نشویم و با صبر و استقامت در ایمان خویش رشد کنیم (عبرانیان ۱۲:۶).

### باب ۱۰

## قربانی مسیح، یکبار و برای همیشه (۱:۱۰-۱۸)

**۱** شریعت یهودیان و مراسم قربانی و خیمۀ پرستشگاه، همگی **سایه نعمتهای آینده** می‌باشند (عبرانیان ۸:۵ را مشاهده کنید). نعمتهای آینده عبارتند از: صلیب مسیح، کهنات او، نجات و حیات جاودانی که مسیح برای ما فراهم آورده، و برکتهای روحانی حاصل از ایمان به عیسی مسیح.

شریعت یهود و **قربانیایی که پیوسته می‌گذرانند**، سایه و شبیه نعمت عیسی مسیح بوده، **هرگز نمی‌توانند... تقرّب جویندگان را کامل گردانند**. تنها خون عیسی مسیح قدرت پاک‌سازی قلب انسانها را دارا می‌باشد. زیرا فقط با قلب و وجدان پاک قدرت و توان ایستادن در مقابل خداوند را دارا خواهیم بود (عبرانیان ۹:۹).

**۲** شریعت و قوانین مذهبی به این علت قدرت پاک ساختن کسی را ندارند که حتی پس از تقدیم قربانی، پرستش کنندگان هنوز **گناهان را در ضمیر** یا وجدان خود حس می‌کردند. پس از تقدیم قربانی هنوز وجدان مقصر پرستش کنندگان را آزار می‌داد. زیرا خون حیوانات قربانی قدرت پاک ساختن وجدان افراد را دارا نمی‌باشد. به همین علت است که قوانین شریعت افراد را به تقدیم مکرر و مجدد قربانی مکلف می‌ساخت.

وجدان و ضمیر مقصر و آلوده مانع نزدیک

شدن افراد به خدا می‌گردد. در مزمو ۱۸:۶۶  
می‌خوانیم: **اگر بدی را در دل خود منظور  
می‌داشتی، خداوند مرا نمی‌شنید.**

ولی به واسطه قربانی عظیم مسیح، وجدان  
آن کسانی که به او ایمان آورده‌اند، یکبار و برای  
همیشه، پاک خواهد شد. عیسی مسیح به  
شاگردان خود فرمود: **کسی که غسل یافت محتاج  
نیست مگر به شستن پایها، بلکه تمام او پاک است و  
شما پاک هستید** (یوحنا ۱۳:۱۰). پولس رسول  
به قرنتیان نوشت: **لکن غسل یافته و مقدس  
گردیده و عادل کرده شده‌اید به نام عیسی خداوند  
و به خدای ما** (اول قرنتیان ۶:۱۱). زمانی که ما به  
عیسی مسیح ایمان می‌آوریم به وسیله خون  
پاک او شسته و پاک خواهیم شد. غسل تعمید،  
نشانه ظاهری پاک شدن وجدان و درون ما  
می‌باشد.

**۳-۴** قربانی **گاوها و بزها** قدرت نداشت که  
رفع **گناهان را بکند** (آیه ۴). این قربانی‌ها فقط  
یادآور گناهان قوم بنی‌اسرائیل بودند. ولی در  
عهد جدید خدا می‌گوید: **گناه ایشان را دیگر به یاد  
نخواهم آورد** (ارمیا ۳۱:۳۴؛ عبرانیان ۸:۱۲).  
زمانی که خدا گناهان ما را بخشید و آنها را رفع  
نمود، وجدان ما را پاک می‌سازد.

داود پادشاه می‌دانست که خون بزها و گاوها  
قادر به پاک ساختن وجدان او نبود. از این سبب  
او به درگاه خدا ناله برآورد و گفت: **ای خدا به  
حسب رحمت خود بر من رحم فرما؛ به حسب  
کثرت رأفت خویش گناهانم را محو ساز. مرا از  
عصیانم به کلی شست و شوده و از گناهانم مرا ظاهر  
کن... روی خود را از گناهانم بپوشان و همه  
خطایای مرا محو کن. ای خدا دل ظاهر در من  
بیافرین و روح مستقیم در باطنم تازه بساز... زیرا  
قربانی را دوست نداشتی والا می‌دادم. قربانی  
سوختنی را پسند نکردی. قربانی‌های خدا روح  
شکسته است. خدا یا دل شکسته و کوبیده را خوار  
نخواهی شمرد** (مزمو ۵۱:۱-۲، ۱۰، ۱۶-۱۷).  
**۵-۷** در اینجا نویسنده عبرانیان از مزمو

۴۰:۶-۸ نقل قول می‌کند. در این آیات بار دیگر  
می‌خوانیم که خدا به قربانی حیوانات علاقه  
ندارد. آنچه که خدا را راضی می‌سازد، لاشه و  
خون حیوانات ذبح شده نیست، بلکه او طالب  
کسی است که **جسد** (تمامیت وجود خود را) در  
راه انجام اراده او به خدا تقدیم نماید. به همین  
دلیل بود که او در عیسی مسیح، **جسدی** برای  
خود مهیا ساخت. عیسی مسیح فردی بود که  
اراده خدای پدر را به طور کامل به انجام رسانید  
(آیه ۵). پس زمانی که عیسی مسیح در کمال  
اطاعت و عبودیت، جسد خود را به خدا تقدیم  
نمود، خدا از هدیه و قربانی او کاملاً راضی  
گردید. زیرا که مسیح فرمود: **اینک می‌آیم تا  
اراده تو را ای خدا بجا آورم** (آیه ۷). اطاعت  
مطلق عیسی مسیح، باعث رضایت خدا و  
فرونشاندن خشم مقدس او گردید. در عهدعتیق  
می‌خوانیم که سموئیل نبی چنین گفت: **آیا  
خداوند به قربانی‌های سوختنی و ذبایح خشنود  
است یا به اطاعت فرمان خداوند؟ اینک اطاعت از  
قربانی‌ها و گوش گرفتن از پیه قوچها نیکوتر است**  
(اول سموئیل ۱۵:۲۲).

طوماری که در آیه ۷ ذکرش به میان رفته  
است، همان عهدعتیق می‌باشد که شامل  
نبوتهای متعددی در رابطه با مسیح بود. عیسی  
مسیح، تمامی آن نبوتها را در وجود خود به  
کمال رسانده بود. در عهدعتیق اراده خدا شرح  
داده شده بود و در عیسی مسیح اراده خدا به  
انجام رسیده بود.

**۸-۹** زمانی که عیسی مسیح آمد تا خود  
را به صورت یک قربانی کامل و عالی به جهت  
گناهان بشریت تقدیم دارد، او عهد **اول**  
(عهدعتیق) را از میان برداشت تا اینکه بتواند  
**دوم را استوار سازد** (آیه ۹).

**۱۰** عیسی مسیح با به انجام رساندن اراده  
خدا و اطاعت کامل از او و با قربانی ساختن او،  
ما را از نظر ظاهر و باطن مقدس و پاک ساخت.  
اراده خدا بر این قرار گرفته بود که عیسی مسیح

تا زمانی که در این عالم خاکی زندگی می‌کنیم، باید هر روز در پی پاک و مقدس شدن باشیم (فیلیپان ۱: ۶؛ ۲: ۱۲-۱۳ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

**۱۵-۱۸** در اینجا بار دیگر نویسنده رساله از کتاب ارمیای نبی ۳۱: ۳۴-۳۱ نقل قول می‌کند (عبرانیان ۸: ۱۰، ۱۲-۱۳ را مشاهده کنید). توجه داشته باشید که **روح القدس** از زبان ارمیای نبی سخن می‌گوید. ما باید به یاد داشته باشیم که کتاب مقدس، کلام خداست و به خاطر الهام مستقیم روح خدا نوشته شده است. نویسنده رساله، با تکرار نبوت ارمیای نبی، بر این حقیقت تأکید می‌نماید که اینک عهد جدید و نبوت ارمیای نبی، تحقق پذیرفته است. هم اکنون کلام و قوانین خدا بر قلب ایمانداران ثبت گردیده است. اکنون خداوند، گناهان ایمانداران را به خاطر نمی‌آورد و زمانی که گناهان ما به دست فراموشی سپرده شده باشد، دیگر نیازی به تقدیم قربانی نخواهد بود (آیه ۱۸).

### طریقی جدید و زنده (۱۰: ۱۹-۲۵)

**۱۹** اینک به بخش مهمی از این رساله می‌رسیم. در نُه باب اول این رساله، نویسنده به تشریح مطالبی نظیر: عهد جدید و عهد عتیق، کهانت قدیمی و کهانت تازه، قربانی در عهد عتیق و قربانی عیسی مسیح در عهد جدید پرداخت. درک این مطالب ممکن است کمی مشکل باشد. به همین دلیل نویسنده رساله در این قسمت از رساله به تشریح نکات مهم زندگی مسیحی می‌پردازد.

**پس** (با توجه به آنچه گفته شد) **چونکه به خون عیسی دلیری داریم تا به مکان اقدس داخل شویم**<sup>۱۸</sup>.... **پس به دل راست، در یقین ایمان،**

۱۸- باید به یاد داشت که به منظور داخل شدن به مکان اقدس باید از «پرده» خاصی که قدس را از

جسم و جان خود را به عنوان قربانی کامل و پاک به خدای پدر تقدیم نماید. اینک به خاطر اطاعت عیسی مسیح، ما را **در حضور خود مقدس و بی‌عیب و بی‌ملامت حاضر سازد** (کولسیان ۱: ۲۱-۲۲).

**۱۱-۱۲** در اینجا نویسنده رساله همان موضوعات آیات ۱: ۳؛ ۷: ۲۷؛ ۹: ۲۵-۲۶ را تکرار می‌کند. کاهنان عهد عتیق موظف بودند که به طور مکرر قربانی بگذرانند. ایشان هیچگاه اجازه نداشتند که در حضور خداوند بنشینند. کار آنها تمام نمی‌شد. ولی عیسی مسیح نه تنها پس از قربانی خود، در حضور خدا نشست؛ بلکه او بر روی تخت سلطنت **به دست راست خدا بنشست تا ابد الابد**. خدای پدر، عیسی را پس از مرگ به بالاترین جایگاه جلال و کبریایی، یعنی نشستن به دست راست خود، ارتقاء داد (فیلیپان ۲: ۸-۹).

**۱۳** عبرانیان ۱: ۱۳ و تفسیر آن را مشاهده کنید.

**۱۴** دیدیم که نویسنده، در آیه ۱۰ گفت: **به این اراده مقدس شده ایم به قربانی جسد عیسی مسیح**. اینک در آیه ۱۴ می‌خوانیم که عیسی مسیح: **به یک قربانی مقدسان را کامل گردانیده است تا ابد الابد**. منظور نویسنده این است که از نظر خدا، ما ایمانداران عادل کرده شده ایم (گناهان ما بخشیده شده است) (رومیان ۵: ۱): کار مسیح تمام شده است؛ و ما که به او ایمان آورده ایم، به طور کامل و برای همیشه پاک و عادل کرده شده ایم.

هرچند که ما از نظر خدا به طور کامل پاک و عادل کرده شده ایم، ولی ما هنوز مرتکب گناه می‌شویم و در زندگی خود کاملیت و پاکی مطلق و قدوسیت کامل را تجربه ننموده ایم. خدا از ما می‌خواهد که هر روز بیشتر در طریق قدوسیت تلاش کنیم. او می‌خواهد ما را در عالم و در این زندگی زمینی، مقدس سازد. هرچند ما کاملاً مقدس و پاک هستیم، ولی از سوی دیگر

عیسی مسیح، یک مرتبه فقط. اینک در این آیه و آیه ۲۹، نویسنده رساله می‌گوید که ما به خاطر خون عیسی مسیح، مقدس شده‌ایم. به عبارت دیگر، با توجه با آیات مذکور، یک نکته مهم مشخص و ثابت می‌شود که به وسیله مرگ و رستخیز و خون عیسی مسیح، ما مقدس و عادل شده‌ایم. عیسی مسیح خود را برای گناهان ما تقدیم کرد، بدن او بر صلیب کشیده شد و خون او ریخته شد، تا اینکه قربانی گناهان ما به انجام رسیده بهای خطایای ما پرداخت شود. باید دانست که برای ما ایمانداران، خون و جسم مسیح، از اهمیت خاصی برخوردار است. در شام آخر، عیسی مسیح نان را گرفته، شکر نمود و پاره کرده، به ایشان (شاگردان خود) داد و گفت: «این است جسد من که برای شما داده می‌شود...» همچنین بعد از شام پیاله را گرفت و گفت: «این پیاله عهد جدید است در خون من که برای شما ریخته می‌شود» (لوقا ۲۲: ۱۹-۲۰). در جایی دیگر، عیسی مسیح به شاگردان خود چنین فرمود: «آمین آمین به شما می‌گویم اگر جسد پسر انسان را نخورید و خون او را ننوشید، در خود حیات ندارید. و هر که جسد مرا خورد و خون مرا نوشید، حیات جاودانی دارد و من در روز آخر او را خواهم برخیزانید» (یوحنا ۶: ۵۳-۵۴). همانطور که در عهدعتیق بدون ریختن خون آمرزش محال بود (عبرانیان ۹: ۲۲)، به همین ترتیب در عهد جدید نیز، لازم بود که عیسی مسیح برای گناهان ما بمیرد و خون او ریخته شود تا اینکه به واسطه خون عیسی مسیح آمرزش حاصل گردد.

۲۵ چگونه می‌توان وارد آن مکان اقدس یعنی حضور پر اُبّهت خدای پدر شد؟ از طریق تازه و زنده که (عیسی مسیح) آن را به جهت ما از میان پرده یعنی جسم خود مهیا نموده است.

قدس‌الافداس جدا می‌ساخت، عبور نمود (عبرانیان ۳: ۹).

دل‌های خود را از ضمیر بد پاشیده و بدنه‌های خود را به آب پاک غسل داده، نزدیک بیابیم (آیه ۲۲). دیگر لازم نیست که برای ملاقات با خدا صبر کنیم، زیرا که به وسیله خون عیسی مسیح، راه مکان مقدس باز شده است و با ایمان می‌توانیم با خدا ملاقات کرده، از حضور او برکت یابیم. بیاید لحظه‌ای به اولین کلمه این آیه، یعنی کلمه پس بیندیشیم. در عهد جدید، بارها مطالب مهم به دنبال کلماتی از قبیل: «پس»، یا «بنابراین» می‌آیند (به عنوان مثال، رومیان ۵: ۱؛ ۱: ۸ را مشاهده کنید). خدا مقدس است، «پس» او گناهکاران را جزا خواهد داد. یا اینکه، خدا رحیم است، «پس» او مایل به بخشیدن گناهان ما می‌باشد. مسیح، عدالت ماست؛ «پس» توسط ایمان، ما نیز عادل کرده خواهیم شد. مسیح ما را از بندگی گناه و مرگ آزاد ساخته است، «پس» ما دیگر در اسارت گناه و موت نیستیم (رومیان ۸: ۱). مسیح کاهن اعظم ماست، او به واسطه هدیه عظیم خویش بر روی صلیب، ما را برای خود خرید و آزاد ساخت، پس هم اکنون به خون عیسی دلیری داریم تا به مکان اقدس داخل شویم. ما فرزندان خدا گردیده‌ایم، «پس» همانطور که فرزندان امتیاز رفتن به نزد پدر زمینی خود را دارند، ما نیز اجازه داریم که با دلیری به نزد پدر آسمانی خود رفته با او گفتگو نماییم (عبرانیان ۴: ۱۶ را مشاهده کنید).

در کدام مذهب و طریق دیگری، در کدام کهنات دیگری شاهد چنین امتیازی خواهیم بود؟ کدام منجی دیگری، قدرت پاک کردن گناهان بشر و آوردن ایشان به نزد خدا را خواهد داشت؟ چه کسی به غیر از مسیح می‌تواند ما را فرزندان خدای پدر گرداند؟ به منظور داشتن رابطه کامل با خدا، هیچ کس و هیچ راه دیگری جز ایمان به عیسی مسیح وجود ندارد.

نویسنده رساله در آیه ۱۰ خاطر نشان نمود که: به این اراده مقدس شده‌ایم، به قربانی جسد

مقدس او را نخواهند داشت (عبرانیان ۱:۶ را مشاهده کنید).

**دل راست**، یعنی قلبی خالی از دروغ، قلبی که به وسیله خون عیسی مسیح از نفرت و بدی و دروغ و بی‌ایمانی طاهر شده باشد. زیرا که تنها **پاک‌دلان** خدا را خواهند دید (متی ۵:۸). عیسی مسیح، کاهن اعظم ما، **ضمیر** ما ایمانداران را از **اعمال مرده طاهر** ساخت و ما را پاک و بی‌عیب به خدا تقدیم نموده است (عبرانیان ۹:۱۴). به وسیله خون پاک کننده عیسی مسیح، دل‌های ما از ضمیر بد پاشیده (و پاک) شده است (آیه ۲۲). نه تنها دل و وجدان ما توسط عیسی مسیح پاک گردیده است، بلکه بدن‌های ما نیز به آب، طاهر و پاک شده است (اول قرنتیان ۶:۱۱ را مشاهده کنید). غسل و شستشوی بدن‌های ما در زمان دریافت غسل تعمید به وقوع می‌پیوندد<sup>۱۹</sup>. پس به وسیله عیسی مسیح، ما هم از نظر برونی (شستشوی تعمید) و هم از نظر درونی و باطنی (روحانی) پاک و طاهر گردیده‌ایم.

**۲۳** نویسنده رساله یکبار دیگر ما را به پایداری و استقامت تشویق می‌کند: **اعتراف امید را محکم نگاه داریم**، یعنی در ایمانمان پایدار و مستحکم باقی بمانیم (عبرانیان ۳:۱۴ را مشاهده کنید). باشد که از اعتراف و امید به خدا خسته نشویم. باشد که از ایمان به مسیح جنبش نخوریم، زیرا که خدا از وفاداری نسبت به وعده‌هایش جنبش نخواهد خورد. انسان‌ها پیمان‌شکنی می‌کنند و ممکن است همیشه بر وعده‌های خود پایدار نمانند ولی خدا همیشه نسبت به قول و وعده‌های خود **امین** خواهد ماند. و از آنجا که به خدایی جنبش‌ناپذیر ایمان

عیسی مسیح فرمود: «**من راه و راستی و حیات هستم، هیچ کس نزد پدر جز به وسیله من نمی‌آید**» (یوحنا ۱۴:۶). از آنجا که عیسی مسیح، زنده می‌باشد، «طریق» رسیدن به خدا، «تازه و زنده» است. جسم مسیح، مانند پرده‌ای در میان قدس و قدس‌الاقداس می‌باشد (عبرانیان ۳:۹). میان خدا و انسان پرده‌ای ضخیم وجود داشت که در یکسوی آن خدا قرار داشت و انسانها در بیرون پرده قرار داشتند، عیسی مسیح با مرگ خود، آن پرده جدایی را از بین برد. به همین دلیل بود که پس از مرگ عیسی مسیح بر صلیب، او **آوازی بلند برآورده، جان بداد. آنگاه پرده هیکل از سر تا پا دو پاره شد** (مرقس ۱۵:۳۷-۳۸). اینک طریق خداوند کاملاً باز گردیده است. نه تنها عیسی مسیح، خود به **درون حجاب داخل شد** (عبرانیان ۶:۱۹-۲۰) بلکه ما نیز پس از آنکه از سوی وی با ایمان، بخشایش گناهان، عدالت و نجات را دریافت کردیم، قادر به رفتن به نزد خدا گردیده‌ایم.

**۲۱-۲۲** در اینجا خیمه الهی و مکان پرستش، **خانه خدا** نامیده شده است. از سوی دیگر می‌دانیم که ما ایمانداران، خانه خدا هستیم (عبرانیان ۳:۶). عیسی مسیح هم صاحب خانه، هم فرزند خانه و هم **کاهنی بزرگ** در خانه خداست.

به وسیله ایمان به مسیح، ما از تمامی حقوق و مزایای روحانی یک فرزند خدا بهره‌مند می‌گردیم. ما فرزندان خدا و وارثین ملکوت او خوانده می‌شویم (غلاطیان ۴:۴-۷). پس اجازه داریم به نزد خدا حضور یافته با او مشارکت داشته باشیم. هرچند ما فرزندان خدا هستیم، ولی باید به خاطر داشته باشیم که **به دل راست، در یقین ایمان، دل‌های خود را ضمیر بد پاشیده و بدن‌های خود را به آب پاک غسل داده، نزدیک بیاییم**. شرط اصلی نزدیک شدن به خدا، داشتن ایمان است زیرا بدون ایمان، حتی فرزندان واقعی توانایی نزدیک شدن به حضور

۱۹- باید به خاطر داشت که تعمید، صرفاً شستشوی بدن نبوده بلکه غسل تعمید نشانه پاکی روحانی و درونی افراد می‌باشد. جهت مطالعه بیشتر در این مورد مقاله عمومی: «تعمید آب» را مشاهده کنید.

است»، عبرانیان را تشویق کرده، دلگرمی می‌بخشد.

باشد که ما نیز همین فکر را داشته باشیم. ما از روز بازگشت مسیح با خبر نیستیم؛ ولی باید تا زمانی که زنده‌ایم و تا زمان بازگشت او، مقاومت کرده نسبت به خداوندمان وفادار بمانیم. زیرا در غیراین صورت، از میراث آسمانی خویش بی‌بهره خواهیم ماند (آیات ۳۵-۳۶ را مشاهده کنید).

### گناهای که دانسته مرتکب می‌شویم (۱۰:۲۶-۳۱)

۲۶-۲۷ زیرا که بعد از پذیرفتن معرفت راستی اگر عمداً گناهکار شویم<sup>۲۰</sup>، بخشایش گناهان یا قربانی گناهان باقی نیست (آیه ۲۶). زیرا که بر اساس آیه ۲۹، اگر از گناهان خود توبه نکنیم و به زندگی گناه‌آلود ادامه دهیم پسر خدا را پایمال کرده خون عهدی را که به آن مقدس گردانیده شده‌ایم ناپاک شمرده و روح نعمت را بی‌حرمت خواهیم نمود. اگر قربانی پسر خدا را ناچیز شماریم و روح نعمت (روح‌القدس) را بی‌حرمت کنیم، در حقیقت مرتکب گناه غیرقابل بخشش کفر به روح‌القدس گردیده‌ایم (مرقس ۳:۲۹ و تفسیر آن را مشاهده کنید). اگر مرتکب چنین عمل نادرستی شویم، مثل این است که ایمان خود را به کلی رها کرده، در دامان شرارت و گناه افتاده، نجات خود را از کف داده‌ایم. ولی در عین حال، این امکان وجود دارد که چنین شخصی هرگز به طور واقعی به مسیح ایمان نیاورده باشد (اول یوحنا ۳:۶).

۲۰- ترجمه صحیح‌تر عبارت اصلی «گناهکار شویم»، به قرار زیر می‌باشد: «اگر دائماً و به طور مرتب و از روی عادت گناه کنیم». به بیانی دیگر، روی سخن نویسنده رساله به اشخاصی است که بی‌توجه به کلام خدا و کار روح‌القدس، در گناه زندگی می‌کنند ولی گمان دارند خدا ایشان را مورد بخشش قرار خواهد داد.

داریم، می‌توانیم به تحقق وعده‌های او امیدوار باشیم.

۲۴ ولی اگر کسی از ایمانداران دچار لغزش شد و در ایمان و امید خود پایدار نماند، وظیفه ما تشویق و یاری آن شخص می‌باشد. ما موظف هستیم ملاحظه یکدیگر را بنماییم و برادران و خواهران ضعیف‌تر را به محبت و اعمال نیکو ترغیب نماییم. بیایید همدیگر را یاری کنیم مبدا یکی از برادران و خواهران ما دچار لغزش شده، از ایمان منحرف شود.

۲۵ برخی از عبرانیان، از ملاقات و پرستش با دیگر ایمانداران خودداری می‌کردند. باشد که این اتفاق بد در کلیسای مارخ ندهد! زیرا فقط به وسیله ملاقات و داشتن مشارکت است که قادر به تشویق و تقویت یکدیگر خواهیم بود.

بسیاری از مسیحیان بنابه دلایل متفاوت از ملاقات با یکدیگر و جمع شدن در کلیسا پرهیز می‌کنند. برای مثال، برخی از مسیحیان از ترس دولت و پلیس، از آمدن به کلیسا خودداری می‌نمایند. بعضی از مسیحیان ممکن است به دلایل شخصی و به خاطر تلخی روابط میان اعضای کلیسا، از آمدن در جماعت کلیسا سرباز زنند. و چه بسا برخی از مسیحیان به دلیل غرور و خودپسندی، حاضر به آمدن به محافل دعا و تشویق کردن دیگران و دریافت کمک و تشویق از سوی افراد دیگر، از آمدن به کلیسا امتناع می‌ورزند.

**بلکه یکدیگر را نصیحت کنیم و زیادتر به اندازه‌ای که می‌بینید که آن روز نزدیک است.**

منظور از «آن روز»، روز بازگشت ثانوی مسیح است. ایمانداران عبرانی در سختی و جفای شدیدی به سر می‌بردند و تنها مایه آرامش و امید ایشان بازگشت ظفرمندانه مسیح بود. آنها معتقد بودند که بازگشت مجدد مسیح بسیار نزدیک است. به همین جهت است که نویسنده رساله نیز با اشاره بر این که «آن روز نزدیک



**هولناک است.** این آیه، در درجه اول برای ایماندارانی است که پس از مدتی ایمان خود را رها می‌کنند. ما همیشه در باره محبت و رحم خدا صحبت می‌کنیم ولی باید به یاد داشته باشیم که خدا به آنانی که به طور عمدی نسبت به او مرتکب گناه شده، خون پسر یگانه‌اش عیسی مسیح را پایمال کند، ترحم نخواهد نمود.

### دعوت به استقامت (۱۰: ۳۲-۳۹)

**۳۲** در اوایل ایمانمان به عیسی مسیح، مملو از شور و شوق و هیجان هستیم. معمولاً اگر در آن روزهای ابتدایی ایمانمان با مشکلات و سختیها روبرو شویم، با شجاعت و اقتدار در مقابل مسائل ایستادگی می‌کنیم و حاضریم انواع مصایب را با شادی و خوشی تحمل کنیم. در ابتدای ایمان **متحمل مجاهده‌ای عظیم** با شیطان می‌شویم. عبرانیان نیز از این قاعده مستثنی نبودند (متی ۵: ۱۱-۱۲؛ اعمال ۵: ۴۱ را مشاهده کنید).

**۳۳** این ایمانداران عبرانی متحمل دشمنانها و زحمات زیادی شده بودند. آنها انگشت‌نمای مردم گردیده بودند. ولی داوطلبانه با دردها و زحمات ایمانداران دیگر، همدردی و همدلی می‌کردند. به همین دلیل است که نویسنده رساله به ایشان می‌گوید **شریک با کسانی می‌بودید که در چنین چیزها بسر می‌بردند.** اگر برادر و یا خواهری در رنج می‌بود، ایشان حاضر بودند که در رنج و درد او شریک شوند (اول قرنتیان ۱۲: ۲۶).

**۳۴** در زمان نگارش عهدجدید، افراد زندانی در شرایط بسیار سختی به سر می‌بردند. عده کثیری از آنها در اثر گرسنگی و بیماری و شکنجه جان می‌سپردند. در چنین شرایط مشکلی، خانواده و نزدیکان فرد زندانی با فراهم ساختن خوراک و دارو و پول، ایام حبس ایشان را قابل تحمل تر می‌ساختند. ولی زمانی که یکی

باید توجه داشت که در اینجا نویسنده رساله در باره گناهانی که به طور اتفاقی و گه‌گاه مرتکب می‌شویم سخن نمی‌گوید. زیرا ما انسانها به خاطر ضعف و نادانی و اشتباه مرتکب گناهانی می‌شویم و اگر از آنها توبه کنیم و از خدا درخواست بخشش نمایم، او ما را مورد مغفرت قرار خواهد داد (اول یوحنا ۱: ۹ و تفسیر آن را مشاهده کنید). برعکس، نویسنده رساله از افرادی سخن می‌گوید که دانسته و عمدتاً از فیض و مغفرت خدا سوءاستفاده کرده، بدون ناراحتی و تشویش و توبه، در گناه به سر می‌برند (عبرانیان ۶: ۴-۶ و تفسیر آن را مشاهده کنید). کسی که این چنین رفتاری داشته باشد، ایمانی واقعی ندارد!

**۲۸** بر اساس عهدعتیق، کسی که **شریعت موسی** (قوانین مذهبی یهود) را **خوار شمرد** مستوجب مجازات اعدام بود (تثنیه ۱۷: ۲-۷).

**۲۹** پس اگر شکستن و زیر پا نهادن شریعت موسی چنان مجازات سختی را در پی خواهد داشت، چقدر بیشتر **آن کس، مستحق عقوبت سخت‌تر شمرده خواهد شد که پسر خدا را پایمال کرد و خون عهدی را که به آن مقدس گردانیده شد، ناپاک شمرد و روح نعمت را بی‌حرمت کرد؟** اگر پس از سر سپردن به مسیح، او را رد کنیم، نه تنها مستوجب مرگ جسمانی خواهیم بود، بلکه از نظر روحانی نیز اعدام شده، به عوض حیات جاودانی در بهشت، ابدیت را در ملکوت ظلمت، بسر خواهیم بُرد.

**۳۰** در اینجا نویسنده رساله از تثنیه ۳۲: ۳۵-۳۶ نقل قول می‌کند. خدا، اعمال بد انسانها را **مکافات** خواهد داد. **خداوند قوم خود را داوری خواهد نمود.** او ایمانداران راستین را از ایمانداران ظاهر ساز جدا خواهد کرد. اگر ما که به او ایمان آورده‌ایم، ایمان خود را ترک کنیم، مورد داوری الهی قرار خواهیم گرفت (عبرانیان ۱۲: ۳).

**۳۱** **افتادن به دستهای خدای زنده چیزی**

---

DO NOT COUNT THIS PAGE

باید در میدان مشکلات صبور و پُر استقامت باشیم و تا به آخر در پیروی از اراده خداوند بکوشیم. در غیر این صورت از دریافت آن پاداشی که خدا به ما وعده فرموده است، بی‌نصیب خواهیم ماند.

**۳۷-۳۸** در اینجا نویسنده رساله از حبقوق ۲:۳-۴ نقل قول کرده می‌گوید: **بعد از اندک زمانی، آن آینده (عیسی مسیح) خواهد آمد و تأخیر نخواهد نمود** (دوم پطرس ۳:۸-۹ را مشاهده کنید). هر کس که به عیسی مسیح ایمان آورد، از سوی خدا عادل خوانده خواهد شد و به خاطر ایمان به عیسی مسیح، حیات جاودانی را از خدا دریافت خواهد نمود. **ولی اگر مرتد شود، نفس من (خدا) با وی خوش نخواهد شد.**

**۳۹** پس بیایید از ایمان به مسیح مرتد نشویم. زیرا اگر دست از ایمان و وفاداری به خدا برداریم، نه تنها پاداش خود را از کف خواهیم داد (آیه ۳۶)، بلکه ارتداد باعث **هلاک** شدن ما خواهد شد (مرقس ۸:۳۵؛ ۱۳:۱۳؛ لوقا ۱۹:۲۱ را مشاهده کنید).

## باب ۱۱

### مردان ایمان، از هابیل تا ابراهیم (۱۱:۱-۱۶)

**۲-۱** اصولاً ایمان انسانها را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: اول **چیزهای امید داشته شده**، یعنی آنچه که در آینده به وقوع خواهد پیوست؛ و **چیزهای نادیده**. ما انسانها به خدای نادیدنی ایمان داریم. و آنچه در آینده منتظرش هستیم (امید آینده ما)، همانا تحقق وعده‌های خداوند می‌باشد.

همانطور که اگر امری را با چشم خود ببینیم، از واقعی بودن آن مطمئن خواهیم شد، به همان ترتیب نیز، به وسیله ایمان از واقعیت امور نادیدنی و یا تحقق وعده‌های خدا در آینده، اطمینان حاصل خواهیم نمود. اگرچه در حال حاضر، انجام وعده‌های الهی را به چشم

از ایمانداران به زندان می‌افتاد، کمک‌رسانی به او امری بسیار مشکل و خطرناک می‌بود. ولی ایمانداران عبرانی، **با اسیران نیز همدرد** بودند. آنها کلام مسیح را به خاطر داشتند که فرمود: **«در حبس بودم به دیدن من آمدید ... آنچه به یکی از این برادران کوچکترین من کردید به من کرده‌اید»** (متی ۲۵:۳۴-۴۰).

بسیاری از ایمانداران عبرانی در اثر جفاها و به خاطر پیروی از عیسی مسیحی خانه و مایملک خویش را از دست داده بودند. ولی ایشان **تاراج اموال خود را نیز به خوشی** می‌پذیرفتند. آنها می‌دانستند که **در آسمان مال نیکوتر و باقی** از آن خود دارند (رومیان ۸:۱۸؛ دوم قرنتیان ۴:۱۷-۱۸ را مشاهده کنید).

ولی اینک، آن شور و هیجان و غیرت اولیه آنها به سردی گراییده بود. اینک آنها از جفا و خطر می‌گریختند. عبرانیان بار دیگر به جمع‌آوری مال و ثروت روی آورده بودند. ایشان دیگر آماده جفا دیدن برای مسیح نبودند. آیا کلیسای ما نیز در چنین وضعیتی قرار دارد؟ آیا شعله و حرارت محبت اولیه ما کم شده است؟ ای برادران و خواهران عزیز، نگذارید این چنین شود؟ به کلام عیسی مسیح توجه کنید که فرمود: **«صبر داری و بخاطر اسم من تحمل کردی و خسته نگشتی. لیکن بحثی بر تو دارم که محبت نخستین خود را ترک کرده‌ای. پس بخاطر آر که از کجا افتاده‌ای و توبه کن و اعمال نخست را بعمل آور و الا بزودی نزد تو می‌آیم و چراغدانان را از مکانش نقل می‌کنم اگر توبه نکنی»** (مکاشفه ۲:۳-۵).

**۳۵** بنابراین نویسنده رساله می‌گوید: **ولیکن ایام سلف** (گذشته) را به یاد آورید که بعد از آنکه **منور گردیدید** (آیه ۳۲). در آن روزها شما شجاع و با شهامت بودید پس **ترک نکنید دلیری خود** را.

**۳۶** خدا وعده داده است که او در آخر پاداشی بزرگ به ما عطا خواهد نمود. ولی ما

**عالم‌ها به کلمه خدا مرتب گردید، حتی آنکه چیزهای دیدنی از چیزهای نادیدنی ساخته شد.** خدا جهان را از هیچ به وجود آورد. او این عالم را به کلام خود مرتب ساخت؛ او گفت و جهان پدید آمد. پیش از آنکه خدا به آفرینش جهان اراده کند، هیچ چیز وجود نداشت (پیدایش ۱: ۳، ۹، ۱۱، ۲۴).

با تعمق و تفکر در جهان خلقت، قادر به کشف تمامی اسرار آسمان و زمین نمی‌باشیم. با تکیه بر عقل و دانش خود، توان شناخت آفریننده‌ارض و سما را نخواهیم داشت. ولی در سایه ایمان متوجه خواهیم شد که همه چیزهای دیدنی به واسطه خدای نادیده آفریده شده است.

**۴** هابیل و قائن پسران آدم ابوالبشر بودند (پیدایش ۴: ۱-۲). از آنجا که هابیل مردی درستکار بود ولی دل برادرش قائن از خدا دور بود؛ هدیه هابیل نزد خدا مورد قبول افتاد ولی خداوند هدیه قائن را نپذیرفت (۴: ۳-۷؛ اول یوحنا ۳: ۱۲). **قربانی شریبان نزد خداوند مکروه است، اما دعای راستان پسندیده او است** (امثال ۸: ۱۵).

**به ایمان هابیل قربانی نیکوتر از قائن را به خدا گذرانید و به سبب آن شهادت داده شد که عادل است؛** یعنی اینکه چون هابیل به خدا ایمان داشت، خدا نیز او را پاک و عادل خواند. در کتاب مقدس، ایمان و عدالت همیشه دست در دست یکدیگر داشته، غیرقابل تفکیک می‌باشند. به ایمان، هابیل نزد خدا عادل خوانده شد و قربانی اش مقبول افتاد.

سپس قائن، به خاطر خشم و عصبانیت خود، برادرش هابیل را به قتل رساند. ولی خون هابیل تا به امروز از خاک فریاد بر می‌آورد (پیدایش ۴: ۱۰). هابیل تا به امروز، برای ما نمونه و سرمشق عدالت و درستکاری است.

**۵** **خنوخ** نسل ششم از نوادگان آدم ابوالبشر بود (پیدایش ۵: ۲۱-۲۴). بر اساس پیدایش

نمی‌بینیم، ولی به وسیله چشمان ایمان، از وقوع آن وعده‌ها مطمئن هستیم.

پس ایمان عبارت است از داشتن اطمینان به این حقیقت که امور نادیدنی و چیزهای آینده به تحقق خواهند پیوست.

ولی موضوع به همینجا ختم نمی‌شود. ایمان واقعی به وسیله میوه آن یعنی محبت، اطاعت، و کارهای نیکو به ثبوت می‌رسد. اگر می‌گوییم به خدا ایمان داریم، باید از احکام او پیروی کنیم. تمامی افرادی که نویسنده رساله از آنها نام خواهد برد، به وسیله کارهای خود، صداقت ایمان خود را به ثبوت رسانده‌اند. ایمان بدون عمل، مُرده است (یعقوب ۲: ۱۴، ۱۷، ۲۰-۲۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

نویسنده رساله از ابتدای تاریخ بنی‌اسرائیل شروع کرده به ترتیب از مردان ایمان نام می‌برد. در تک‌تک موارد، ایمان محکم ایشان به خدا باعث نمونه شدن آنها گردیده است. ایشان به وعده خدا ایمان آوردند و از دستورات خدا اطاعت کردند. به خاطر ایمان و اطاعت ایشان بود که نقشه خدا در میان قوم یهود به اجرا درآمد. به همین جهت، در این باب، نویسنده رساله، تاریخچه مختصری از این افراد را ارائه می‌دهد و بدین ترتیب تاریخ کلی نقشه نجات خدا از ابتدای آفرینش تا زمان ظهور عیسی مسیح را نمایان می‌سازد. می‌توان گفت آنچه او ارائه می‌دهد خلاصه‌ای است از مطالب عهدعتیق.

با عنوان این فهرست نامها، نویسنده رساله سعی می‌کند این نکته مهم را به اثبات برساند که به جهت دریافت نعمات خدا و تحقق وعده‌های الهی، تنها چیزی که لازم داریم ایمان است.

**۳** پیش از آنکه نویسنده به شرح حال این مردان ایمان بپردازد، لحظه‌ای پیرامون خدا و خلقت عظیمش به تفکر می‌ایستد. همانطور که به وسیله ایمان چیزهای نادیدنی را خواهیم دید، به همین ترتیب نیز، **به ایمان فهمیده ایم که**

خانواده‌اش یک کشتی بسازد تا خود و عزیزانش از طوفان و سیل در امان بمانند (پیدایش ۶: ۱۳-۲۲؛ ۷: ۱۲-۲۴).

بی‌شک زمانی که نوح به ساختن کشتی پرداخت، همسایگان و اطرافیانش او را مورد تمسخر قرار می‌دادند. از نقطه نظر ایشان ساختن کشتی در مکانی دور از ساحل امری احمقانه بود. ولی نوح به کلام خدا ایمان داشت و از دستور خدا اطاعت نمود. نوح با ایمان و اطاعت خویش دنیا را ملزم ساخت<sup>۸۱</sup>. نوح به واسطه ایمان نجات یافت. ولی هم‌عصران نوح به خاطر بی‌ایمانیشان ملزم و هلاک گردیدند (پیدایش ۶: ۱۳-۲۲؛ ۷: ۱۲-۲۴).

۸ خدا به ابراهیم فرمان داد که سرزمین پدری خود را ترک کرده، به مکانی غریب و دور سفر کند. به وی وعده داد که او را برکت داده، از او امتی عظیم پیدا کند (پیدایش ۱۲: ۱-۲).

به ایمان ابراهیم... اطاعت نمود. اطاعت، مهم‌ترین علامت داشتن ایمان می‌باشد. به همین دلیل بود که ایمان ابراهیم حقیقت داشت. ابراهیم به خداوند ایمان آورد، و او، این را برای وی عدالت محسوب کرد (پیدایش ۱۵: ۶).

۹ ابراهیم نتوانست آن زمینی را که خدا به او وعده داده بود تصاحب نماید. بلکه او در آن سرزمین مانند یک مسافر و غریبه زندگی نمود. ولی به ایمان، ابراهیم می‌دانست که خدا آن سرزمین را به فرزندانش عطا خواهد نمود. پس از چهارصد سال، فرزندان ابراهیم، (قوم

۲۱- نوح دنیا را ملزم نساخت، این خدا است که قدرت ملزم ساختن جهان را دارد. ولی نوح با عدالت خویش، به یک معنا، گناهکاران جهان را ملزم نمود. همانگونه که نور، تاریکی را رسوا و مغلوب می‌سازد، به همان شکل نیز، نوح با اطاعت و خدا ترسی خود، عاصیان جهان را محکوم و رسوا ساخت. افراد شریر و گناهکار، همیشه در مقایسه با عادلان بدتر و پلیدتر جلوه می‌کنند.

۵: ۲۴، **خنوخ با خدا راه می‌رفت**؛ یعنی اینکه او از دستورات خدا اطاعت می‌کرد و اراده او را انجام می‌داد. به همین جهت است که نویسنده عبرانیان اظهار می‌دارد که **خنوخ رضامندی خدا را حاصل کرد**. خنوخ به وسیله ایمان خود، رضامندی خدا را حاصل نموده بود، زیرا **بدون ایمان تحصیل رضامندی خدا محال است** (آیه ۶). چگونه می‌توان بدون ایمان داشتن به خدا، او را راضی ساخت؟

به ایمان خنوخ منتقل گشت تا موت را نبیند، او از این جهان به عالم آینده منتقل شد. به خاطر ایمان خنوخ، خدا او را از عذاب مرگ نجات داد. **ع** به منظور داشتن ایمان حقیقی، ابتدا باید به وجود خدا اعتقاد داشت. سپس باید به کلام او (کتاب مقدس) و وعده‌هایی که خدا در کلامش داده است، اعتماد و ایمان داشته باشیم (آیه ۱ و تفسیر آن را مشاهده کنید). اگر صادقانه خدا را بجوئیم، او دل‌های ما را به ایمان خود آشنا خواهد ساخت. هرگاه خدا را بجوئیم، او را پیدا خواهیم نمود و زمانی که او را بیابیم، از او برکت دریافت خواهیم نمود. خدا فرمود: **«و مرا خواهید طلبید و چون مرا به تمامی دل خود جستجو نمایید، مرا خواهید یافت»** (ارمیاء نبی ۲۹: ۱۳). یعقوب می‌نویسد: **به خدا تقرب جوئید تا به شما نزدیکی نماید** (یعقوب ۴: ۸). خنوخ و تمامی مردان و زنان با ایمانی که نامشان در این باب ذکر گردیده است، با اخلاص نیت به خدا تقرب جستند و خدا پاداشی خاص به ایشان عطا فرمود.

۷ نوح نسل نهم از فرزندان آدم بود. در آن زمان، تمامی انسانهای جهان به جز نوح، از خدا دور شده بودند و از امیال شرارت‌آمیز خویش پیروی می‌نمودند. به همین جهت، خدا تصمیم گرفت که تمامی بشر (به جز نوح و خانواده‌اش) را به وسیله سیل نابود سازد. نوح مردی عادل و خدا ترس بود (پیدایش ۹: ۶)، به همین دلیل، خدا به او فرمود تا برای نجات خود و

خدایی که وعده داده بود ایمان داشتند. آنها ایمان داشتند که خدا وعده‌های خود را به تحقق خواهد رسانید. آنها با توکل بر ایمان می‌دانستند که خدا قادر به عملی ساختن وعده‌های خویش می‌باشد. پس ایشان **وعده‌ها را نیافته بودند، بلکه آنها را از دور دیده، تحیت گفتند.** و با وجود این ایمان، بی‌آنکه وعده‌ها را بیابند، مردند. پس لازم است ما نیز به یاد داشته باشیم که حتی بزرگان ایمان نیز همیشه به آرزوهای خود نمی‌رسند.

**۱۴-۱۶** ابراهیم، اسحاق و یعقوب اقرار کردند که بر روی زمین، بیگانه و غریب بودند (آیه ۱۳). زیرا که خانه و وطن اصلی و حقیقی ایشان، آسمان بود (فیلیپان ۲۰:۳ را مشاهده کنید). مکانی که آنها به دنبالش بودند، سرزمینی آسمانی بود که هرگز نابود نخواهد گردید. و چون آنها مکان خدا را جستجو می‌کردند و به شهر سماوی چشم دوخته بودند، **خدا از ایشان عار ندارد که خدای ایشان خوانده شود** (آیه ۱۶). خدا فرمود: **زیرا آفانی که مرا تکریم نمایند، تکریم خواهم نمود** (اول سموئیل ۲:۳۰). ابراهیم، اسحاق و یعقوب به وسیله ایمانشان به خدا، باعث تکریم او گردیدند و به همین علت، خداوند نیز ایشان را تکریم نموده، از آن پس خویشان را با عنوان **خدای ابراهیم، و خدای اسحاق، و خدای یعقوب** معرفی می‌نمود (خروج ۳:۶). برای ابراهیم و اسحاق و یعقوب، افتخاری از این بزرگتر وجود نداشت.

### مردان ایمان، از ابراهیم تا مسیح (۱۱:۱۷-۴۰)

**۱۷-۱۹** در پیدایش ۱۸-۱:۲۲ می‌خوانیم که ابراهیم به منظور اطاعت از فرمان خدا، پسر یگانه خود اسحاق را برداشته بر قربانگاه نهاد تا او را برای خدا قربانی نماید. ایمان داشتن به وعده‌های خدا امری مهم است. ولی امتحان اصلی ایمان زمانی است که

بنی‌اسرائیل) به رهبری یوشع، به آن زمین موعود وارد شدند (یوشع ۱:۱-۳).

**۱۰** چگونه ممکن است شخصی همچون ابراهیم چنین صبر و تحمل شگرفی داشته باشد؟ او خانه و کاشانه خود را ترک نمود و به سرزمینی ناآشنا و بیگانه مهاجرت نمود. ولی بلافاصله صاحب ارض موعود نشد. پس چرا ابراهیم نسبت به خدا دچار خشم نگردید؟ جواب این است که ابراهیم در پی تصاحب گنجینه زمینی نبود. بلکه او **متقرب شهری با بنیاد بود که معمار و سازنده آن خداست؛ شهری که جاودانی بوده، هرگز دچار ویرانی و بلا نخواهد شد** (عبرانیان ۱۲:۲۲؛ ۱۳:۱۴).

**۱۱** خدا به ابراهیم وعده داده بود که ذریت او را کثیر ساخته، از نسل او «قومی بزرگ» ایجاد کند (پیدایش ۲:۱۲). اینک به جهت عملی گشتن آن وعده، لازم بود که ابراهیم دارای فرزندی ذکور گردد (پیدایش ۲:۱۵-۴). ولی ابراهیم و همسرش ساره، بسیار سالخورده و پیر بودند. بدنهای ایشان پیر گردیده بود و آبستن شدن ساره امری محال به نظر می‌رسید. ولی با تمام اینها، ابراهیم و همسرش ساره به وعده خدا ایمان آوردند. زمانی که ابراهیم صد ساله بود و از عمر ساره نود سال می‌گذشت، ایشان صاحب پسری شدند (پیدایش ۱۷:۱۵-۱۹؛ ۲۱:۱-۳).

**۱۲** از نظر توانایی تولید نسل، بدن ابراهیم با بدن یک مُرده تفاوتی نداشت. ولی با این وجود، او صاحب پسری گردید و پس از مدتی، نسل او مثل ستارگان آسمان کثیر گردیدند (پیدایش ۱۵:۵؛ ۱۷:۲۲؛ رومیان ۴:۱۸-۲۲).

**۱۳** با توجه به زندگی ابراهیم، ساره، اسحاق، یعقوب (آیات ۸-۱۲) متوجه می‌شویم که هیچ یک از ایشان، **وعده‌ها را نیافته بودند.** هیچ یک از آنها سرزمین وعده‌ها را صاحب نشدند و هیچ یک از آنها موفق به دیدن نوادگان بی‌شمار خود نگردیدند. ولی آنها به

مورد آزمایش قرار خواهد داد. ممکن است او بارها ما را امتحان نماید. او به روشهای متفاوت ما را محک زده، خواهد آزمود. او ایمان ما را در جایهای مختلف در کوره امتحان قرار خواهد داد تا ناخالصیها و ضعفهای ما نمایان گشته، اطاعت مادر او کامل گردد. او از ما خواهد خواست که عزیزترین چیزهای خود، گرانبهاترین هدایای خود را، قابلیتها، اوقات فراغت و کار و پیشه خود را به او تقدیم داریم. باشد که اگر خدا از ما نیز مانند ابراهیم دعوت نمود، او را با تمامی دل و جان و قوت خود اطاعت نماییم (مرقس ۱۰: ۱۷-۲۱، ۲۹-۳۰ را مشاهده کنید).

۲۰ در پیدایش ۱: ۲۷-۴۰، می خوانیم که چگونه اسحاق، پسران خود یعقوب و عیسو را برکت داد. در میان یهودیان رسم بر این بود که پدر فرزندان خود را برکت دهد و همیشه فرزند ارشد بزرگترین برکت را دریافت می کرد. ولی اسحاق در سنین کهولت خود، نابینا شده بود. یعقوب از کوری پدر استفاده کرده، پدر خود را فریب داد و خود را به جای برادر ارشدش قرار داد و برکت پدر را به جای عیسو دریافت نمود. ولی اسحاق پس از اطلاع از فریب یعقوب، برکت خود را از او پس نگرفت و برعکس آن را به عنوان اراده خدا پذیرفت (پیدایش ۲۳: ۲۵). و بدین ترتیب، اسحاق برکت یعقوب را تأیید نمود (پیدایش ۳۳: ۲۷). اسحاق ایمان داشت که خدا به وسیله یعقوب وعده خود به ابراهیم را عملی خواهد نمود.

۲۱ یعقوب فرزند اسحاق بود که در عهدعتیق با لقب اسرائیل نیز شهرت یافته است. یعقوب دارای دوازده پسر بود. پیش از آنکه زمان مرگ یعقوب فرا رسد، او پسران خود را برکت داد، ولی بزرگترین برکت را نصیب فرزند یازدهم خود یوسف<sup>۲۲</sup> کرد، و همچنین پسران یوسف را

شخص پس از دریافت وعده خدا، باز حاضر باشد آنچه را که از خدا دریافت نموده است به خدا باز پس دهد. و این همان چیزی است که خدا از ابراهیم تقاضا نمود. او به ابراهیم گفت که پسر خود را برداشته، وی را برای خدا قربانی کند. با این عمل، خدا ابراهیم را مورد آزمایش قرار داد (آیه ۱۷). بر اساس پیدایش ۱۲: ۲۱، خدا به ابراهیم فرمود: «**نسل تو به اسحاق خوانده خواهد شد**» (آیه ۱۸). ولی با این وجود، خدا از ابراهیم خواست که پسر خود را برای او قربانی کند. اگر ابراهیم این کار را می کرد، چگونه نسلش ادامه می یافت؟ آیا خدا می توانست بدون اسحاق نسل ابراهیم را ادامه داده او را به ملتی بزرگ مبدل نماید؟ (پیدایش ۱۲: ۲).

ولی ابراهیم به حکمت خدا شک نکرد. ابراهیم ایمان داشت که خدا قادر است که مردگان را زنده کند. او می دانست که خدا وعدههای خود را عملی خواهد ساخت، اینک او موظف بود که از فرمان خدا اطاعت نماید.

در لحظه آخر، خدا دست ابراهیم را از کشتن پسر، باز داشت. به یک معنی، اسحاق فرقی با یک مُرده نداشت. پس به همین علت است که نویسنده عبرانیان می گوید که ابراهیم پسر خود را در **مثنوی از اموات نیز باز یافت** (آیه ۱۹).

سپس فرشته خداوند به ابراهیم ظاهر شده، او را اینگونه خطاب نمود: «**زیرا که الان دانستم که تو از خدا می ترسی، چونکه پسر یگانه خود را از من دریغ نداشتی**» (پیدایش ۱۲: ۲۲). سپس خدا به ابراهیم فرمود: «**به ذات خود قسم می خورم، چونکه این کار را کردی و پسر یگانه خود را دریغ نداشتی، هر آینه تو را برکت دهم و ذریت تو را کثیر سازم مانند ستارگان آسمان و مثل ریگهایی که بر کناره دریاست و ذریت تو دروازه های دشمنان خود را متصرف خواهند شد و از ذریت تو، جمیع امتهای زمین برکت خواهند یافت، چونکه قول مرا شنیدی**» (پیدایش ۱۶: ۲۲-۱۸).

یک روز خدا نیز هر یک از ما را به نوعی

۲۲- معیارهای گزینش خدا با اصول ما انسانها

(خروج ۵:۲-۱۰). به تدریج موسی رشد کرده، به یکی از سران قوم مصر مبدل گردید. و لیکن او حشمت و قدرت دربار فرعون را ترک کرد تا اینکه بتواند با قوم خود رنج بکشد.

**۲۶** موسی **خزائن مصر** را رها نمود. زیرا او می دانست که **عار مسیح**، **دولتی بزرگتر از خزائن مصر** می باشد (فیلیپیان ۳:۷). موسی در آن زمان مسیح را نمی شناخت، ولی بارها کردن دولت و حشمت دربار فرعون، به خاطر قوم خود، او نمونه ای از مسیح شد. زیرا که عیسی مسیح نیز به خاطر نجات ما انسانها، جلال آسمانی را ترک نمود و خود را برای ما فقیر ساخت. پس همانطور که بر مسیح و پیروان او ننگ و **عار** قرار گرفت، به همانطور نیز موسی در ابتدا مورد نفرت و عار قوم خود بود (مزمور ۹:۶۹؛ ۸۹:۵۰-۵۱؛ رومیان ۳:۱۵؛ اول پطرس ۴:۱۲-۱۴). ولی علیرغم این عار، از آنجا که موسی به وفاداری و پیروزی خدا ایمان داشت، تا به آخر در ایمان خود ایستادگی نمود. او می دانست که نهایتاً خدا او را پاداش خواهد داد. عبرانیان نیز که مخاطبین این رساله هستند، باید از سرمشق موسی پیروی نمایند. هر چند که موسی عیسی مسیح را نمی شناخت ولی حاضر بود که برای او متحمل زحمت و عار گردد. پس باشد که این عبرانیانی که مسیح را شناخته اند و روح القدس را دریافت نموده اند، به جهت تحمل سختی برای مسیح آماده باشند.

**۲۷** فرعون سعی می کرد موسی را به قتل برساند، ولی موسی از او بیمی در دل نداشت. او تنها از خدا می ترسید. پس به ایمان، موسی

بسیار متفاوت است. انسانها براساس درجه و ردیف و قامت و قابلیت های مشخص و معلوم دست به انتخاب می زنند. حال آنکه خدا اغلب کسانی را برمیگزیند که دارای قابلیت های مشخصی نمی باشند ولی از نظر روحانی در مرحله بسیار عالی قرار دارند. (مرقس ۳۱:۱۰)

نیز برکت داد (پیدایش ۲۶:۴۹). ولی مشاهده می کنیم همانطور که یعقوب بیش از برادر بزرگتر خود برکت یافته بود، همچنین پسر کوچکتر یوسف را بیشتر از برادر بزرگترش برکت داد. یعقوب به ایمان بر وعده خدا که به ابراهیم قول داده بود، فرزندان خود را برکت داد. او می دانست که خدا به ابراهیم وعده داده بود که ذریه او را بی شمار کثیر خواهد نمود (پیدایش ۴۸:۱۱-۲۰).

**۲۲** یوسف به دست برادران خود به بردگی فروخته شد (پیدایش ۳۷:۱۲-۳۶). پس از مدتی، یوسف در نزد فرعون صاحب جایگاه و قدرتی عظیم گردید و بر تمامی مملکت مصر نظارت می کرد (پیدایش ۴۱:۴۱-۴۳). هر چند که یوسف بخش اعظم زندگی خود را در مصر سپری کرده بود، لیکن او ایمان کامل داشت خدا سرزمین اسرائیل را که به جدش ابراهیم وعده داده بود، به قوم او باز پس خواهد داد. بر اساس آن ایمان بود که یوسف به پسرانش وصیت کرد که پس از مرگش، استخوان هایش را به زمین اسرائیل برده، در آنجا دفن کنند (پیدایش ۵۰:۲۴-۲۶؛ خروج ۱۳:۱۹).

**۲۳** قوم یهود به مدت ۴۳۰ سال در زمین مصر ماندند (خروج ۴۰:۱۲). پس از مدتی، شماره ایشان رو به فزونی نهاد و مصریان به تدریج با ایشان بنای بدرفتاری نهادند. تا جایی که مصریان، قوم بنی اسرائیل را به بردگی خود گرفتند (خروج ۱:۶-۱۴). در همین مواقع بود که فرعون مصر دستور داد که تمامی نوزادان ذکور یهودیان کشته شوند (خروج ۱:۲۲). ولی زمانی که موسی متولد شد، والدینش او را مدتی مخفی نمودند (خروج ۲:۱-۳). به ایمان والدین موسی می دانستند که خدا فرزند ایشان را نجات خواهد داد و او را مبارک خواهد گرداند.

**۲۴-۲۵** پس از مدتی، دختر فرعون موسی را در رود نیل یافته، او را به قصر فرعون آورد و موسی را به فرزندگی خود پذیرفت



(اول قرن تیان ۵:۷). او **بره خدا** است که گناه جهان را بر دوش خود گرفته است (یوحنا ۱:۲۹). ما نه به واسطه اعمال نیکوی خود، بلکه به خاطر **پاشیدن خون عیسی مسیح** نجات یافته ایم.

**۲۹** زمانی که فرعون با بلای مرگ نخست زاده های مصر روبرو شد، تسلیم اراده خداوند گردید و به قوم بنی اسرائیل اجازه داد که از سرزمین مصر خارج شوند. ولی پس از آنکه قوم بنی اسرائیل از مصر خارج شدند، ناگهان تصمیم گرفت که آنها را دنبال کرده، دستگیر یا هلاک کند (خروج ۱۴:۵-۹). با مشاهده لشکر عظیم فرعون، قوم اسرائیل به شدت دچار ترس شده، بر موسی لب به شکایت گشودند؛ زیرا در پیش روی ایشان دریای سرخ قرار داشت و سواران فرعون از پشت سر نزدیک می شدند. وحشت ایشان را فرا گرفته بود و مرگ را به چشم خود می دیدند (خروج ۱۴:۱۰-۱۲).

ولی به ایمان، موسی قوم خود را خطاب کرده به ایشان گفت: **مترسید! بایستید و نجات خداوند را ببینید، که امروز آن را برای شما خواهد کرد** (خروج ۱۴:۱۳). سپس خدا از طریق موسی، آبهای دریای سرخ را از میان به دو نیم کرد و قوم اسرائیل به ایمان از بحر قلزم به خشکی عبور نمودند. ولی زمانی که تعقیب کنندگان قوم خواستند که از میان آن شکاف عبور کرده از دریای سرخ بگذرند، همگی غرق شدند (خروج ۱۴:۲۱-۲۸).

**۳۰** قوم بنی اسرائیل پس از چهل سال سرگردانی و آوارگی در بیابان، سرانجام وارد زمین وعده گردیدند. ولی ابتدا لازم بود که بر اقوام ساکن آن سرزمین ها غلبه پیدا کرده، سرزمین را به تصرف خود درآورند. پس، پیش از هر کار، شهر **اریحار** را متصرف شدند. خدا به یوشع، رهبر قوم بنی اسرائیل چگونگی تخریب دیوارهای شهر و روش تصرف آن شهر را تعلیم داده بود. شهر که دارای دیواری مستحکم بود، در

مصر را ترک نمود و به مدت چهل سال در بیابانهای «مدیان» به چوپانی پرداخت (خروج ۱۵:۲) و در آن مدت از همه خطرات محفوظ ماند، زیرا می دانست که خدای نادیده ای که او را خوانده است، محافظ او می باشد. موسی نمونه و مثال شجاعت و باعث دلگرمی ایمانداران می باشد. با تعمق در زندگی موسی، خواهیم دید که ما نیز قادر هستیم به خدای موسی توکل کرده، با تکیه بر وفاداری و محبت خدا، بر همه مشکلات زندگی فائق آییم.

زمانی که موسی در سرزمین مدیان به چوپانی مشغول بود، یک روز او با خدای نادیدنی ملاقات نمود! خدا، خود را در بوتۀ آتش بر موسی معلوم نمود و او را مأمور نجات قوم بنی اسرائیل از بندگی مصریان نمود (خروج ۳:۱-۱۰).

**۲۸** به ایمان، موسی قوم بنی اسرائیل را از سرزمین مصر و اسارت فرعون نجات داد. خدا به وسیله موسی بلاای بسیاری بر مصریان نازل فرمود ولی فرعون نسبت به تمامی آن بلاها بی توجهی نشان داد و بر عداوت خود با بنی اسرائیل پافشاری نمود. تا جایی که خدا ناگزیر شد که فرشته ای را بفرستد تا تمامی نخست زادگان مصریان را هلاک کند (خروج ۱۱:۱؛ ۱۲:۲۹-۳۰). به ایمان، موسی از قوم بنی اسرائیل خواست تا خون بره قربانی را بر چهار چوب درهای منازل خود بمالند تا اینکه فرشته مرگ از آنها گذشته، نخست زاده شان از مرگ در امان بماند (خروج ۱۲:۲۱-۲۳). قوم یهود هر ساله یادبود آن شب مهم را گرامی داشته، جشن عید پسخ (عبور) را تا به امروز با اجرای مراسم خاصی برگزار می دارند (خروج ۱۲:۲۴-۲۷).

همچنین به واسطه خون عیسی مسیح، ما نیز قادر به نجات یافتن از دآوری الهی و موت روحانی می باشیم. زیرا مسیح، بره قربانی ماست و به خاطر خون او نجات پیدا کرده ایم

نظر اول تسخیرناپذیر می نمود ولی خدا به قوم بنی اسرائیل گفته بود که به مدت هفت روز اطراف شهر طواف کرده، و بوقها و کرناهای خود را به صدا در آورند. همچنین خداوند به ایشان گفته بود که در پایان روز هفتم از نواختن بوقها و شیپورها و کرناها باز ایستاده، یکصدا فریاد سر دهند و شاهد فرو ریختن دیوارهای شهر باشند. پس از فرو ریختن دیوارهای شهر، ایشان به راحتی وارد شهر اریحا خواهند گردید (یوشع ۱:۶-۱۲، ۵، ۱۶، ۲۰).

چه کسی می توانست چنین نقشه عجیبی برای تصرف شهر بزرگی چون اریحا طرح کند؟ ولی ایمان یوشع بسیار قوی بود. او ایمان داشت که خدا نسبت به گفته خود وفادار خواهد ماند. خداوند از راههای عجیب و استثنایی مقاصد خود را به تحقق می رساند **نه به قدرت و نه به قوت بلکه به روح من، قول یهوه صباوت این است** (زکریا ۴:۶).

ما می توانیم از ایمان یوشع به عنوان نمونه و سرمشقی به جهت خود استفاده کنیم. در زندگی هر یک از ما، موانع و مشکلات بزرگی همچون اریحا وجود دارد. با اتکاء بر خداوند، ما نیز قادر خواهیم بود مانند یوشع بر آنها غلبه نماییم. پولس رسول گفت: **زیرا اسلحه جنگ ما جسمانی نیست بلکه نزد خدا قادر است برای انهدام قلعه ها** (دوم قرنتیان ۴:۱۰).

**۳۱** یوشع ابتدا جاسوسانی به شهر اریحا فرستاده بود. زمانی که سربازان شهر اریحا در جستجوی جاسوسان اسرائیلی بر آمدند، زن بدکاره ای به نام **راحیاب** ایشان را در منزل خود مخفی کرده، از آنها نگاهداری نمود و بدین ترتیب باعث نجات جان آنها شده بود. **به ایمان راحاب** دانسته بود که خدا با قوم بنی اسرائیل است و شهر اریحا را به اسرائیلی ها تسلیم خواهد نمود. به این دلیل بود که راحاب جاسوسان اسرائیلی را به پیش خود برده، زمینه فرارشان را در شب فراهم ساخت (یوشع

۱:۲-۳، ۶، ۸-۱۴؛ ۶:۲۴-۲۵).

توجه داشته باشیم که راحاب هم غیراسرائیلی بود و هم زنی بدکاره. ولی خدا از شخصی مانند راحاب برای اجرای مقاصد خود استفاده کرد.

**۳۲-۳۴** در این آیات، مشاهده می کنیم که نویسنده رساله از زندگی بزرگان قوم بنی اسرائیل مثالهایی آورده، خاطر نشان می کند که ایشان با توکل به ایمان کارهای بزرگی به ثمر رساندند (داوران ۷:۱۹-۲۱؛ ۱۵:۱۴-۱۶؛ دانیال ۳:۱۶-۲۸؛ ۶:۱۶-۲۲).

**۳۵** در کتاب اول پادشاهان ۱۷:۱۷-۲۴ و دوم پادشاهان ۴:۳۲-۳۷ می خوانیم که چگونه دو زن یهودی، فرزندان مُرده خود را باز یافتند. بسیاری از مردان و زنان ایماندار با آغوش باز مرگ را پذیرا شدند و **خلاصی را قبول نکردند**. ایشان نمی خواستند که قیامت اصلی را برای زندگی این جهان رها کنند، پس برای ایمانشان جان دادند **تا به قیامت نیکوتر برسند**.

**۳۶-۳۸** در اینجا با قهرمانان گمنام عهدعتیق آشنا می شویم که به خاطر ایمانشان متحمل شکنجه ها و جفاهای بی شماری گردیدند. ولی با تمام این مصائب باز تا به آخر نسبت به ایمان خود پایدار ماندند.

**آنانی که جهان لایق ایشان نبود** (آیه ۳۸). از نظر معیارهای این جهان، اینها افرادی بیچاره و شکست خورده به حساب می آمدند ولی از نقطه نظر خدا، ایشان قهرمانان ایمان و شایسته ترین افراد این عالم محسوب می شدند. اینها اتباع راستین شهر سماوی خدا هستند (آیات ۱۰ و ۱۶).

**۳۹** باید به خاطر داشته باشیم که هیچ یک از این افراد **با اینکه از ایمان شهادت داده شدند، وعده را نیافتند**. هرچند بعضی از آنها وعده های کمابیش مهمی از سوی خدا دریافت کرده بودند، ولی هیچ یک وعده نهایی و کامل خدا، یعنی نجات به وسیله عیسی مسیح را تجربه

نامناسب باعث کندی ورزشکار و مانع دویدن سریع او می‌گردد.

به همین ترتیب نیز، چیزهای بسیاری وجود دارند که به خودی خود بد و زیان‌بخش نمی‌باشند ولی به چگونگی زندگی روحانی و زندگی مسیحی ما لطمه خواهند زد، پس باید از آنها احتراز نماییم. ما باید **هر بار گران و گناهی که ما را سخت می‌پیچد، دور بکنیم** تا بتوانیم **با صبر در آن میدان که پیش روی ما مقرر شده است بدویم**. این موانع و بارهای گران ممکن است چیزهای خوبی باشند ولی با وجود این، ممکن است مانع دویدن ما در مسابقه روحانی بشوند و لازم است که آنها را از خود دور نماییم. لازم به تذکر است که آنچه در زندگی یک شخص مانع دویدن و رشد او می‌باشد، ممکن است در زندگی روحانی اشخاص دیگر مانعی ایجاد نکند. پس هر یک از ما باید به دقت نحوه زندگی خود را ملاحظه کرده، موارد اشکال خود را بر طرف نماییم.

ولی آنچه مُسَلَّم است این نکته می‌باشد که «گناه» باعث کندی و عدم رشد روحانی ما می‌باشد. هر فرد مسیحی که خواهان رسیدن به خط پایانی مسابقه است باید از گناه پرهیز کند. زیرا گناه **ما را سخت می‌پیچد**. لازم است که هر گناه کوچک یا بزرگی را از خود دور کنیم. زیرا تنها در صورت دور ساختن گناهی که سخت به دست و پای ما پیچیده است، خواهیم توانست در میدان مسابقه روحانی شرکت کنیم و با موفقیت خط پایانی را پشت سر بگذاریم. از یک جهت، زندگی مسیحی ما یک تفاوت اصلی با میدان مسابقه دارد. در میدان مسابقه، فقط یک نفر برنده می‌شود و به دریافت جایزه پایانی مسابقه مفتخر می‌گردد. ولی در میدان زندگی مسیحی همه کسانی که تا به آخر صبر کنند جایزه اصلی (حیات جاودانی) را به دست خواهند آورد. ولی این مطلب که همه ایمانداران به حیات جاودانی دست خواهند یافت نباید

نموده بودند. بزرگترین وعده خدا به بشریت این بود که فرزند یگانه خود را به میان ما آدمیان خواهد فرستاد و ما را به وسیله صلیب او نجات خواهد داد. هیچ یک از این قهرمانان ایمان عهدعتیق با عیسی مسیح و تکمیل و تحقق وعده عظیم خدا آشنایی نداشتند. با این وجود، با کمال پایداری خدا را اطاعت کردند و نسبت به او وفادار باقی ماندند.

۴۰ اراده خدا بر این قرار گرفته است که این قهرمانان ایمان **بدون ماکامل نشوند**. یعنی اینکه خدا صبر کرد تا ابتدا ما را نجات دهد و سپس ایشان را. زمانی که عیسی مسیح بار دیگر رجعت کند، ما که به او ایمان آورده‌ایم با تمامی کسانی که در عهدعتیق به وعده‌های خدا ایمان داشتند، حیات جاودانی را دریافت خواهیم نمود.

## باب ۱۲

### عیسی، به مثابه والاترین نمونه ایمان (۱:۱۲-۳)

۱ **بنابراین** با توجه به زندگینامه ایمانداران عهدعتیق و آنچه که در باب پیشین آموختیم؛ باشد که ما نیز از سرمشق آنها پیروی کنیم. این قهرمانان عهدعتیق با عنوان **ابراهیم شاه‌دان** معرفی شده‌اند. زیرا زندگی و مرگ آنها شهادتی بر ایمان ایشان بوده است.

زندگی یک مسیحی مانند یک مسابقه ورزشی می‌باشد. در یک مسابقه ورزشی، ورزشکاران با کمال قوت خود تلاش می‌کنند تا جایزه پایانی را نصیب خود سازند. پیش از شروع مسابقه، ایشان هرگونه لباس اضافی و دست و پاگیر را از خود دور می‌سازند تا با آزادی کامل بدوند. هیچ کس با لباس میهمانی در میدان مسابقه حاضر نمی‌شود. پوشیدن لباسهای خوب و گران قیمت هیچ مانعی ندارد، ولی به تن کردن لباس میهمانی در هنگام مسابقه ورزشی عملی اشتباه است. زیرا لباس

ترک کرده بودند. حتی این چنین به نظر می‌رسید که حتی خدای پدر او را ترک کرده است (مرقس ۱۵:۳۴). ولی با تمامی این مسائل و مشکلات، عیسی رنج صلیب را تحمل کرد. او **بی‌حرمتی را ناچیز شمرد**. در آن روزگار، رومیان تنها افراد جنایتکار را مصلوب می‌کردند و بنابراین، اعدام به وسیله صلیب نه تنها مرگی دردناک و پراز رنج بود، بلکه مرگی توأم با خجالت و سرشکستگی محسوب می‌گردید. هیچ چیز بدتر و شرم‌آورتر از مرگ بر روی صلیب نبود. پس می‌بینیم که عیسی مسیح با تحمل رنج و بی‌حرمتی صلیب در آن شرایط دردناک عاطفی، چه نمونه بزرگی برای ما پیروانش به جا نهاده است.

زمانی که عیسی بر صلیب آویزان و در حال جان دادن بود، بسیاری بر پای صلیب او آمده، او را مورد انواع تحقیرها و سرزنش‌ها قرار می‌دادند. می‌گفتند: **مسیح، پادشاه اسرائیل، الان از صلیب نزل کند تا ببینیم و ایمان آوریم** (مرقس ۱۵:۳۲). ولی اگر عیسی با کمک نیرویی خارقالعاده از روی صلیب پایین می‌آمد، نمی‌توانست **کامل‌کننده ایمان** ما باشد. از این گذشته، اگر او تا به آخر صبر نمی‌کرد، دیگر در میدان مسابقه ایمان، پیشوای خوبی محسوب نمی‌گشت. بر عکس، عیسی مسیح به خاطر دردهایی که متحمل گردید، نجات دهنده‌ای کامل شد تا بتواند برای ما شفاعت کند (عبرانیان ۲:۱۰). و ما نیز که از او پیروی می‌کنیم به وسیله رنجهای خویش تکمیل خواهیم شد.

اگر ما تا انتها با ایمان مقاومت کنیم، در نهایت با عیسی جلال خواهیم یافت (عبرانیان ۳:۱۴). ما نیز در آن **خوشی** که برای ما مقرر شده است سهیم خواهیم شد (یوحنا ۱۵:۱۱؛ ۱۶:۲۲) را مشاهده کنید. ما نیز به همراه او در بهشت سلطنت خواهیم نمود. **آنکه غالب آید، این را به وی خواهیم داد که بر تخت من با من بنشیند، چنانکه من غلبه یافتم و با پدر خود بر تخت او**

باعث کم تلاشی ما در میدان زندگی مسیحی گردد. ما باید تمام تلاش خود را در جهت پیروزی در مسابقه به خرج دهیم (اول قرن‌تینان ۹:۲۴-۲۶ را مشاهده کنید).

**۲** **بیاید به سوی پیشوا و کامل‌کننده ایمان یعنی عیسی نگران باشیم.** بیاید فقط به سوی عیسی مسیح چشم دوخته، از نگریستن به هوسهای دنیا دوری نماییم. زیرا در غیر آن صورت قادر نخواهیم بود که به خوبی و با قدرت در آن میدان مسابقه دویده، جایزه پایانی را نصیب خود کنیم. اگر به هدف چشم ندوزیم، گمراه خواهیم شد و نخواهیم توانست که در مسیر مستقیم حرکت کنیم؛ و چه بسا راه را گم کرده، هرگز به خط پایان مسابقه نرسیم.

عیسی پیشوای ایمان ماست. او پیش از ما به آن میدان وارد شده است و ما باید به دنبال او حرکت کنیم. او همچنین پیشوای قهرمانان عهدعتیق می‌باشد (اول قرن‌تینان ۱۰:۳-۴ را مشاهده کنید). هرچند قهرمانان عهدعتیق مانند ما عیسی مسیح را نمی‌شناختند، ولی با این همه او رهبر و پیشوای آنان نیز محسوب می‌شود. انبیای عهدعتیق در باره عیسی سخن گفته، پیرامون تولد و زندگی و مرگ او پیشگویی کرده بودند. آنها به سوی عیسی مسیح نگران بودند و از این جهت است که عیسی پیشوای آنان محسوب می‌شد.

عیسی مسیح همچنین کامل‌کننده ایمان ماست. او نمونه و سرمشق کامل یک ایماندار است. در باغ جتسیمانی عیسی مسیح نمونه‌ای کامل و عالی از اطاعت و تسلیم به اراده خدا را برای ما به جا نهاد. او به خدا گفت: **یا ابا پدر، همه چیز نزد تو ممکن است. این پیاله را از من بگذران، لیکن نه به خواهش من بلکه به اراده تو** (مرقس ۱۴:۳۶). در آن شب، به نظر می‌رسید که خدای پدر، عیسی را به طور کامل رها کرده بود. هیچ یک از یارانش نیز او را تسلی نمی‌دادند و او را کمک نمی‌کردند. همه، حتی یاران نزدیکش او را

گذاشت تجربه‌ای مافوق طاقت ایشان آنها را در بر بگیرد (اول قرن‌تیاں ۱۰:۱۳). و نیز باید به یاد داشته باشند که هر سختی که از جانب خدا بر ایشان وارد می‌آید به خاطر **تأدیب** ایشان است. تأدیب خدا نشانهٔ خشم او نیست، بلکه حاکی از محبت اوست نسبت به ما (آیهٔ ۶).

**۵-۶** نویسندهٔ رساله در اینجا از امثال سلیمان ۱۱:۳-۱۲ نقل قول می‌کند. وی یادآور می‌شود که در هنگام سختی‌ها و خطرات، باید مراقب باشیم که علیه خدا زبان به شکایت نگشاییم. بلکه بهتر است که به یاد داشته باشیم که در حین این سختی‌ها و خطرات، در واقع خداوند ما را تربیت می‌کند. او ما را مانند پدری مهربان، ما فرزندان خود را برای منفعت خودمان تنبیه و تربیت می‌کند. هر بلا و سختی که به سراغ ما می‌آید با اجازهٔ خداست. مردم این جهان ما را به خاطر وفاداریمان به مسیح تحت فشار و جفا قرار خواهند داد. ولی خدا از همان جفاها و سختی‌ها برای تربیت و منفعت ما استفاده می‌کند.

**۷-۸** هر پدر خوبی فرزند خود را با دقت و حوصله تربیت می‌کند. حتی عیسی مسیح نیز **هر چند پسر بود، به مصیبت‌هایی که کشید، اطاعت را آموخت** (عبرانیان ۸:۵).

هیچ کس به خود زحمت تربیت حرامزادگان را نمی‌دهد. کودک نامشروع حق ارث ندارد. ولی والدین از فرزندان مشروع خود به خوبی نگاهداری می‌نمایند. یک پدر می‌داند که باید فرزند خود را به نحوه احسن تربیت کند، زیرا پس از مدتی، آن طفل بزرگ خواهد شد و صاحب مسئولیت‌هایی مهم خواهد گردید. خدا نیز به همین شکل ما را تربیت می‌کند. پس اگر خدا ما را تأدیب می‌کند، باشد که آن تأدیب را با کمال خوشحالی پذیرا گردیم، زیرا این نشان دهندهٔ محبت خدا نسبت به ماست. خدا ما را تأدیب می‌کند تا در آینده مسئولیتی خطیر به ما محول نماید. اگر هیچ سختی و جفایی در

**نهم** (مکاشفه ۲۱:۳). به همین طریق، عیسی مسیح نه تنها ایمان خود را کامل نموده است، بلکه قدرت دارد که ایمان ما را کامل گرداند. عیسی مسیح نه تنها پیشوا و خالق ایمان ماست، بلکه کامل کنندهٔ ایمان ما نیز می‌باشد. عیسی مسیح آن ایمانی را که در ما شروع کرده است تکمیل خواهد کرد و آن را به انتها خواهد رسانید (فیلیپان ۱:۶).

**۳** آیا در میان ما کسی هست که ضعیف و دلسرد شده باشد؟ اگر چنین کسی در میان خود دارید، او را تشویق کنید که در مورد عیسی مسیح تفکر و تأمل کند. نویسندهٔ رساله می‌گوید: **پس تفکر کنید در او که مستحتمل چنین مخالفتی بود.** زمانی که در عیسی و زندگی و جلال او تفکر و تعمق کنیم، از او نیرویی تازه و مافوق این جهان، دریافت خواهیم نمود. او به ما فیضی خاص خواهد بخشید تا ما را در سختی‌ها یاری نماید (عبرانیان ۴:۱۶).

### خدا فرزندان خود را تأدیب می‌کند (۱۲:۴-۱۳)

**۴** در اینجا نویسندهٔ رساله ضمن به رسمیت شناختن زحمات کلیسای عبرانیان اظهار می‌دارد که **هنوز در جهاد باگناه تا به حد خون مقاومت نکرده‌اید.** یعنی اینکه ایشان هنوز برای مسیح طعم مرگ و شهادت را نچشیده‌اند. آنها مثل انبیای عهدعتیق و مردان و زنان ایماندار عهدعتیق دچار زحمت و جفا و شکنجه و مرگ نشده‌اند. عبرانیان نباید از زحمات موجود احساس ضعف و دلسردی کنند، زیرا که جفای اصلی هنوز آغاز نشده است! اگر جفاهای کنونی ایشان را دلسرد کرده، باعث می‌شود که در جانهای خود ضعف کنند، پس زمانی که جفاهای اصلی و سخت شروع شد، چه خواهند کرد؟

عبرانیان باید به خاطر داشته باشند که خدا مهربان و پُر از رحمت است و هرگز نخواهد

زندگی خود تجربه نکرده باشیم، آنگاه باید نگران بود که آیا خدا واقعاً ما را دوست دارد یا نه؟

**۹-۱۰** زمانی که خدا ما را تأدیب می‌کند، او هرگز مرتکب اشتباه نخواهد شد. تأدیب خدا همیشه مملو از عدالت و به جهت ما پُر از منفعت است. پدران زمینی ما در جهت تربیت ما کوشش خود را به عمل آوردند. هرچند ایشان در بعضی مواقع دچار اشتباه می‌شدند، ولی ما آنها را اطاعت و احترام می‌نمودیم. اگر ما به پدر خود احترام می‌گذاشتیم، چقدر بیشتر باید پدر روحها (پدر آسمانی) خود را محترم بداریم (آیه ۹).

حال باید پرسید که چرا خدا ما را تأدیب می‌کند؟ دلیل تأدیب خدا این است که ما **شریک قدوسیت او گردیم** (آیه ۱۰). هدف خدا این است که ما مقدس شویم. خدا، به واسطه قربانی عیسی مسیح ما را مقدس ساخته است (عبرانیان ۱۰: ۱۰). ولی تقدس به وسیله قربانی عیسی مسیح، قدم اول نجات ماست. اولین گام تقدس، دریافت نجات و عدالت توسط عیسی مسیح است که پس از ایمان به او، دریافت خواهیم داشت. و براساس آن ایمان است که عادل خوانده شده‌ایم (رومیان ۵: ۱). ولی نوع دیگری از تقدس و تکامل وجود دارد، که تقدس کامل عیسی مسیح باشد. دریافت آن تقدس، باید هدف اصلی و نهایی زندگی مسیحی ما باشد. باید دانست که آن قدوسیت دوم، محتاج

زمان می‌باشد و باید به یاد داشت که تقدس نهایی را فقط در ملکوت آسمان دریافت خواهیم نمود (عبرانیان ۱۰: ۱۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید). ولی در این زندگی کنونی، خدا به وسیله تأدیب‌ها و زحماتی که به ما وارد می‌شود، ما را هر چه بیشتر به سوی آن تقدس و پاکی نهایی راهنمایی می‌کند. پولس می‌گوید: **با مصیبت‌های بسیار می‌باید داخل ملکوت خدا گردیم** (اعمال ۲۲: ۱۴).

**۱۱** اینک در مقابل هدایت و تأدیب خدا دو راه باقی است. اول اینکه می‌توانیم آن تأدیب را رد کرده، نسبت به خدا لب به شکایت گشاییم. ولی حالت دومی نیز وجود دارد و آن این است که با شکر و شادی تأدیب خدا را پذیرا شده، آن را به منظور تربیت و تقدس قبول کنیم. اگر تأدیب او را قبول کنیم، زندگی ما مملو از عدالت و پاکی خواهد گردید. به کمک تأدیب خدا، از گناه و ناپاکی برگشته به سوی ایمان و اطاعت خدا باز می‌گردیم. زیرا **میوه عدالت سلامتی را برای آنانی که از آن ریاضت یافته‌اند بار می‌آورد**. نویسنده مزمو ر می‌گوید: **قبل از آنکه مصیبت را ببینم من گمراه شدم لیکن الان کلام تو را نگاه داشتیم ... مرا نیکو است که مصیبت را دیدم، تا فریض تو را بیاموزم** (مزمو ر ۶۷: ۱۱۹، ۷۱).

**۱۲** باشد که در زمان دریافت تأدیب خدا، نسبت به محبت وی دچار شک نگردیم و از مهر او دلسرد نشویم. زیرا که هدف خدا از تأدیب و تنبیه ما دلسرد نمودن فرزندان خود نیست، بلکه رشد دادن و به بلوغ رساندن و آماده ساختن ماست جهت خدمت انجیل. زمانی که خدا ما را تأدیب می‌کند، نباید از آن فرار کنیم، بلکه با آغوشی باز محبت خدا را پذیرا گردیم و اجازه دهیم روح خدا ما را تربیت کند. به همین دلیل، نویسنده رساله از اشعیای نبی نقل کرده، می‌گوید: **لهذا دستهای افتاده و زانوهای سست شده را استوار نمایید** (اشعیاء ۳: ۳۵).

**۱۳** اگر شخصی در کلیسا دچار تأدیب خدا شده است و یا اگر کسی وجود دارد که از نظر روحانی **لنگ** می‌باشد، بیایید آن شخص را کمک و یاری داده، باعث دلگرمی و تشویق او بشویم (غلاطیان ۶: ۱-۲). بیایید طریق او را راست کنیم و راه او را هموار نماییم (امثال ۴: ۲۶). باشد که از گذاشتن موانع بر سر راه آن عزیز خودداری نماییم او را که دچار زحمت و سختی شده در میدان مسابقه یاری نماییم.

**هشدار و نصیحت (۱۲:۱۴-۱۷)**

**۱۴** و در پی سلامتی با همه بکوشید (رومیان ۱۸:۱۲ را مشاهده کنید). غیرممکن است بتوان با همه افراد جامعه زندگی توأم با صلح و صفا داشت. زیرا افرادی وجود دارند که به خاطر ایمان ما به عیسی مسیح، ما را آزار خواهند رساند و حتی سعی خواهند نمود که ما را از بین ببرند. ولی ما باید کوشش کنیم که حتی الامکان با همه در صلح و سلامتی زیست نماییم. حال اگر قرار است با افراد بی‌ایمان و دشمنان خود در سلامتی و همزیستی مسالمت‌آمیز زندگی کنیم، چقدر بیشتر موظف به نگاه داشتن رشته اتحاد در میان ایمانداران می‌باشیم (افسیسیان ۳:۴). نویسنده رساله در ادامه می‌گوید که در پی تقدس بکوشید. به وسیله فیضی که از سوی عیسی مسیح به ما عطا شده است و به یاری روح القدس، خدای پدر هرچه بیشتر ما را به سمت و جهت تقدس به پیش خواهد برد. ولی اضافه بر آن، ما نیز باید خود در مسیر تقدس کوشش نماییم. زیرا تنها با اطاعت از احکام خدا مقدس خواهیم گردید (فیلیپیان ۲:۱۲-۱۳ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

خداوند بارها فرموده است: **مقدس باشید زیرا که من قدوسم** (لاویان ۱۱:۴۵؛ اول پطرس ۱:۱۵-۱۶). **زیرا این است اراده خدا یعنی قدوسیت شما** (اول تسالونیکان ۳:۴). زیرا بدون تقدس هیچ کس خداوند را نخواهد دید (متی ۵:۸ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

اگر به زندگی خود و به کلیسای خویش نگاه کنیم آیا قدوسیت را مشاهده خواهیم کرد یا ناپاکی را؟ آیا سلامتی و صلح و صفا را مشاهده خواهیم نمود یا عداوت و مخالفت و دشمنی را؟ باشد که هر یک از ما خویشتن را تفتیش نماید.

**۱۵** و مترصد باشید مبادا کسی از فیض خدا محروم شود (عبرانیان ۱:۴). فیض خدا همیشه به جهت ما آماده می‌باشد (عبرانیان ۴:۱۶). ولی

بسیاری از مواقع ما از این فیض رایگان خداوند بهره جویی نمی‌کنیم. بلکه چه بسا که هدیه گرانبهای خدا را رد کرده، به جای آن در پی آنچه که برای ما زیان‌بخش است رفته، باعث رنجش روح خدا می‌شویم. در آن زمان است که **از مسیح باطل و از فیض ساقط می‌گردیم** (غلاطیان ۴:۵).

چرا ما ایمانداران خود را از فیض خدا محروم می‌سازیم؟ علت این امر، «گناه» می‌باشد. تا وقتی که در گناه به سر می‌بریم، قادر به پذیرش فیض خدا نخواهیم بود. گناه مانند یک **ریشه مرارت** و تلخی است که درخت و میوه آن را تلخ می‌سازد. اگر در زندگی ما گناه رخنه کرده باشد، تمامی جوانب زندگی ما آلوده خواهد گردید. اگر در کلیسای گناه وجود داشته باشد، تمام کلیسا آلوده خواهد گردید. به همین دلیل است که نویسنده رساله هشدار می‌دهد که **مبادا ریشه گناه و تلخی اضطراب بار آورد و جمعی از آن آلوده شده، صدمه بینند.** پس مواظب باشیم که ریشه تلخی در ما رشد نکند و اگر در زندگی و قلب خود متوجه وجود گناه و آلودگی شدیم، بیایید که به سرعت هرچه تمام‌تر آن را ریشه کن نماییم (اول قرنتیان ۵:۹-۱۳).

**۱۶** در اینجا نویسنده رساله دو نمونه از گناهان، یعنی زنا و بی‌مبالاتی (عدم توجه به خدا) را ذکر می‌کند. گناه جنسی و زنا در میان جامعه قرن اول میلادی (زمان نگارش عهدجدید) بسیار شیوع داشت و بسیاری از مسیحیان تازه ایمان در خطر ابتلا به این گناهان بودند (اول قرنتیان ۵:۵ را مشاهده کنید).

نمونه دوم، گناه بی‌مبالاتی و عدم توجه به مسائل روحانی می‌باشد. **عیسو** فرزند ارشد اسحاق بود، ولی در اثر بی‌مبالاتی خود، حق و برکت و میراث نخست‌زادگی‌اش را از دست داد. در پیدایش ۲۵:۲۹-۳۳ می‌خوانیم که یک روز که عیسو گرسنه بود حاضر شد که در مقابل یک کاسه آش، حق نخست‌زادگی خود را به برادر کوچکتر خود واگذار نماید. پس **عیسو**

کوه سینا به موسی ظاهر شد و از میان شعله‌های آتش افروخته ده فرمان را به موسی ابلاغ فرمود. در آن زمان ابری غلیظ بر کوه سینا سایه افکند و **ظلمت و باد سخت** پدیدار گردید. از شدت هیبت حضور خدا، کوه سینا به لرزه درآمد و سپس از میان شعله‌های آتش و باد سخت، خدا با موسی سخن گفت. در همان حال، قوم بنی‌اسرائیل از هیبت حضور خدا وحشت کردند (خروج ۱۹:۱۶-۱۹:۲۰؛ ۲۰:۱۸-۲۱).

**۲۰-۲۱** هرگاه خدا بر کوه سینا با موسی تکلم می‌فرمود، هیچ کس اجازه نداشت به آنجا پا نهد. اگر در آن زمان انسان یا حیوانی به کوه پا می‌گذاشت، بر اساس حکم خدا، می‌باید در دم کشته می‌شد. به خاطر حضور مقدس خدا در کوه سینا، تمامی آن کوه پُر از تقدس می‌گردید. قدوسیت خدا به حدی بود که حتی حیواناتی که در آن نزدیکی بودند می‌باید کشته می‌شدند، چونکه به کوه مقدس خدا نزدیک شده بودند! تقدس حضور خدا آن چنان بود که هیچ کس جرأت لمس کردن آن حیوانات را نداشت، بلکه آن حیوانات را از راه دور و با پرتاب سنگ یا به وسیله نیزه به قتل می‌رساندند (آیه ۲۰). پس زمانی که یهودیان فرامین خدا را شنیدند و به عمق ابهت و هیبت تقدس خدا پی بردند، از ترسشان، از موسی خواستند که او کلام خدا را شنیده به ایشان بازگو کند. هیچ کس را یارای نزدیک شدن به قدوسیت خدا نبود (خروج ۱۹:۱۲-۱۳). بر اساس تثنيه ۱۹:۹، حتی موسی با ترس و لرز به حضور خدا می‌رفت (آیه ۲۱).

**۲۲** در عهدعتیق ایمانداران از حاضر شدن در نزد خدا ترس داشتند. ولی در عهدجدید، هر ایمانداری می‌تواند بدون ترس به پیش خدا آمده، با او گفتگو کند. دیگر لازم نیست که مانند یهودیان عهدعتیق از خدا ترسان باشیم. زیرا که خدا پدر مهربان و رحیم ما می‌باشد.

**جبل صهیون** مکانی بود که داود پادشاه،

**نخست‌زادگی خود را خوار نمود** (پیدایش ۳۴:۲۵). به عبارتی دیگر عیسو خویشتن را از فیض خدا محروم ساخت (آیه ۱۵). گناه عیسو این بود که به خاطر کسب نعمات این جهان، خود را از برکت و فیض آسمانی بی‌نصیب گرداند.

عیسو مانند کودکی نادان است که یک آب‌نبات کوچک را به اسکناسی بزرگ ترجیح می‌دهد. هرگاه ما نیز مواهب این زندگی را به برکات آسمانی و فیض خداوند ترجیح دهیم، مثل آن کودک نادان خواهیم بود. چه بسیار افرادی هستند که در پی به دست آوردن ثروت دنیوی، میراث آسمانی خود را از کف داده‌اند (متی ۱۹:۶-۲۰ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

در کتاب پیدایش می‌خوانیم که پس از آنکه عیسو به خود آمد، سعی کرد تا حق نخست‌زادگی خود را به چنگ بیاورد ولی دیگر کار از کار گذشته بود. این هشدار برای ماست که اگر در پی به دست آوردن نعمات این جهان، دست از میراث سماوی خود بشویم، ممکن است هرگز نتوانیم آن را مجدداً به دست آوریم.

**۱۷** در پیدایش ۳۰:۲۷-۴۰ می‌خوانیم که چگونه اسحاق عیسو را برکت داد (عبرانیان ۲۰:۱۱ را مشاهده کنید). عیسو هرگز از گناه خود (خوار ساختن نخست‌زادگی خود و خوار ساختن فیض خدا) توبه نکرد. بلی هرچند که او از کار خود نادم و پشیمان شده بود و بسیار گریه کرد و اشک ریخت، ولی زمانی که قلب یک نفر سخت شود، ممکن است که از عمل اشتباه خود پشیمان شود، ولی قدرت توبه و بازگشت به سوی خدا را از دست خواهد داد (عبرانیان ۱۲:۳-۱۳).

### اورشلیم آسمانی (۱۲:۱۸-۲۹)

**۱۸-۱۹** در این بخش، نویسنده رساله شرح می‌دهد که چگونه قوم بنی‌اسرائیل شریعت را از سوی خدا دریافت نمود. خدا در



خواهند کرد و بدنهای روحانی بر خواهند خاست (رومیان ۸:۲۳).

**خدا داوور جمیع** انسانهاست. او از دشمنان خود انتقام خواهد گرفت و فرزندان خود را نجات خواهد بخشید. از سوی دیگر، باید دانست که خدا قوم خود را داووری خواهد نمود. هیچ یک از ما از داووری خدا نخواهد رست. اگر از خدا اطاعت کنیم، نیازی به ترس از داووری خدا نخواهیم داشت. ولی اگر به طور عمد از خدا نافرمانی کنیم، مورد داووری خدا قرار خواهیم گرفت (متی ۷:۲۱؛ عبرانیان ۱۰:۳۰-۳۱ را مشاهده کنید).

**۲۴** زمانی که وارد اورشلیم سماوی شدیم، ما با عیسی مسیح، **متوسط عهد جدید**، ملاقات خواهیم کرد (عبرانیان ۸:۶؛ ۹:۱۵ و تفسیر آن را مشاهده کنید). زمانی که خون مسیح بر وجدانهای ما پاشیده می شود، باطن ما از گناه تمیز می گردد (عبرانیان ۹:۱۴). پس قادر خواهیم بود با وجدانی که توسط خون مسیح پاک شده است، به اورشلیم سماوی وارد شده در حضور خداوند حاضر شویم (عبرانیان ۱۰:۱۹، ۲۲). خون عیسی به مراتب نیکوتر از خون هابیل است. در پیدایش می خوانیم که خون هابیل از زمین به سوی خدا به دادخواهی ناله می کرد (پیدایش ۴:۸-۱۰؛ عبرانیان ۱۱:۴). ولی خون مسیح ندای رحمت و شفقت را به سوی خدای پدر بلند می کند. خون مسیح پیام آور محبت و بخشش و سلامتی با خداست. پس می بینیم چگونه خون عیسی مسیح به معنی **نیکوتر از خون هابیل** است.

**۲۵** **زهار از آنکه سخن می گوید رو مگردانید.** خدا با قوم بنی اسرائیل **بر زمین سخن گفت**. او به کوه سینا آمد تا با ایشان گفتگو کند (آیات ۱۸-۱۹ را مشاهده کنید). ولی در نهایت یهودیان خدا را اطاعت نکردند و به همین خاطر تنبیه شدند.

امروز نیز خدا با ما سخن می گوید. اینک او

پایتخت خود یعنی شهر اورشلیم را در آن بنا نمود. صهیون زمینی، مهم ترین شهر یهودیان و مرکز عبادت و پرستش ایشان محسوب می گردد. پس از مرگ داود پادشاه، پسرش سلیمان معبد مشهور یهودیان را در آن مکان بنا نمود.

همانطور که هیكل اورشلیم، مثالی از معبد اصلی و سماوی عهد جدید می باشد (عبرانیان ۹:۲۴)، به همین ترتیب نیز، شهر اورشلیم و کوه صهیون مثالی از آینده و شهر آسمانی می باشد. در آن شهر سماوی، خدا و لشکریهای فرشتگان اقامت دارند. اورشلیم سماوی به مراتب از آنچه که ابراهیم و اسحاق و یعقوب در انتظارش بودند، بهتر است (عبرانیان ۱۱:۱۶).

**۲۳** در اینجا، نویسنده رساله از اورشلیم سماوی با عنوان **کلیسای نخست زادگانی که در آسمان مکتوبند** نام می برد. عیسی مسیح، نخست زاده از فرزندان بسیار می باشد (رومیان ۸:۲۹؛ کولسیان ۱:۱۵؛ عبرانیان ۱:۶). و به وسیله ایمان به او، ما نیز قادر خواهیم بود که از طریق روحانی فرزندان خدا خوانده شویم. ما نخست زادگانی هستیم که ملکوت خدا را به میراث خواهیم برد. ما اعضای خانواده خدا و اعضای کلیسای آسمانی خدا می باشیم. نامهای ما در آسمان نوشته شده است (لوقا ۱۰:۲۰؛ مکاشفه ۲۱:۲۷).

منظور از **ارواح عادلان مکمل** همان ایمانداران عهدعتیق می باشد که پیش از ما به حضور خدا رفته اند و نام بعضی از ایشان در باب ۱۱ ذکر گردیده است. ایشان اعضای کلیسای نخست زادگان آسمانند.

براساس این آیه، بسیاری از مسیحیان نتیجه می گیرند که به مجرد آنکه شخص ایمانداری جان داد، روح او تکمیل شده و بلافاصله آن فرد وارد بهشت خواهد شد (لوقا ۲۳:۴۲-۴۳). و سپس زمانی که مسیح به این جهان بازگشت کند، بدنهای کسانی که در مسیح مرده اند، قیام

فروبرنده خواهند شناخت. آتش خشم و داوری خدا بر جمیع بی‌ایمانان خواهد بارید. پس لازم است که همه با **خشوع و خضوع و تقوا** به سوی خدا آمده، او را به عنوان پدر آسمانی خود ستایش و تکریم نمایند. زیرا همانطور که رحمت خدا عظیم است، خشم و غضب او نیز به همان اندازه وحشتناک است.

### باب ۱۳

#### نصایح پایانی (۱۳:۱-۱۷)

۱ عیسی مسیح به شاگردان خود فرمود: «**حکمی تازه به شما می‌دهم که یکدیگر را محبت کنید**» (یوحنا ۱۳:۳۴). منظور عیسی مسیح از محبت، صرفاً داشتن یک حالت گرم و یک احساس خوب و دلپذیر و دوست داشتنی نبود. زیرا **محبت برادرانه**، محبتی پر بهاست. عیسی مسیح در ادامه حکم خود چنین فرمود: **چنانکه من شما را محبت نمودم تا شما نیز یکدیگر را محبت نمایید** (یوحنا ۱۳:۳۴). عیسی چگونه ما را محبت کرد؟ او جان خود را برای ما فدا کرد (اول یوحنا ۳:۱۶-۱۷).

نویسنده رساله به عبرانیان می‌گوید **محبت برادرانه برقرار باشد**. حتی در زمان مشکلات و جفا و سختی، ما باید یکدیگر را محبت کنیم (رومیان ۱۲:۱۰؛ اول تسالونیکان ۴:۹-۱۰). با داشتن محبت متقابل نسبت به یکدیگر است که کلیسای مسیح در مقابل طوفان حوادث پایدار خواهد ماند.

کلیسای عبرانیان در موقعیت مشکلی قرار داشت. در حین این اوقات سخت است که نویسنده به آنها نصیحت می‌کند که تنها راه چاره ایشان، وجود محبت متقابل نسبت به یکدیگر، می‌باشد.

۲ در اینجا نویسنده رساله داستان ابراهیم و مهمانان سماوی او را به یاد آنها می‌آورد. در آن واقعه، یکی از میهمانان، خود خدا بود (پیدایش ۱۸:۱-۱۰). پس از صرف مدتی با

ما را از **آسمان** هشدار می‌دهد. اگر قوم یهود هشدار او را نادیده گرفتند و متحمل انواع تأدیه‌ها شدند، اگر ما نیز صدای او را نشنیده گیریم، او ما را تأدیب خواهد کرد (عبرانیان ۷:۳-۱۲؛ ۱۰:۲۸-۲۹ را مشاهده کنید).

۲۶ زمانی که خدا در کوه سینا با قوم یهود سخن گفت **آواز او در آن وقت زمین را جنبانید** (خروج ۱۹:۱۸). پس از آن خدا، از طریق انبیای عهدعتیق با قوم خود سخن گفت و به ایشان هشدار داد که او زمین را دچار جنبش و زلزله خواهد نمود. او فرمود: **آسمان را متزلزل خواهیم ساخت و زمین از جای خود متحرک خواهد شد** (اشعیا ۱۳:۱۳؛ حجّی ۲:۶). معنی هشدار خدا این است که خدا در روز آخر زمین و آسمان کنونی را نابود خواهد نمود و به عوض آن **آسمانی جدید و زمینی جدید** برپا خواهد کرد (مکاشفه ۱:۲۱).

۲۷ خدا چیزهای جنبش‌پذیر (جهان خلقت کنونی) را از میان برخواهد داشت. در روز آخر، آسمان و زمین نابود خواهند شد (مرقس ۱۳:۳۱)؛ و به جای آنها زمینی جدید و آسمانی تازه به وجود خواهد آمد. همه چیز نابود می‌گردد ولی ملکوت خدا یعنی اورشلیم سماوی و چیزهایی که جنبانیده نمی‌شود باقی خواهند ماند (آیه ۲۲).

۲۸-۲۹ ما ایمانداران اتباع آسمان می‌باشیم و به **ملکوتی که نمی‌توان جنبانید** تعلق داریم. پس بیایید همیشه به خاطر آن فیض عظیم خدا او را شکر کنیم. ما باید به **خشوع و خضوع و تقوا خدا را عبادت پسندیده نماییم**. خدا پدر عزیز و مهربان و رحیم ماست، ولی در عین حال **خدای ما آتش فروبرنده است** (تثنیه ۴:۲۴؛ اشعیا ۳۳:۱۴؛ اول قرنتیان ۳:۱۳-۱۵؛ عبرانیان ۱۰:۲۶-۲۷؛ دوم پطرس ۳:۱۰-۱۳). آن کسانی که نسبت به خدا عصیان می‌ورزند، هرگز نخواهند توانست با وی رابطه پدر و فرزندگی داشته باشند. آن افراد تنها خدا را به **مثابه آتش**

زناشویی مرد و زن) نیز امری پسندیده و مقبول خدا می‌باشد. زیرا روابط جنسی امری مهم در نکاح می‌باشد.

**زانی** کسی است که با وجود داشتن همسر، عمل جنسی نامشروع داشته باشد. و کسی که خارج از رابطه ازدواج رابطه جنسی داشته باشد **فاسق** است.

اگر کسی با وجود داشتن همسر، به عقد فرد دیگر در آید، زنا کرده است (متی ۵: ۳۲؛ مرقس ۱۰: ۱۱-۱۲ و تفسیر آن را مشاهده کنید). اگر مردی با وجود داشتن همسر با زنی رابطه جنسی داشته باشد، مرتکب زنا گردیده است. **فاسقان و زانیان را خدا داوری خواهد فرمود.** آن کسانی که توبه نکنند وارد ملکوت خدا نخواهند شد (اول قرنیتان ۶: ۹-۱۰؛ اول تسالونیکیان ۴: ۳-۶).

**۵** خدا نمی‌خواهد ما به چیزهای اولیه زندگی محتاج باشیم. او نیازهای اولیه ما را برآورده ساخته است ولی ممکن است بسیاری از امیال و آرزوهای ما را بر آورده نسازد. اگر در پی چیزهای این دنیا باشیم، حریص خواهیم شد. حرص، یک نوع بت پرستی است، زیرا شخص حریص پول و ثروت و مال دنیا را به جای خدا قرار می‌دهد و به عوض خدا، اشیاء را می‌پرستد (افسیسیان ۵: ۵؛ کولسیان ۳: ۵؛ مشاهده کنید). این افراد، به جای پرستش خالق، مخلوق را مورد تکریم قرار می‌دهند.

پولس به تیموتائوس نوشت: **زیرا که طمع ریشه همه بدیها است که بعضی چون در پی آن می‌کوشیدند، از ایمان گمراه گشته، خود را به اقسام دردها سفتند** (اول تیموتائوس ۶: ۱۰). شخصی که مال دنیا را دوست دارد، به تدریج محبتش را نسبت به خدا از دست خواهد داد و توجه خود را هرچه بیشتر متوجه اموال خویش خواهد نمود. عیسی مسیح فرمود که هیچ کس نمی‌تواند پول و خدا را باهم خدمت کند (متی ۶: ۲۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید). از این

ابراهیم، دو فرشته دیگر به دیدن برادرزاده ابراهیم لوط رفتند (پیدایش ۱۹: ۱-۱۶). شاید هرگز فرشته‌ای به منزل ما نیاید، ولی در خانه ما باید بروی افراد غریب و نیازمند باز باشد. همانطور که آن فرشتگان پس از ملاقات با لوط، به او برکت عظیم دادند، میهمان‌نوازی ما نیز باعث برکت ما خواهد شد.

گرچه انگیزه ما از میهمان‌نوازی نباید دریافت برکت روحانی باشد، ولی هدف ما از این کار باید این باشد که دیگران را برکت دهیم! زیرا غریب‌نوازی یکی از خدمات مهم مسیحیان می‌باشد (متی ۲۵: ۳۴-۴۰؛ رومیان ۱۲: ۱۳؛ اول پطرس ۴: ۹).

**۳** در این آیه، نویسنده رساله اصل بسیار مهمی را ارائه می‌دهد. به منظور خدمت افراد درمانده و نیازمند، ما باید خود را به جای ایشان قرار دهیم و خود را **مثل هم‌زندان ایشان** بدانیم. زیرا اگر خود را در موقعیت افراد درد کشیده قرار دهیم، آنگاه از رنج ایشان مطلع خواهیم شد و خواهیم توانست با ایشان همدردی کنیم. اگر خود را به جای مظلومان و رنج‌دیدگان بگذاریم، آنگاه قادر خواهیم بود که آن افراد را به طریق شایسته محبت کنیم.

نویسنده رساله می‌گوید: **اسیران را به خاطر آرید، مثل هم‌زندان ایشان و مظلومان را چون شما نیز در جسم هستید.** ما مثل آنها در جسم هستیم و می‌توانیم تا حد زیادی، رنجها و زحمات افراد مظلوم را تصور کرده با ایشان همدردی کنیم. چه بسا که فردا خود ما دچار رنج و سختی شویم؟ در آن روز، ما نیازمند همدردی و ترحم آنها خواهیم بود (عبرانیان ۱۰: ۳۳-۳۴ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

**۴** این خود خدا بود که در ابتدای خلقت اصل نکاح را پایه نهاد (پیدایش ۲: ۲۴). پس ازدواج میان زن و مرد در نظر خدا، امری پسندیده و مبارک می‌باشد. اگر نکاح در نزد خدا مبارک و محترم است، پس بستر نکاح (روابط

گذشته، افراد پول دوست، در نهایت به انواع دردها دچار می‌گردند. این دردها زائیده نگرانی‌ها و فکر در مورد سود و زیان و غیره است که انسان حریص را رنج می‌دهد. شخص پول‌پرست همیشه نگران این است که پولش را بیشتر کند. او هرگز در خود احساس امنیت ندارد و همیشه خواهان پول بیشتر است.

بیاید به آنچه داریم قانع و راضی باشیم (فیلیپان ۴: ۱۱-۱۲). پولس نوشت: **لیکن دینداری با قناعت سود عظیمی است. زیرا که در این دنیا هیچ نیاورده‌ایم واضح است که از آن هیچ نمی‌توانیم برد. پس اگر خوراک و پوشاک داریم، به آنها قانع خواهیم بود** (اول تیموتائوس ۶: ۸-۶).

عیسی مسیح در این باره فرمود: **«پس اندیشه مکنید و مگوید چه بخوریم یا چه بپوشیم یا چه بنوشیم زیرا که در طلب جمیع این چیزها است‌ها می‌باشند. اما پدر آسمانی شما می‌داند که بدین همه چیز احتیاج دارید. لیکن اول ملکوت خدا و عدالت او را بطلبید که این همه برای شما مزید خواهد شد»** (متی ۶: ۳۱-۳۳).

نویسنده رساله از تثنیه ۶: ۳۱ نقل قول کرده، خاطرنشان می‌سازد که خدا هرگز ما را تنها نخواهد گذاشت. با وجود این اطمینان چه نیازی به نگرانی باقی می‌ماند؟

۶ در اینجا نویسنده مزمو ۱۱۸: ۶ را نقل می‌کند. ما ایمانداران تحت نظر و مراقبت خدا قرار داریم. پس دیگر لازم نیست از انسانها بترسیم.

۷ نویسنده به رهبران پیشین کلیسا اشاره می‌کند. اگر در زمان حیات ایشان آنها را مورد تکریم و احترام قرار داده‌ایم، پس لازم است که پس از مرگ آنان نیز سخنان نیکو و تعالیم ایشان را محترم داشته یادشان را زنده نگاه داریم. زیرا آن مرشدان، کلام خدا را به ما رساندند پس لازم است به ایمان ایشان اقتدا کنیم.

۸ گرچه مرشدان و شبانان سابق دیگر در

میان ما نمی‌باشند، ولی عیسی مسیح همیشه با ما خواهد ماند (مزمو ۲۷: ۱۰۲؛ عبرانیان ۱: ۱۲). و از آنجا که عیسی تا به ابد زنده است، کهنات او نیز تا به ابد زوال نخواهد داشت (عبرانیان ۷: ۲۴). عیسی همیشه زنده است تا برای مادر نزد پدر شفاعت کند (عبرانیان ۷: ۲۵). عیسی مسیح فرمود: **«ترسان مباش، من هشتم اول و آخر وزنده؛ و مرده شدم و اینک تا ابد اباد زنده هشتم»** (مکاشفه ۱: ۱۷-۱۸).

۹ بعضی معلمان دروغین سعی داشتند که عبرانیان را مجاب کنند که به جهت دریافت نجات اعمال شریعت یهود را انجام دهند. آنها می‌گفتند که به منظور مقبول افتادن در نزد خدا، لازم است که از خوردن بعضی خوراکیها اجتناب نمود. ولی در اینجا نویسنده رساله اعلام می‌دارد که دل‌های ما به وسیله خوراکیهای مخصوص تقویت نخواهد شد، بلکه این فیض خداست که ما را تقویت و تسکین می‌بخشد (رومیان ۱۴: ۱۷؛ اول قرنتیان ۸: ۸ را مشاهده کنید).

۱۰ برخی از یهودیان معتقد بودند که خوردن گوشتی که در هیكل ذبح شده است از نظر روحانی فایده دارد. ولی ما مسیحیان قربانگاه دیگری داریم که بر آن گاو و گوسفندان ذبح نشده‌اند بلکه پسر خدا عیسی مسیح جانش را داده است. آن قربانگاه روحانی همان صلیب عیسی مسیح است که بر روی آن قربانی عهدجدید برای گناهان جهان فدیة گردید. **ما مذبجی داریم که خدمت‌گذاران آن خیمه (کاهنان عهدعتیق)، اجازت ندارند که از آن بخورند**<sup>۳۳</sup>. تنها تغذیه از صلیب مسیح و دریافت قربانی مسیح به ما قوت خواهد داد. زیرا به وسیله ایمان به صلیب مسیح و خوردن از ذبیحة روحانی عیسی مسیح، در او شراکت خواهیم یافت (یوحنا ۶: ۵۳-۵۶).

۳۳- پائولس آیه ۱۱ و تفسیر آن آیه را مشاهده کنید.

نمی‌شود. ولی نباید اینها را تکیه‌گاه خود قرار دهیم. هیچ یک از اینها مایه تسلی و تشویق ما نخواهند شد. همه اینها گذرا می‌باشند. **زائوکه در اینجا شهری باقی نداریم.** جالب آنجاست که این کلمات پس از مدت کمی به تحقق پیوست و چند سال پس از نگارش این رساله، شهر اورشلیم مورد حمله رومیان قرار گرفت و با خاک یکسان شد و ساکنین آن مجبور به ترک آن گردیدند.

ما که بر عیسی مسیح تکیه می‌کنیم، **آینده را طالب هستیم.** ما به سوی اورشلیم سمای و ملکوت جنبانیده نشدنی چشم دوخته‌ایم (عبرانیان ۱۱:۱۰، ۱۶؛ ۱۲:۲۲، ۲۸).

**۱۵** اینک آن شریعت کهنه یهود و گذرانند قربانی‌های حیوانی منسوخ شده است. زیرا برای بخشیده شدن گناهان و شسته شدن و تقدس ما، قربانی مسیح کافی است. ولی ما مسیحیان موظف هستیم که هر روزه و هر آن، نوعی قربانی دیگر به خدا تقدیم کنیم. این قربانی، هدیه‌ای روحانی است که به سوی خدا بلند کرده می‌شود. پطرس رسول نوشت که ما **کهان مقدس (هستیم) تا قربانی‌های روحانی و مقبول خدا را به واسطه عیسی مسیح بگذرانیم** (اول پطرس ۲:۵).

این قربانی‌های روحانی کدامند؟ یکی از این قربانی‌ها که در این آیه ذکر گردیده است **قربانی تسبیح** می‌باشد. حمد و ستایش خدا، همیشه نزد وی مقبول است.

**۱۶** ولی تسبیح و حمد خدا به خودی خود کافی نیست. بلکه لازم است که اعمال نیکو و محبت‌آمیز خود را نیز به حضور خدا بگذرانیم. دینداری واقعی فقط به قربانی کردن گاو و

۲۴- به همین دلیل است که در آیه ۱۰ خواندیم که خادمین آن خیمه اجازه خوردن از مذبح مسیح را ندارند. عیسی مسیح، خود قربانی گناهان ما بود، و خوردن گوشت قربانی گناه، ممنوع می‌باشد.

**۱۱** عیسی مسیح قربانی و کفاره گناهان ما گردید (رومیان ۳:۲۳-۲۵). براساس عهدعتیق، هر سال کاهن اعظم قوم، قربانی به جهت کفاره برای **گناهان** قوم یهود به حضور خدا تقدیم می‌داشت. کاهن اجازه داشت که از گوشت همه حیوانات قربانی شده بخورد، ولی او حق خوردن از گوشت گوسفند قربانی گناه را نداشت<sup>۲۴</sup>. بر طبق شریعت یهودیان، گوشت قربانی گناه، در بیرون از خیمه‌ها به آتش سوخته می‌شد (لاویان ۱۶:۲۷).

**۱۲** عیسی مسیح نیز، در خارج از لشکرگاه (آیه ۱۱)، یعنی در خارج از دیوارهای شهر اورشلیم جان داد (یوحنا ۱۹:۲۰). او به واسطه **خون خود**، ما ایمانداران را **تقدیس** نمود (عبرانیان ۱۰:۱۰، ۱۴).

**۱۳** پس بیاید بیرون از **لشکرگاه به سوی او برویم.** بیرون رفتن از لشکرگاه به معنی خارج شدن از اورشلیم و ترک دیانت کهنه یهودیان است. به همین شکل، ما نیز باید باورها و اعتقادات کهنه و منسوخ خود را رها کنیم و به سوی عیسی به بیرون از لشکرگاه برویم. همانطور که موسی ارج و قرب دربار فرعون مصر را ناچیز شمرد و **عار مسیح را دولتی بزرگتر از خزائن مصر پنداشت** (عبرانیان ۱۱:۲۶). عیسی مسیح فرمود: **«هر که خواهد از عقب من آید، خویشتن را انکار کند و صلیب خود را برداشته، مرا متابعت نماید»** (مرقس ۸:۳۴). **«و هر که صلیب خود را برداشته، از عقب من نیاید، لایق من نباشد»** (متی ۱۰:۳۷-۳۸). به یاد بیاوریم که در آن روزگار صلیب چقدر مایه آبروریزی و خجالت بود. ولی پسر یگانه خدا، صلیب خود را برداشته به خارج از لشکرگاه بیرون رفت (یوحنا ۱۹:۱۷). پس بیاید ما نیز صلیبهای خود را به دوش گرفته **عار او را برگرفته، بیرون از لشکرگاه به سوی او برویم.**

**۱۴** هیچ یک از ما به راحتی از لشکرگاه و رسوم و خانواده و متعلقات خود خارج

گوسفند نیست، بلکه مسیحی واقعی کسی است که کارهای نیکو انجام داده، دیگران را کمک و یاری می‌کند (یعقوب ۱: ۲۷ را مشاهده کنید). قربانی‌های ما محبت، رحمت، سخاوت و وفاداری است. ولی از همه چیز مهم‌تر این است که بدنهای خود را به عنوان قربانی زنده و پسندیده به حضور خدا تقدیم نماییم (رومیان ۱: ۱۲). این قربانی است که خدا را راضی و خشنود خواهد ساخت. زیرا که پسر خدا نیز بدن خود را برای ما قربانی نمود.

**۱۷** در حال حاضر، بسیاری افراد وجود دارند که حاضر به اطاعت از رهبران خود نمی‌باشند. اینها برای شبانان و مرشدین خود احترام قایل نمی‌باشند. جوانان احترام افراد مسن را نگاه نمی‌دارند و از ایشان انتقاد می‌کنند. ولی این گونه رفتار نباید در میان مسیحیان جایی داشته باشد. امکان دارد که رهبران کلیسا خالی از اشتباه و خطا نباشند. ولی این به ما ربطی ندارد! ما موظف هستیم که رهبران خود را مورد احترام و اطاعت قرار دهیم (اول تسالونیکیان ۵: ۱۲-۱۳ و تفسیر آن را مشاهده کنید).

خدا آن رهبران را برای ارشاد و راهنمایی ما معین فرموده است. آنها به نوبه خود به خدا جوابگو خواهند بود. اگر ما بر علیه آنها دست به تمرد و طغیان بزنیم، آنها در موقع جوابگویی به مسیح غمگین و رنج‌دیده خواهند بود. و اگر ما مسئول غم و اندوه رهبران خود باشیم، مسیح ما را مورد بازخواست و داوری قرار خواهد داد. آنهایی که بر علیه رهبران خود عصیان و طغیان کنند، بیش از هر چیز به خود ضرر می‌زنند<sup>۲۵</sup>

### سلامها و دعاهای اختتامیه (۱۳: ۱۸-۲۵)

**۱۸-۱۹** برای ما دعا کنید. هرچه بیشتر برای رهبران خود دعا کنیم، آنها بهتر خواهند توانست ما را خدمت کنند (رومیان

۱۵: ۳۰-۳۲؛ دوم قرنتیان ۱: ۱۲).

**۲۰** با مطالعه کتاب مقدس و دعاها، مکتوب در عهد جدید، بیشتر و بهتر طریقه دعا کردن را فرا خواهیم گرفت. در اینجا، نویسنده رساله، به سوی **خدای سلامتی** دعا می‌کند. خدا به وسیله عیسی مسیح، میان ما و خود صلح و سلامتی و آشتی به وجود آورده است. او **خداوند ما عیسی را به خون عهد ابدی از مردگان برخیزانید**. یعنی از آنجا که عیسی با اطاعت کامل خود، خون خود را بذل نمود، خدا نیز او را از میان مردگان برخیزاند و او را کاهن اعظم عهد ابدی برای ما ساخت (حزقیال ۳۷: ۲۶).

عیسی مسیح، نه تنها کاهن اعظم ماست، بلکه او خداوند زنده و **شبان اعظم گوسفندان** یعنی کلیسا و ایمانداران می‌باشد.

**۲۱** در این قسمت، نویسنده رساله دعا می‌کند که **خدا شما را در هر عمل نیکو کامل گرداند تا اراده او را بجا آورید و آنچه منظور نظر او باشد در شما به عمل آورد**. خدا چه هدایایی به ما خواهد داد؟ خدای مهربان، هر عمل نیکو، فیض، رحمت، نجات و قدرت لایزال خود را به ما هدیه می‌کند.

ولی یک چیز دیگر هنوز باقی مانده است! حتی اگر خدا ما را در هر عمل نیکو کامل گرداند **تا اراده او را بجا آوریم**، باز لازم است که خدا در ما میل نیکویی کردن را به وجود آورد (فیلیپیان ۲: ۱۳). بدون خدا قادر به انجام هیچ کاری نمی‌باشیم (یوحنا ۱۵: ۵). لازم است که از خدا تقاضا کنیم که به وسیله روح القدس در زندگی ما کار کند. **الحال او را که قادر است که بکند بی نهایت زیادتر از هر آنچه بخواهیم یا فکر کنیم**، بحسب آن قوتی که در ما عمل می‌کند، مر او را در کلیسا و در مسیح عیسی تا جمیع قرن‌ها تا ابدالابد جلال باد (افسیسیان ۳: ۲۰-۲۱).

۲۵- یکی از موارد ترسناک قیام و عصیان بر علیه رهبران را در کتاب اعداد باب ۱۶ مشاهده می‌کنیم.

۲۲-۲۵ تیموتائوس (آیه ۲۳) همکار پولس رسول بود. پولس دو رساله به تیموتائوس نوشته است که جزو کتب عهدجدید محسوب می‌شوند. در اینجا می‌خوانیم که تیموتائوس در زندان به سر می‌برد.

در آیه ۲۴، از آنانی که از ایتالیا هستند ذکر به میان آمده است. متأسفانه از هویت این افراد اطلاع دقیقی در دست نمی‌باشد. آنچه می‌دانیم این است که این ایمانداران ایتالیایی، با نویسنده رساله آشنا بودند و به عبرانیان سلام می‌رسانند.

